دافغانستان اسلامي جمهوريت

دعدليې وزارت

رسمي جريده

دټاکنوقــانون   قانون انتخابات

دخپرېدونېټه: د۱۳۹۵هــ.ش کال دتلې دمیاشتې (۴)

پرله پسې نمبر:(۱۲۲۶)

تاریــخ نشــر: (۴) میزان سال ۱۳۹۵ هــ . ش

نمبر مسلسل: (۱۲۲۶)

د امتیــاز خاوند: دعدلیــې وزارت
مسئول چلوونکی: قانونمل محمدرحیم "دقیق"
۰۷۰۰۵۸۷۴۵۷
د دفتر تیلفون: ۰۲۰۲۳۱۴۲۹۸
مرستیال:نورعلم ۰۷۰۰۱۴۷۱۷۸
مهتمــم:محمد جان ۰۷۸۳۳۰٦۹۸۲
وب سایت: www.moj.gov.af

قیمت: (۳٦/۹٦)افغانی
تیراژ چاپ: (۳۰۰۰)جلد
تعداد صفحات به شمول پشتی: (۱۵۴)صفحه
مطبعه: صـــــدف
آدرس:وزارت عــدلیه، ریاست نشرات و ارتباط عــامه،سرک(۱۵)وزیرمحمداکبرخان (شیرپور)کابل

د ټاکنو د قانون د توشيح
په هکله، د افغانستان اسلامي
جمهوريت د رئيس
تقنيني فرمان

ګڼه: (۱۰۵)

نېټه: ۱۱/ ٦/ ۱۳۹۵

لومړۍ ماده:

د افغانستان د اساسي قـانون د (۷۹) مادې د حکم له مخې، د ټاکنو قـانون چې د افغانستان اسلامي جمهوريت د کابينې د ۱/ ۱۳۹۵/٦ نېټې (۱۱) ګڼه مصوبې پربنسټ، د (۱۷/ اووه لـس) فصلونو او (۱۰۹/ يوسلو نهه) مادو په دننه کې تصويب شوی دی، توشـيح کوم.

دوه يمه ماده:

(۱) د ټاکنو خپلواک کمېسيون دې له رامنځته کېدو وروسته, د ټاکنو د قانون په (۳۵) ماده کې د درج شوي حکم د ښه تطبيق د ډول په هکله له اهل خبره او اړوندو ادارو سره په مشوره کې تېرو تجربو او د هېواد موجوده شرايطو او

فرمان تقنینی
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان
در مورد توشیح
قانون انتخابات

شماره: (۱۰۵)

تاریخ: ۱۳۹۵/٦/۱۱

مادهٔ اول:

به تأسی از حکم مادهٔ (۷۹) قـانون اساسی افغانستان، قانون انتخابات را که به اساس مصوبهٔ شـماره (۱۱) مـؤرخ ۱/ ٦/ ۱۳۹۵ کابینـهٔ جمهوری اسـلامی افغانسـتان بـه داخـل (۱۷/ هفـده) فصـل و (۱۰۹/ یکصد ونه) ماده تصـویب گردیده است، توشیح می دارم.

مادهٔ دوم:

(۱) کمیسیون مستقل انتخابات بعد از ایجاد، در خلال (۳) ماه در مورد طرز تطبیق بهتر حکم مندرج مـادهٔ (۳۵) قانون انتخابات، در مشوره با اهل خبره و ادارات ذیربط، مطالعات تخنیکی را با نظرداشـت تجـارب

وضعيت ته په کتو سره د (۳) مياشتو په ترڅ کې تخنيکي مطالعات بشپړ او د هغو رپوټ کابينې ته وړاندې کړي.

(۲) د افغانستان اسلامي جمهوريت کابينه ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی رپوټ بررسي او تصميم نيسي.

(۳) د ټاکنو خپلواک کمېسيون د کابينې له تصميم سره سم په دې هکله اجراآت کوي.

دريمه ماده:

دغه فرمان د توشيح له نېټې څخه نافذ او د افغانستان اسلامي جمهوريت د کابينې له مصوبې او د نوموړي قانون له متن سره يوځای دې په رسمي جريده کې خپور شي.

محمد اشرف غني

د افغانستان د اسلامي جمهوريت رئيس

گذشته و شرايط و اوضاع موجود کشور، تکميل و گزارش آن را به کابينه ارائه نمايد.

(۲) کابينه جمهوری اسلامی افغانستان گزارش مندرج فقرۀ (۱) اين ماده را بررسی و تصميم اتخاذ می نمايد.

(۳) کميسيون مستقل انتخابات طبق تصميم کابينه در مورد اجراآت می نمايد.

مادۀ سوم:

اين فرمان از تاريخ توشيح نافذ و همراه با مصوبۀ کابينۀ جمهوری اسلامی افغانستان و متن قانون مذکور در جريدۀ رسمی نشر گردد.

محمد اشرف غنی

رئيس جمهوری اسلامی افغانستان

د ټاکنو د قانون د طرحې په هکله د افغانستان اسلامي جمهوریت د کابینې مصوبه

ګڼه: (۱۱)
نېټه: ۱/ ٦/ ۱۳۹۵

د افغانستان د اساسي قانون د (۷۹) مادې د حکم له مخې، د ټاکنو د قانون طرحه د افغانستان اسلامي جمهوریت دکابینې د ۱/ ٦/ ۱۳۹۵ نېټې په غونډه کې د (۱۷/ اووه لس) فصلونو او (۱۰۹/ یوسلو نهه) مادو په دننه کې تصویب شوه.

د پورته یادشوي قانون طرحه د تقنیني فرمان له مخې نافذېږي.

محمد اشرف غني
د افغانستان د اسلامي جمهوریت رئیس

مصوبۀ کابینۀ جمهوری اسلامی افغانستان در مورد طرح قانون انتخابات

شماره: (۱۱)
تاریخ: ۱/ ٦/ ۱۳۹۵

به تأسی از حکم مادۀ (۷۹) قانون اساسی افغانستان، طرح قانون انتخابات در جلسۀ مؤرخ ۱۳۹۵/٦/۱ کابینۀ جمهوری اسلامی افغانستان به داخل (۱۷/ هفده) فصل و (۱۰۹/ یکصد ونه) ماده تصویب گردیده.

طرح قانون فوق الذکر طی فرمان تقنینی نافذ می گردد.

محمد اشرف غنی
رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

فهرست مندرجات

قانون انتخابات

فصل اول

احکام عمومی

ماده	عنوان	صفحه
مادۀاول:	مبنی	۱۳
مادۀ دوم:	اهداف	۱۳
مادۀ سوم:	نام اختصاری	۱۴
مادۀ چهارم:	اصطلاحات	۱۵
مادۀ پنحم:	حق شرکت درانتخابات	۱۹
مادۀ ششم:	ثبت نام ورأی دهی	۲۱
مادۀ هفتم:	ایجاد مراکز رأی دهی	۲۲
مادۀ هشتم:	ترتیب فهرست رأی دهندگان	۲۳
مادۀ نهم:	مکلفیت ادارات	۲۳
مادۀ دهم:	عدم مداخله	۲۴

فصل دوم

کمیسیون

مادۀ یازدهم:	ایجاد کمیسیون	۲۵

مادۀ دوازدهم :	شرایط عضویت کمیسیون............................	۲٦
مادۀ سیزدهم :	ایجاد کمیتۀ گزینش.................................	۲۷
مادۀ چهاردهم :	بررسی اسناد کاندیدان عضویت کمیسیون............	۲۹
مادۀ پانزدهم :	حلف..	۳۱
مادۀ شانزدهم :	حالات عزل عضوکمیسیون............................	۳۱
مادۀ هفدهم:	اجتناب از اعمال هرنوع تبعیض وتعصب.............	۳۳
مادۀ هجدهم:	مکلفیت اعضای کمیسیون حین تصدی وظیفه........	۳۴
مادۀ نزدهم:	وظایف وصلاحیت های کمیسیون.....................	۳۴
مادۀ بیستم:	جلسات کمیسیون......................................	۳۷
مادۀ بیست ویکم:	وظایف وصلاحیت های رئیس کمیسیون...............	۳۸
مادۀ بیست ودوم:	دارالانشای کمیسیون..................................	۳۹
مادۀ بیست وسوم:	استخدام کارکنان دایمی ومؤقت......................	۴۰
مادۀ بیست وچهارم:	موانع استخدام..	۴۱
مادۀ بیست وپنجم:	عدم تعقیب عدلی.......................................	۴۲
مادۀ بیست وششم:	بودجۀ کمیسیون..	۴۲
مادۀ بیست وهفتم:	کمیته رسانه ها..	۴۳

فصل سوم

کمیسیون شکایات

مادهٔ بیست وهشتم: ایجاد کمیسیون مرکزی شکایات....................٤٦

مادهٔ بیست ونهم: گزینش کاندیدان عضویت کمیسیون مرکزی شکایات.۴۷

مادهٔ سی ام: صلاحیت های کمیسیون شکایات....................۴۹

مادهٔ سی ویکم: کمیسیون های ولایتی شکایات.........................۵۰

مادهٔ سی ودوم: دارالانشای کمیسیون مرکزی شکایات..............۵۲

مادهٔ سی وسوم: استخدام کارکنان دایمی و مؤقت......................۵۴

مادهٔ سی وچهارم: بودجهٔ کمیسون مرکزی شکایات......................۵۵

فصل چهارم

حوزه های انتخاباتی

مادهٔ سی وپنجم: تعیین حوزه های انتخاباتی..............................۵۵

مادهٔ سی وششم: تعیین حدود حوزه های انتخاباتی......................۵٦

فصل پنجم

شرایط رأی دهندگان وکاندیدان

مادهٔ سی وهفتم: شرایط رأی دهندگان................................۵۷

مادهٔسی وهشتم: شرایط کاندید ریاست جمهوری.........................۵۸

مادهٔ سی ونهم: شرایط واوصاف کاندیدشورای ملی......................۵۹

مادۀ چهلم: شرایط کاندیدعضویت شورای ولایتی وشورای ولسوالی.. ٦۰

مادۀ چهل ویکم: شرایط کاندید عضویت شورای قریه...................... ٦۰

مادۀ چهل ودوم: شرایط کاندید شاروال............................... ٦۱

مادۀ چهل وسوم: شرایط کاندید عضویت مجالس شاروالی............... ٦۱

مادۀ چهل وچهارم: محدودیت برای کاندید شدن.......................... ٦۲

فصل ششم

انتخابات ریاست جمهوری

مادۀ چهل وپنجم: انتخاب رئیس جمهور................................. ٦٦

مادۀچهل وششم: وفات کاندید ریاست جمهوری........................ ٦۸

مادۀ چهل وهفتم: آغاز کار کاندید برنده به حیث رئیس جمهور.......... ٦۸

فصل هفتم

انتخابات اعضای ولسی جرگه

مادۀ چهل وهشتم: تعداد اعضای ولسی جرگه............................ ٦۸

مادۀ چهل ونهم: اختصاص کرسی ها به ولایات........................ ٦۹

مادۀ پنجاهم: تفویض کرسی ها به کاندیدان........................... ۷۱

مادۀ پنجاه ویکم: اختصاص کرسی به کاندیدان زن...................... ۷۲

مادۀ پنجاه ودوم: اختصاص کرسی به کوچی ها........................... ۷۴

مادهٔ پنجاه وسوم: اختصاص کرسی به اهل هنود وسکهـ ۷۵

فصل هشتم

انتخابات اعضای مشرانوجرگه

مادهٔ پنجاه وچهارم: تعداد اعضای مشرانوجرگه..........................۷۷
مادهٔ پنجاه وپنجم: انتخاب عضوشورای ولایتی به عضویت مشرانوجرگه.۷۷
مادهٔ پنجاه وششم: انتخاب عضو شوراهای ولسوالی ها به
عضویت مشرانوجرگه..............................۸۰

فصل نهم

انتخابات اعضای شورای ولایتی

مادهٔ پنجاه وهفتم: شورای ولایتی.. ۸۳
مادهٔ پنجاه وهشتم: تعیین کرسی به شورای ولایتی.......................۸۳
مادهٔ پنجاه ونهم: کسب عضویت شورای ولایتی.........................۸۴

فصل دهم

انتخابات اعضای شورای ولسوالی

مادهٔ شصتم: شورای ولسوالی.......................................۸۶
مادهٔ شصت ویکم: تعیین کرسی به شورای ولسوالی.......................۸۶
مادهٔ شصت ودوم: کسب عضویت شورای ولسوالی......................۸۷

فصل یازدهم

انتخابات اعضای شورای قریه

مادۀ شصت وسوم: شورای قریه.......................................۸۹

مادۀ شصت وچهارم: تعیین کرسی شورای قریه........................۸۹

مادۀ شصت وپنجم: کسب عضویت شورای قریه........................۹۰

فصل دوازدهم

انتخابات شاروال ها

مادۀ شصت وششم: طرز انتخاب شاروال...............................۹۲

مادۀ شصت وهفتم: آغازکار کاندید برنده به حیث شاروال.............۹۴

فصل سیزدهم

انتخابات مجلس شاروالی

مادۀ شصت وهشتم: منجلس شاروالی.......................................۹۴

مادۀ شصت ونهم: تعداد کرسی مجلس شاروالی..........................۹۴

مادۀ هفتادم: اختصاص کرسی ها...۹٦

فصل چهاردهم

تدویر انتخابات

مادۀ هفتادویکم: تاریخ انتخابات...۹۸

مادۀ هفتادودوم: فهرست رأی دهندگان..................................۹۸

مادۀ هفتادوسوم: درخواست کاندیدی.................................۹۹

مادۀ هفتادوچهارم: فهرست کاندیدان..................................۱۰۵

مادۀ هفتادوپنجم: انصراف ازکاندیدی.................................۱۰٦

مادۀ هفتادوششم: میعاد مبارزات انتخاباتی............................۱۰۷

مادۀ هفتادوهفتم: حدود مصارف انتخاباتی............................۱۰۸

مادۀ هفتادوهشتم: پخش ونشر اهداف کاندیدان........................۱۰۹

مادۀ هفتادونهم: برداشتن مواد تبلیغاتی...............................۱۱۰

مادۀ هشتادم: منع حمل سلاح درمراکز رأی دهی.......................۱۱۱

مادۀ هستادویکم: حفاظت رأی...۱۱۱

مادۀ هشتادودوم: ورق رأی ۱۱۲

مادۀ هشتادوسوم: حقوق ومکلفیت ناظر ومشاهد........................۱۱۳

مادۀ هشتادوچهارم: میعاد رأی دهی...................................۱۱۵

مادۀ هشتادوپنجم: شمارش آراء.......................................۱۱۷

مادۀ هشتادوششم: قرنطین..۱۱۸

مادۀ هشتادوهفتم: اعلام نتایج..۱۱۹

مادۀ هشتادوهشتم: وثایق انتخاباتی...................................۱۲۱

مادۀ هشتادونهم: ارائه گزارش..۱۲۱

فصل پانزدهم

رسیدگی به اعتراضات وشکایات انتخاباتی

مادۀ نودم: طرز رسیدگی به اعتراض وشکایت انتخاباتی........۱۲۲

مادۀ نودویکم: درج وثبت اعتراض وشکایت......................۱۲۲

مادۀ نودودوم: حذف کاندید از فهرست نهایی.....................۱۲۴

مادۀ نودوسوم: تصمیم کمیسیون مرکزی شکایات................۱۲۵

مادۀ نودوچهارم: ابطال رأی...۱۲۵

مادۀ نودوپنجم: مرجع رسیدگی به شکایات انتخاباتی...............۱۲۷

مادۀ نودوششم: تخطی..۱۲۷

مادۀ نودوهفتم: رسیدگی به تخطی،تخلف وشناسایی جرایم.........۱۲۸

مادۀ نودوهشتم: تخلف انتخاباتی وتأدیب............................۱۲۹

مادۀ نودونهم: جرایم انتخاباتی ومجازات آن.........................۱۳۹

فصل شانزدهم

مراجعه به آرای عمومی

مادۀ صدم: طرز مراجعه به آرای عمومی.........................۱۴۴

مادۀ یکصدویکم: اتخاذ تدابیر وطرز برگزاری مراجعه بهآرای عمومی.۱۴۵

مادۀ یکصدودوم: نظارت از مراجعه به آرای عمومی.................۱۴۵

فصل هفدهم

احکام متفرقه

مادۀ یکصدو سوم: انتخابات فرعی.................................۱۴۶

مادۀ یکصدوچهارم: تعویق وتعلیق انتخابات...............................۱۴۶

مادۀ یکصدوپنجم: تعهد نامه...۱۴۸

مادۀ یکصدوششم: تأمین امنیت..۱۴۸

مادۀ یکصدوهفتم: نشریه، نشان ومهر.................................۱۴۹

مادۀ یکصدوهشتم: وضع ونشر لوایح، طرزالعمل ها ورهنمودها.........۱۴۹

مادۀ یکصدونهم: انفاذ...۱۵۰

د ټاکنو قانون
لومړی فصل
عمومي حکمونه

مبنی

لومړۍ ماده:

دغه قانون د افغانستان د اساسی قانون د دري دېرشـــمې او یوســلو شپږپنځو سمې مادو د حکمونو له مخې وضع شوی دی.

موخې

دوه یمه ماده:

د دې قانون موخې عبارت دي له:

۱- د جمهوري ریاست، ملي شوري، ولایتي، ولسوالۍ او کلـي (قریـې) د شوراګانو، ښاروالانو او د ښاروالۍ د غونډو د (مجلسونو) په ټاکنو پورې د اړوند و چارو تنظیم.

۲- دازادو، عمومي، سـري (پټـو) مستقیمو، عادلانه او شفافو ټـاکنو د دایرولو د زمینې برابرول.

۳- د رأیې ورکوونکو او نومانـدانو (کاندیدانو) د شرایطو تنظیم اواوصاف.

قانون انتخابات
فصل اول
احکام عمومی

مبنی

مادۀ اول:

این قانون به تأسی ازاحکـام مـواد سی وسوم و یکصد وپنجـاه وششـم قانون اساسـی افغانسـتان، وضـع گردیده است.

اهداف

مادۀ دوم:

اهداف این قانون عبارت اند از:

۱- تنظـیم امـور مربـوط بـه انتخابـات ریاسـت جمهـوری، شورای ملـی، شـوراهای ولایتـی، ولسوالی و قریه، شاروال ها و مجالس شاروالی.

۲- فراهم نمودن زمینـه برگـزاری انتخابات آزاد، عمومی، سری، مستقیم، عادلانه و شفاف.

۳- تنظیم شـرایط و اوصـاف رأی دهندگان و کاندیدان.

۴- د ټاکنیزو حوزو ټاکل.
۵- د ټاکنو د دایرولو تنظیم.
٦- د ټاکنو د خپلواک کمېسیون او د ټاکنیزو شکایتونو د کمېسیون په تشکیل، دندو، واکونو او د فعالیت په ډول پورې د اړوندو چارو تنظیم.
۷- له ټاکنیزو سر غړونو او تخلفاتو او اړوندوجرمونوڅخه راپیدا شوو اعتراضونو او شکایتونو ته په رسیدګۍ پورې د اړوندو چارو تنظیم.
۸- د خلکو عمومي رأیو ته د مراجعې د چارو تنظیم.

لنډنوم

درېیمه ماده:

(۱) د ټاکنو خپلواک کمېسیون پدې قانون کې له دې وروسته د کمېسیون په نوم یادېږي.
(۲) د ټاکنیز و شکایتونو کمېسیون پدې قانون کې، لـه دې وروسته د شکایتونو د کمېسیون په نوم یادېږي.

۴- تعیین حوزه های انتخاباتی.
۵- تنظیم برگزاری انتخابات.
٦- تنظیم امور مربوط بـه تشـکیل، وظایـف، صلاحیت ها و طرز فعالیت کمیسـیون مسـتقل انتخـابات وکمیسیون شکایات انتخاباتی.
۷-تنظیم امور مربوط بـه رسـیدگی اعتراضات و شکایات ناشی ازتخطی ها و تخلفـات انتخابـاتی و جـرایم مربوطه.
۸- تنظیم امور مراجعه به آرای عمومی مردم.

نام اختصاری

مادۀ سوم:

(۱) کمیسیون مستقل انتخابات در این قانون بعد از این، به نام کمیسیون یاد می شود.
(۲) کمیسیون شکایات انتخابـاتی در این قانون بعد ازاین بنـام کمیسـیون شکایات یاد می گردد.

اصطلاحګانې

څلورمه ماده:

پدې قانون کې لاندې اصطلاحګانې لاندې مفاهیم افاده کوي:

۱- ټاکنې:د آزادو، عمومي، سري (پټو) او مستقیمو ټاکنو لـه لارې د افغانستان په اساسي قانون کـې درج شوو ټاکنیزو څوکیو (کرسیو) تـه د نوماند یا نوماندانو د غوره کولو لپاره، عملیاتي بهیردی.

۲- ټاکنیز تقویم: د افغانستان له اساسي قانون او له دې قانون سـره سـم د ټاکنیزو فعالیتونو د پروخت (په موقع) فعالیتونو د اجراء په منظور، مشخصه زماني برنامه ده.

۳- ټاکنیزه حوزه: هغه ساحه ده چې د ټاکنیزو څوکیو د نوماندانو د غوراوي لپاره ټاکل کیږي.

۴- رأیه: د شخص اراده ده چې د پام وړنوماند د غـوراوي پـه منظـور، استعمالیږي.

۵- د رأيې ورکوونکو فهرست: هغـه

اصطلاحات

مادۀ چهارم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید:

۱- انتخابـات: رونـد عملیـاتی است جهـت گـزینش کاندید یـا کاندیدان درکرسی‌های انتخابی مندرج قانون اساسی افغانسـتان از طریـق انتخابـات آزاد، عمـومی، سـری و مستقیم.

۲- تقـویم انتخابـاتی: برنامـه زمانی مشخص اسـت بـه منظـور اجرای بـه موقـع فعالیـت هـای انتخاباتی مطابق قانون اساسی و ایـن قانون.

۳- حوزۀ انتخاباتی: ساحه ای اسـت که جهت گزینش کاندیدان کرسی های انتخابی تعیین می گردد.

۴- رأی: ارادۀ شخص است که بـه منظورگزینش کاندیـد مـورد نظـر، استعمال می گردد.

۵- فهرست رأی دهندگان: جـدولی

جدول دی چې د رأيـې ورکـونې د شرايطو لرونکو اشخاصو شـهرت او درايې ورکونې د مرکز کُد په هغه کې درج کېږي.

٦- درأيې ورکونې مرکز: هغه ساحه ده چې کمېسيون، درأيـې ورکـونې لپاره هغه ټاکي او د ځو ځايونو لرونکی دی.

٧- درأيې ورکونې ځای: هغه ځـای (مکان) دی چې درأيې ورکونې د مرکز په د ننه کې، درأيې د حق د استعمال په منظور مشخصېږي.

٨- شمارنې مرکز: درأيې ورکـونې ځای دی چې درايې ورکونې له پايتـه رسېدو وروسته، له ځنډ پرتـه درايـې ورکوونکو رأيې هلته شمېرل کېږي.

٩- نوماند: هغه شـخص دی چـې د ټاکنيزې ځوکۍ د ترلاسه کولو لپاره د هغه نوم، د نوماندانو پـه وروسـتني فهرست کې درج وي.

۱۰- د نوماندانو ابتدايي فهرست: هغه جدول دی چې په هغه کې د ټاکنيزې ځـوکۍ د ترلاسـه کولـو لپـاره د

اسـت کـه شـهرت اشـخاص واجـد شـرايط رأی دهـی و کُـد مرکـز رأی دهـی در آن درج می گردد.

٦- مرکز رأی دهی: ساحه ای است که کميسيون، جهت رأی دهی آن را تعيين نموده و دارای چنـدين محـل می‌باشد.

٧- محل رأی دهی: مکانی است که در داخل مرکز رأی دهی به منظـور اسـتعمال حـق رأی، مشـخص می گردد.

٨- مرکز شمارش: محل رأی دهـی است که بعـد از خـتم رأی دهـی، بلافاصله آرای رأی دهندگان در آن جا شمارش می گردد.

٩-کانديـد: شخصـی اسـت کـه جهت احراز کرسـی انتخـابی نـام وی، در فهرست نهائی کانديدان درج باشد.

۱۰- فهرست ابتـدائی کانديـدان: جـدولی اسـت کـه در آن نـام درخواست دهندگان جهـت احـراز

غوښتنليک ورکوونکو نوم درج او خپرېږي.

۱۱- د نوماندانو وروستنی (نهايي) فهرست: هغه جدول دی چې په کې د شرايطو لرونکو نوماندانو نومونه، د شکايتونو د کمېسيون لخوا د اعتراضونو له بررسۍ وروسته، د کمېسيون په واسطه درج او خپرېږي.

۱۲- څارونکی (ناظر): هغه شخص دی چې له سياسي ګوند، نوماند اوکورنيو او بهرنيو بنسټونو څخه په استازيتوب، د ټاکنو پر بهير باندې د څارنې په منظور، د کمېسيون څخه اعتبار ليک ترلاسه کوي.

۱۳- کتونکی (مشاهد): کورنی يا بهرنی حقيقي يا حکمي شخص يا ټوليزې رسنۍ دي چې د کمېسيون لخوا د اعتبار ليک له ترلاسه کولو وروسته، د ټاکنو د بهير د کتلو د حق لرونکی وي.

۱۴- اعتبار ليک: هغه سند دی چې د ټاکنو د بهير د څارنې يا کتنې د اجازې او يا درپوټ د برابرولو په منظور، ددې

کرسی انتخابی درج و نشر می گردد.

۱۱- فهرست نهائی کانديدان: جدولی است که در آن نام های کانديدان واجد شرايط بعد از بررسی اعتراضات از جانب کميسيون شکايات توسط کميسيون درج و نشر می گردد.

۱۲- ناظر: شخصی است که به نمايندگی از حزب سياسی، کانديد و نهاد های داخلی و خارجی به منظور نظارت بر روند انتخابات از کميسيون، اعتبار نامه دريافت می نمايد.

۱۳- مشاهد: شخص حقيقی يا حکمی داخلی يا خارجی يا رسانه های همگانی است که بعد از دريافت اعتبار نامه از طرف کميسيون، حق مشاهدۀ روند انتخابات را دارا می باشد.

۱۴- اعتبارنامه: سندی است که به منظوراجازۀ نظارت يا مشاهده و يا تهيه گزارش از روند انتخابات مطابق احکام

قانون له حکمونو سره سم، د کمېسيون لخوا ورکول کېږي.

۱۵- ټاکنيزې مبارزې: هغه تبليغـاتي فعاليتونه دي چې د ګوند يا د سياسي ګوندونود ائـتلاف او يــا خپلواکــو نوماندانو په واسطه، درأيې ورکوونکو د ملاتړ او درأيو د ترلاسه کولــو پــه منظور صورت مومي.

۱٦- قرنطين: د شمارنې له بهير څخه تربيا بررسۍ او د کمېسيون او يــا د شکايتونو د کمېسيون د تصميم نيولو پورې د مؤقت الکترونيکی رأيــو يــا مشکوک صندوقونو بهر کولو (اېستل) دي.

۱۷- لومړنۍ پايلې : هغه ارقام دي چې د شمارنې په مرکزکې د رأيو له شمارنې وروسته، اعلامېږي.

۱۸- قسمي پايلې : هغه ارقام دي چې د پايلو د جمع بندۍ پــه بهيرکــې د کمېسيون لخوا اعلامېږي.

۱۹- ابتدايي پايلې: هغه ارقام دي چې د جمع بندۍ له بشپړېدو وروســته او شکايتونو ته له رســيدګۍ د مخــه، د

اين قانون از طرف کميسيون اعطــاء می شود.

۱۵- مبارزات انتخاباتی: فعاليت های تبليغاتی است که توسط حــزب يــا ائتلاف احزاب سياسی و يا کانديدان مستقل، به منظور جلــب حمايــت و کسب آرای رأی دهندگان صــورت می گيرد.

۱٦- قرنطين: خارج ساختن مؤقــت آرای الکترونيکی يا صــندوق هــای مشــــکوک از رونــــد شــــمارش الی بررسی مجدد و اتخــاذ تصــميم کميسيون و يا کميســيون شــکايات است.

۱۷- نتايج اوليه: ارقامی است که بعد از شمارش آراء در مرکز شــمارش، اعلام می گردد.

۱۸- نتايج قسمی: ارقامی است که در جريان جمع بنــدی نتــايج ازطــرف کميسيون اعلام می گردد.

۱۹- نتايج ابتدائی: ارقامی است که بعد از تکميل جمع بنــدی و قبــل از رســيدگی بــه شــکايات از طــرف

کمېسیون لخوا اعلام او خپرېږي.

۲۰ – وروستنی (نهایی) پایلې: هغه ارقام دي چې د شکایتونو د کمېسیون له بررسي وروسته، د کمېسیون لخوا اعلام، خپرېږي او تطبیقېږي.

۲۱- کوچی: د هېواد تبعه دی چې د استوګنې ثابت ځای نلري، اصلي پیشه (کسب)یې مالداري او اقلیمي شرایطو ته په پام سره له یوه ځایه بل ځای ته نقل مکان کوي.

۲۲- عمومي رأیو ته مراجعه: هغه ټول پوښتنه ده چې په مهمو ملي سیاسي، ټولنیزو او اقتصادي موضوعګانو کې د افغانستان د خلکو د عمومي رأیو د ترلاسه کولو په منظور، د افغانستان د اساسي قانون او دې دغه قانون له حکمونو سره سم، په هېواد کې تر سره کېږي.

په ټاکنو کې د ګډون حق

پنځمه ماده:

(۱) درأیې ورکونې د شرایطو لرونکي ښځه او نارینه تبعه حق لري ، درأیې

کمیسیون، اعلام و نشر می گردد.

۲۰- نتایج نهائی: ارقامی است که بعد از بررسی کمیسیون شکایات از طرف کمیسیون اعلام، نشر و تطبیق می گردد.

۲۱- کوچی: تبعهٔ کشوراست که مکان ثابت سکونت نداشته، پیشه اصلی آن مالداری و نظر به شرایط اقلیمی از یک محل به محل دیگر نقل مکان می نماید.

۲۲- مراجعه به آرای عمومی: همه پرسی است که به منظور کسب آرای عمومی مردم افغانستان در موضوعات مهم ملی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مطابق به احکام قانون اساسی افغانستان و این قانون در کشور برگزار می گردد.

حق شرکت در انتخابات

مادهٔ پنجم:

(۱) تبعهٔ واجد شرایط رأی دهی اعم از زن و مرد حق دارد، به

ورکوونکې یا نوماند په توګه نوم ثبت کړي اوپه ټاکنوکې برخه واخلي (ګډون وکړي).

(۲) که چېرې د دې مادې په (۱) فقره کې درج شوی تبعه د نوم ثبتونې له حق یا د ټاکلو حق او یا د ټاکل کېدو له حق څخه محروم شي، حق لري اړوندې واکمنې مرجع ته شکایت وکړي.

(۳) هر رأیه ورکوونکی حق لري د خپلې رأیې د استعمال لپاره درأیې ورکونې یوه مرکز ته لاسرسی ولري.

(۴) د شرایطو لرونکي رأیه ورکوونکي، په ټاکنو کې د مساوي حق لرونکي دي، په مستقیه توګه له هغه څخه ګټه اخلي.

د ژبې، مذهب، جنس، قوم، قبیلې، سمت، استوګنې، ټولنیز یا وظیفوي موقف یا معلولیت پر بنسټ پر رأیه ورکوونکو او نوماندانوباندې هر ډول مستقیم یا غیر مستقیم محدودیت ممنوع دی.

(۵) کوچیان،مهاجرین، اهل هنود

حیث رأی دهنده یا کاندید ثبت نام نموده و در انتخابات شرکت نماید.

(۲) هرگاه تبعهٔ مندرج فقرهٔ (۱) این ماده از حق ثبت نام یا حق انتخاب کردن و یا انتخاب شدن محروم گردد، حق دارد به مرجع ذیصلاح مربوطه شکایت نماید.

(۳) هر رأی دهنده حق دارد به یک مرکز رأی دهی جهت استعمال رأی خود دسترسی داشته باشد.

(۴) رأی دهندگان واجد شرایط، در انتخابات دارای حق رأی مساوی بوده، به صورت مستقیم از آن استفاده می کنند.

هرنوع محدودیت مستقیم یا غیر مستقیم بر رأی دهندگان و کاندیدان بر اساس زبان، مذهب، قوم، جنس، قبیله، سمت، سکونت و موقف اجتماعی یا وظیفوی یا معلولیت ممنوع می باشد.

(۵) کوچی ها، مهاجرین، اهل هنود و

اوسکهـ، له هېواده بهـر مېشـت د سياسي نمايندګيو کـار کـوونکي، د روغتونونو ناروغان، نظامي منسوبين او د شرايطو لرونکي محبوسين حق لري د امکان په صورت کې درأيې ورکونې په هغو جلا مرکزونو کې چې د کمېسيون لخوا رامنځته کېږي، په ټاکنوکې ګډون وکړي.

د نوم ثبتول او رأيه ورکول

شپږمه ماده:

(۱) درأيې ورکونې د شرايطو لرونکی شخص شخصاً درأيې ورکونې مرکز ته مراجعه کوي او د تابعيت د تذکرې يا هغه سند پر بنسټ چې د کمېسيون لخوا د هغه د هويت د تثبيت په منظور مشخص شوی دی خپل نوم د رأيه ورکوونکو په فهرست کې ثبتوي .

(۲) هېڅ شخص نشي کولای له يـو ځل زيات خپل نوم د رأيه ورکوونکو په فهرست کې ثبت کړي.

(۳) رأيه ورکوونکی مکلـف دی، د رأيې ورکونې په هغه مرکزکې چـې د

سکهـ، کارکنان نماينـدگی هـای سياسی مقيم خارج کشور، مريضـان شفاخانه هـا، منسـوبين نظـامی و محبوسين واجد شرايط، حق دارند در صورت امکان در مراکز رأی دهـی جداگانه ای که از طرف کميسـيون ايجاد می گردد، در انتخابات شرکت نمايند.

ثبت نام و رأی دهی

مادۀ ششم:

(۱) شخص واجد شرايط رأی دهـی شخصاً به مرکز رأی دهی مراجعه و به اساس تذکرۀ تابعيت يا سندی که توسط کميسيون به منظورتثبيت هويـت وی مشخص گرديده است، نام خود را در فهرسـت رأی دهنـدگان ثبـت می نمايد.

(۲) هيچ شخص نمی تواند بيش از يک بار نـام خـود را در فهرسـت رأی دهندگان ثبت نمايد.

(۳) رأی دهنـده مکلـف اسـت، در مرکز رأی دهـی ای کـه قـبلاً

مخه د هغه نوم د هغه مرکز د رأيه ورکوونکو په فهرست کې درج شوی دی، رأيه ورکړي.

(۴) رأيه ورکوونکی مکلف دی، درأيې ورکونې د پاڼې د ترلاسه کولو لپاره، د تابعيت تذکره يا هغه سند چې د کمېسيون لخوا د هغه د هويت د تثبيت لپاره مشخص شوی وي، وړاندې کړي.

(۵) هر رأيه ورکوونکی، د يوې رأيې د حق لرونکی دی او کولای شي هغه بلا واسطه د خپل نظر وړ نوماند لپاره استعمال کړي.

(٦) که چېرې رأيه ورکوونکی، د نظروړ نوماند د ټاکنيز نوم او نښې (نشان) د پيدا کولو لپاره، لارښوونې ته اړتيا ولري، له خپل باور وړ شخص څخه د مرستې غوښتنه کولای شي.

درأيې ورکونې د مرکزونو رامنځته کول

اوومه ماده

(۱) کمېسيون مکلف دی، درأيې ورکونې مرکزونه ، درأيه ورکوونکو د

نام او در فهرست رأی دهندگان آن مرکز درج گرديده است، رأی بدهد.

(۴) رأی دهنده مکلف است، جهت حصول ورق رأی دهی، تذکرۀ تابعيت يا سندی را که توسط کميسيون به منظور تثبيت هويت او مشخص گرديده است، ارائه نمايد.

(۵) هر رأی دهنده، دارای حق يک رأی بوده و می تواند آن را بلا واسطه برای کانديد مورد نظرخود استعمال نمايد.

(٦) هرگاه رأی دهنده جهت پيدا کردن نام و نشان انتخاباتی کانديد مورد نظر، نياز به رهنمائی داشته باشد، از شخص مورد اعتماد خود تقاضای کمک کرده می تواند.

ايجاد مراکز رأی دهی

مادۀ هفتم:

(۱)کميسيون مکلف است، مراکز رأی دهی را با در نظرداشت

شمېراو د هغوی د جغرافيايي موقعيت په پام کې نيولو سره په متوازنه توګـــه رامنځته کړي.

(۲) کمېسيون د ټاکنو د اړتيا وړ مواد د ټاکنو د دايرولو له ورځې څخه د مخه د رأيې ورکونې په مرکزونو کې چمتو کوي او ممکنـــې اســـانتياوې درأيـــه ورکوونکو د ګډون او درأيې د حـــق استعمال لپاره برابروي.

درأيې ورکوونکو د فهرست ترتيب

اتمه ماده:

کمېســـيون مکلـــف دی، د رأيـــه ورکوونکو فهرست د رأيې ورکونې د مرکزونو پـــه تفکيـــک ســـره او د کمېسيون د معلوماتو له ملـــي مرکـــز (ديتابېس) سره ونښلوي (وصل کړي).

د ادارو مکلفيتونه

نهمه ماده:

(۱) دولتي اونا دولتی اداري، ګوندونه، د سياسي ګوندونو ائتلاف او ټـــولنې مکلف دي د ټاکنو په بهير کـــې لـــه کمېسيون، د شکايتونه له کمېسيون او

تعـــداد رأی دهنـــدگان و موقعيـــت جغرافيايی آنان به صورت متوازن ايجاد نمايد.

(۲)کميسيون مواد مـــورد ضـــرورت انتخابات را قبـــل از روز برگـــزاری انتخابات در مراکز رأی دهی آمـــاده کرده و سهولت های ممکنه را جهت اشتراک و استعمال حق رأی دهندگان و کانديدان فراهم می نمايد.

ترتيب فهرست رأی دهندگان

مادۀ هشتم:

کميسيون مکلف است، فهرست رأی دهنـــدگان را بـــه تفکيـــک مراکـــز رأی دهی ترتيب و به مرکـــز ملـــی معلومات (ديتابيس) کميسيون وصـــل نمايد.

مکلفيت ادارات

مادۀ نهم:

(۱) ادارات دولتـــی و غيردولتـــی، احزاب، ائتلاف احـــزاب سياســـی و جمعيت ها مکلـــف انـــد در رونـــد انتخابات با کميســـيون، کميســـيون

د رسنيو له کميټې سره همکاري وکړي، هغه تصميمونه چې د دې قانون له حکمونو سره سم، د هغوی لخوا نيول کېږي، رعايت او تعميل کړي.

(۲) د احصايې مرکزي اداره مکلفه ده، د کمېسيون په واسطه په ټاکل شوې موده کې ، د هر ولايت ، ښار، نا حيې، ولسوالۍ، کلي (قريې) د کوچيانو په شمول د نفوسو رسمي دقيق ارقام، د اړوند قانون له حکمونو سره سم، د کمېسيون او د شکايتونو د کمېسيون په واک کې ورکړي.

نه لاسوهنه (عدم مداخله)

لسمه ماده:

(۱) هېڅ شخص نشي کولای په مستقيمه يا غير مستقيمه توګه د ټاکنو په چارو کې مداخله وکړي .

(۲) د مشخص نوماند په ګټه يا تاوان له هر ډول دولتي شتمنۍ، اسانتياوو او سرچينو څخه ګټه اخيستل، ممنوع دي. د ټولو نوماندانو په ګټه له دولتي او عامه سر چينو او اسانتياوو څخه مساوي

شکايات و کميتهٔ رسانه ها همکاری نموده، تصاميمی را که مطابق احکام اين قانون از طرف آنها اتخاذ می گردد، رعايت و تعميل نمايند.

(۲) ادارهٔ مرکزی احصائيه مکلف است، در مدت تعيين شده توسط کميسيون، جديد ترين ارقام دقيق رسمی نفوس هر ولايت، شهر، ناحيه، ولسوالی و قريه را به شمول کوچی ها مطابق احکام قانون مربوطه در اختيار کميسيون وکميسيون شکايات قرار دهد.

عدم مداخله

مادهٔ دهم:

(۱) هيچ شخص نمی تواند به طور مستقيم يا غير مستقيم در امور انتخابات مداخله نمايد.

(۲) استفاده از هرنوع دارائی، تسهيلات و منابع دولتی به نفع يا ضرر کانديد مشخص، ممنوع می باشد.استفادهٔ مساوی از منابع و تسهيلات دولتی و عامه،

ګټه اخیستنه ، د دې قانون له حکمونو سره سم، له دې حکم څخه مستثنې ده.

دوه یم فصل

کمېسیون

د کمېسیون رامنځته کول(جوړول)

یوولسمه ماده:

(۱) د هر ډول ټاکنو د ادارې او څارنې او په هېواد کې عمومي رأیو ته د مراجعې په منظور، له اوو غړو څخه جوړ کمېسیون، د دې قانون له حکمونو سره سم رامنځته کېږي.

(۲) کمېسیون د رئیس، عملیاتي مرستیال،اداري او مالي مرستیال او منشي (سخنګو) لرونکی دی چې د غړو له منځه خپله د دوی لخوا د آزادو، سري او مستقیمو رأیو پر بنسټ په لاندې توګه غوره کېږي:

۱ – د کمېسیون رئیس د دووکالو او شپږو میاشتو مودې لپاره.

۲ – د کمېسیون مرستیالان او منشي (سخنګو) د یوه کال مودې لپاره.

مطابق احکام این قانون به نفع عموم کاندیدان از این حکم مستثنی است.

فصل دوم

کمیسیون

ایجاد کمیسیون

مادهٔ یازدهم:

(۱) به منظور اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی در کشور کمیسیون مرکب از هفت عضو مطابق احکام این قانون ایجاد می گردد.

(۲) کمیسیون دارای رئیس، معاون عملیاتی، معاون اداری ومالی و منشی (سخنگو) می باشد که از میان اعضاء توسط خود آنها به اساس رأی آزاد، سری ومستقیم به ترتیب ذیل انتخاب می شوند:

۱- رئیس کمیسیون برای مدت دوسال وشش ماه.

۲- معاونان و منشی(سخنگو) کمیسیون برای مدت یک سال.

(۳) د کمېسيون رئيس، مرستيالان او منشي کولای شي، د وروستيو دورو لپاره هم ځان و نوموي.

(۴) د مرستيالانو او منشي (سخنگو) د دندو او واکونو حدود د کورنيو دندو په هغه لايحه کې چې د کمېسيون لخوا تصويبېږي، ټاکل کېږي.

د کمېسيون د غړيتوب شرايط

دوولسمه ماده:

(۱) هغه شخص د کمېسيون د غړي په توگه نومول کېدای شي چې د لاندې شرايطو لرونکی وي:

۱ – د افغانستان تابعيت ولري.

۲– د حقوقو، شرعياتو، سياسي علومو، مديريت، ټولنپېژندنې، اقتصاد په رشتو او په هغو پورې په نورو اړوندو رشتوکې لږ ترلږه د لېسانس د لوړو زده کړو لرونکی وي.

۳– د نېک شهرت لرونکی وي.

۴– لېسانس لږ تر لږه لس کاله، ماستر لږ تر لږه اووه کاله او دکتور لږ تر لږه پنځه کاله په دولتي يا نا دولتي

(۳) رئيس، معاونان و منشی کميسيون می توانند برای دوره های بعدی نيز خود را کانديد نمايند.

(۴) حدود وظايف و صلاحيت های معاونان و منشی (سخنگو) در لايحۀ وظايف داخلی که ازجانب کميسيون تصويب می گردد، تعيين می شود.

شرايط عضويت کميسيون

مادۀ دوازدهم:

(۱) شخصی به حيث عضو کميسيون کانديد شده می تواند که واجد شرايط ذيل باشد:

۱– تابعيت افغانستان را داشته باشد.

۲– دارای تحصيلات عالی حد اقل ليسانس در رشته های حقوق، شرعيات، علوم سياسی، مديريت، جامعه شناسی، اقتصاد و ساير رشته های مرتبط به آن ها باشد.

۳– دارای شهرت نيک باشد.

۴– ليسانس حداقل ده سال، ماستر حداقل هفت سال و دکتور حداقل پنج سال تجربۀ کاری در ادارات دولتی يا

اداروکې د کاري تجربې لرونکی وي.

۵- لږ تر لږه پنځه دېرش کلنی سن يې بشپړ کړی وي.

٦- د محکمې لخوا په ضد بشري جرمونو او جنايت او له مدني حقوقو څخه په حرمان محکوم شوی نه وي.

۷- د دندې د تصدۍ په وخت د سياسي ګوندونو غړيتوب و نلري.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو شرايطو لرونکي نوماندان د خپلو سوانحو لنډيز، تحصيلی سندونه او د تابعيت تذکرې د هغې مودې په ترڅ کې چې د غوراوي کميټې لخوا اعلامېږي ، هغې کميټې ته تسليموي. د غه موده له اوو کاري ورځو څخه زياتېدای نشي.

د غوراوي د کميټې رامنځته کېدل

ديارلسمه ماده :

(۱) په کمېسيون کې د غړيتوب د نوماندانو د سندونو د بررسۍ اهليت او وړتيا د تشخيص په منظور،د غوراوي کميټه په لاندې جوړښت

غير دولتی داشته باشد.

۵- حد اقل سن سی و پنج سالگی را تکميل نموده باشد.

٦- از طرف محکمه به ارتکاب جرايم ضد بشری و جنايت و يا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

۷- حين تصدی وظيفه عضويت احزاب سياسی را نداشته باشد.

(۲) کانديدان واجد شرايط مندرج فقرۀ (۱) اين ماده خلص سوانح، اسناد تحصيلی و تذکرۀ تابعيت خود را درخلال مدتی که از طرف کميتۀ گزينش اعلام می شود، به آن کميته تسليم می نمايند. اين مدت از هفت روز کاری بيشتر بوده نمی تواند.

ايجاد کميتۀ گزينش

مادۀ سيزدهم:

(۱) به منظور بررسی اسناد و تشخيص اهليت و شايستگی کانديدان عضويت در کميسيون، کميتۀ گزينش به ترکيب ذيل ايجاد

(ترکیب) سره رامنځته کېږي:
۱ – د سترې محکمې د عالي شورې په تصویب د سترې محکمې واکمن استازی (قاضي) د رئیس په توګه.
۲– د افغانستان د بشرد حقوقو د خپلواک کمېسیون یو غړی د هغه کمېسیون په غوراوي، د غړي په توګه .
۳– د اساسي قانون پر تطبیق د څارنې د خپلواک کمېسیون یو غړی، د هغه کمېسیون په غوراوي ، د غړي په توګه.
۴– په ټاکنو پورې اړوند د مدنې ټولنې د بنسټونو غوره شوی استازی د غړي په توګه.
۵– د ښځو له حقوقو څخه د ملاتړ د مدني ټولنې د بنسټونو غوره شوی استازی د غړي په توګه.
(۲) د دې مادې د (۱) فقرې په (۴ او ۵) اجزاووکې درج د مدنې ټولنې بنسټونه مکلف دي، د ابلاغ له نېټې څخه د اوو کاري ورځو په ترڅ کې د غوراوي په کمیټه کې د غړیتوب په غرض خپل استازي، معرفي کړي. لدې پرته، د دې مادې د (۱) فقرې په

می گردد:
۱– نماینده (قاضی) با صلاحیت ستره محکمه به تصویب شورای عالی ستره محکمه به حیث رئیس.
۲– یک عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به انتخاب آن کمیسیون به حیث عضو.
۳– یک عضو کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی به انتخاب آن کمیسیون به حیث عضو.
۴– نمایندهٔ منتخب نهاد های جامعه مدنی مرتبط به انتخابات به حیث عضو.
۵– نمایندهٔ منتخب نهاد های جامعه مدنی حمایت از حقوق زنان به حیث عضو.
(۲) نهاد های جامعه مدنی مندرج اجزای (۴ و ۵) فقرهٔ (۱) این ماده مکلف اند، در خلال هفت روز کاری از تاریخ ابلاغ، نمایندگان خویش را غرض عضویت کمیته گزینش معرفی نمایند. در غیر این صورت اعضای مندرج اجزای (۱، ۲ و ۳) فقرهٔ (۱)

(۱، ۲ او ۳) اجزاووکې درج شـوي غړي، د دې مادې د (۱) فقرې پـه (۴ او ۵) اجزاووکې لـه درج شـوو بنسټونوڅخه درې درې تنـه جمهـور رئیس ته معرفي او جمهور رئیس د هغو له منځه دوه تنه د دواړو بنسټونو پـه استازیتوب،د غوراوي د کمیټې د غړو په توګه ټاکي.

د کمېسیون د غړیتوب د نوماندانو د سندونو بررسي

څوارلسمه ماده:

(۱) د غوراوي کمیټه د دې قـانون د دوولسمې مادې په (۲) فقره کې درج شوي سندونه ارزوي او د مشبوهیت په صورت کې یې د ډاډ د ترلاسه کولو په غرض اړوندو مراجعو ته راجع کوي. اړوند مراجع مکلف دي د دریو کاري ورځو په ترڅ کې بشـپړ معلومـات وړاندې کړي.

د مشبو هیت د تثبیت په صورت کې، د سند وړاندې کوونکی ، عدلي او قضایي مراجعو ته معرفي کېږي.

این ماده، سه سه تن را از نهاد هـای منـــــدرج اجـــــزای (۴ و ۵) فقرهٔ (۱) این ماده به رئیس جمهـور معرفی و رئـیس جمهـور از میـان آنـــان دو تـــن را بـــه نماینـــدگی از هـــر دو نهـــاد، بـــه عنـــوان اعضـــای کمیتـــه گـــزینش تعیـــین می نماید.

بررسی اسناد کاندیدان عضـویت کمیسیون

مادهٔ چهاردهم:

(۱)کمیته گزینش اسناد مندرج فقـرهٔ (۲) مادهٔ دوازدهم این قانون را ارزیابی نموده و درصورت مشبوهیت، غرض حصول اطمینان به مراجـع ذیـربط راجع می سـازد. مراجـع مربوطـه مکلف اند در خلال سه روز کـاری معلومـــــات کامـــــل ارائـــــه نمایند.

در صورت تثبیت مشبوهیت، ارائـه کنندهٔ سند، به مراجع عدلی و قضایی معرفی می گردد.

(۲) د غوراوي کميټه د نوماندانو له منځه د ډېرولوړو او ډېرو مناسبو قانوني معيارونو لرونکي يو ويشت تنه د قومي او جنسيتي ترکيب په رعايتولو سره، جمهوري رياست ته معرفي کوي.

(۳) جمهور رئيس د دې مادې په (۲) فقره کې د درج شوو نوماندانو له منځه دکمېسيون غړي د قومي او لږ تر لږه د دوو ښځو د جنسيتي جوړښت په رعايتولو سره لومړۍ دورې لپاره په لاندې ترتيب سره ټاکي:

۱- څلور غړي د پنځه کلونو مودې لپاره.

۲- درې غړي د دريوکلونو مودې لپاره.

(۴) د کمېسيون غړي په وروستيو دوروکې د پنځه کلونو مودې لپاره ټاکل کېږي.

(۵) د غوراوي د کميټې غونډې، له جلا کړنلارې سره سم، چې د هغې د غړو لخوا تصويبېږي په څرګنده (علني) توګه دايرېږي.

(۲) کميتۀ گزينش ازميان کانديدان، بيست و يک تن دارای بلند ترين و مناسب ترين معيارهای قانونی را با رعايت ترکيب قومی و جنسيتی، به رياست جمهوری معرفی می نمايد.

(۳) رئيس جمهور از ميان کانديدان مندرج فقرۀ (۲) اين ماده، اعضای کميسيون را با رعايت ترکيب قومی و جنسيتی حد اقل دو زن برای دوره اول به ترتيب ذيل تعيين می نمايد:

۱- چهار عضو برای مدت پنج سال.

۲- سه عضو برای مدت سه سال.

(۴) اعضای کميسيون در دوره های بعدی برای مدت پنج سال تعيين می شوند.

(۵) جلسات کميته گزينش مطابق طرزالعمل جداگانه ای که توسط اعضای آن تصويب می شود، طور علنی داير می گردد.

حلف

پنځلسمه ماده :

د کمېسيون غړي د موقف له نيولو (ترلاسه کولو) د مخه لاندې حلف د جمهوررئيس په حضورکې،دسترې محکمې د رئيس په واسطه پر ځای کوي :

د ستر خدای (ج) په نوم سوګند یا دوم چې تولې سپارل شوې د ندې په کمال د صداقت (رېښتينولی) ايمانداری، خپلواکی او بشپړې ناپلوی (بې طرفی) سره د افغانستان د اساسې قانون، دغه قانون او د هېواد د نورو قوانينو له حکمونو سره سم تر سره کړم .

د کمېسيون د غړي د عزل حالات

شپاړسمه ماده :

(۱) د کمېسيون غړی په لاندې حالاتو کې له دندې څخه عزل کېږي:

۱ – په تحصلي سندونو کې تزوير.

۲- دواکمنې محکمې په حکم له مدني حقوقو څخه حرمان.

۳- د جنحې یا جنايت په جرمونو

حلف

مادهٔ پانزدهم:

اعضای کمیسیون قبل از احراز موقف، حلف آتی را به حضور رئیس جمهور، توسط رئیس ستره محکمه به جا می آورند:

بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که تمام وظایف محوله را با کمال صداقت، ایمانداری، استقلال و بی طرفی کامل مطابق به احکام قانون اساسی افغانستان، این قانون و سایر قوانین کشور انجام دهم.

حالات عزل عضو کمیسیون

مادهٔ شانزدهم:

(۱) عضو کمیسیون در حالات ذیل از وظیفه عزل می گردد:

۱- تزویر در اسناد تحصیلی.

۲- حرمان از حقوق مدنی به حکم محکمهٔ ذیصلاح.

۳- محکومیت به جرایم جنحه یا

محکومیت.

۴- د دندې د تصدۍ پروخت په سیاسي ګوند کې غړيتوب.

۵- د افغانستان د اساسي قانون، دغه قانون او نورو نافذه قوانینو د حکمونو نقض.

٦- په صعب العلاج یا دوا مداري ناروغۍ اخته کېدل چې د دندې د اجراء خنډ (مانع) شي.

۷- له قانوني مؤجهو د لایلو پرته، له شلو ورځو څخه زیات مسلسل (پرله پسې) غیابت.

۸- د دې قانون د اوولسمې مادې د حکم نه رعایت.

(۲) د کمېسیون غړی کولای شي خپله استعفي په لیکلې توګه، جمهور رئیس ته وړاندې کړي.

(۳) د کمېسیون د يوه یا څو غړو د استعفي، عزل یا وفات په صورت کې، جمهور رئیس، نوی غړی یاغړي، د اوو ورځو مودې په ترڅ کې، د دې قانون د څوارلسمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوي د پاتې نوماندانو له منځه د

جنایت.

۴- عضویت در حزب سیاسی حین تصدی وظیفه.

۵- نقض احکام قانون اساسی افغانستان، این قانون و سایر قوانین نافذه.

٦- مبتلا شدن به مریضی صعب العلاج یا دوامدار که مانع اجرای وظیفه گردد.

۷- غیابت مسلسل اضافه از بیست روز بدون دلایل مؤجه قانونی .

۸- عدم رعایت حکم مادۀ هفدهم این قانون.

(۲) عضو کمیسیون می تواند استعفای خویش را کتباً به رئیس جمهور ارائه نماید.

(۳) در صورت استعفا، عزل یا وفات یک یا چند عضو کمیسیون، رئیس جمهور، عضو یا اعضای جدید را درخلال مدت هفت روز از میان کاندیدان باقیماندۀ مندرج فقرۀ (۲) مادۀ چهاردهم این قانون با رعایت

قومي او جنسيتي جوړښت په رعايت سره ټاکي.

(۴) که چېرې د کمېسيون رئيس، مرستيال يا منشي، د استعفي، عزل يا وفات په سبب خپل غړيتوب له لاسه ورکړي، د کمېسيون د غړو ترمنځ بيا ټاکنې د دې قانون د يوولسمې مادې د (۲) فقرې له حکم سره سم صورت مومي.

(۵) د دې مادې د (۱) فقرې په (۱، ۲ او ۳) اجزاووکې د درج شوو حالاتو په استثنې، د نورو حالاتو تشخيص،د کمېسيون په واسطه صورت مومي.

د هر ډول توپير (تبعيض) او تعصب له اعمال څخه ډډه کول

اوولسمه ماده:

د کمېسيون غړي مکلف دي، د تصميمونو د نيولو پروخت، د هېواد لوړې ګټې او د افغانستان د اساسي قانون حکمونه رعايت کړي او د هر ډول توکميز (نژادي)، قومي، سيمه ييز، ګوندي، ژبني، مذهبي او

ترکيب قومی و جنسيتی تعين می نمايد.

(۴) هرگاه رئيس، معاون يا منشی کميسيون به سبب استعفا، عزل يا وفات عضويت خويش را از دست دهد، انتخابات مجدد بين اعضای کميسيون مطابق حکم فقرۀ (۲) مادۀ يازدهم اين قانون صورت می گيرد.

(۵) به استثنای حالات مندرج اجزای (۱، ۲ و ۳) فقرۀ (۱) اين ماده، تشخيص ساير حالات توسط کميسيون صورت می گيرد.

اجتناب از اعمال هر نوع تبعيض و تعصب

مادۀ هفدهم:

اعضای کميسيون مکلف اند، حين اتخاذ تصاميم، منافع عليای کشور و احکام قانون اساسی افغانستان را رعايت نموده و از اعمال هر نوع تبعيض و تعصب نژادی، قومی، منطقوی، حزبی، لسانی،

جنسيتي تبعيض (توپير) او تعصب لـه اعمال څخه ډډه وکري.

د دندې د تصـدۍ پروخـت د کمېسيون د غړو مکلفيت

اتلسمه ماده:

(۱)دکمېسيون غړي مکلف دي، خپلې دندې په ناپلوۍ سـره او مسـئولانه، د دې قانون او نورو تقنيني سندونو له حکمونو سره سمې سرته ورسوي.

(۲) د کمېسيون غـړي، د دنـدې د تصدۍ پروخت، په سياسـي، نظـامي فعاليتونو کې د ګډون او په نورو دولتي او نا دولتي دندو د بوختېدو حق نلري.

د دندې د تصـدۍ پروخـت د کمېسيون د غړو مکلفيتونه

نولسمه ماده:

(۱) کمېسيون د لانـدې د نـدو او واکونو لرونکی دی:

۱- د هر ډول ټاکنو اداره او څارنه او پدې قانون کې درج عمومي رأيو تـه مراجعه.

۲ - د ټاکنو د تطبيق پـه منظـور د

مـــذهبی و جنســـيتی اجتنـــاب ورزند.

مکلفيت اعضای کميسيون حـين تصدی وظيفه

مادهٔ هجدهم:

(۱) اعضای کميسيون مکلف انـد، وظايف خـويش را بـی طرفانـه و مسئولانه، مطابق احکام اين قـانون و ساير اسناد تقنينی انجام دهند.

(۲) اعضای کميسيون حين تصـدی وظيفه، حق اشتراک در فعاليت هـای سياسی، نظامی و اشتغال به وظـايف ديگر دولتی و غير دولتی را ندارند.

وظـايف و صـلاحيت هـای کميسيون

مادهٔ نزدهم:

(۱) کميســيون دارای وظـايف و صلاحيت های ذيل می باشد:

۱- اداره و نظارت بر هـر نـــوع انتخـــابات و مراجعه به آرای عمومی مندرج اين قانون.

۲- تصويب طرزالعمل های اجرائيوی

اجراء شوي کړنلارو تصويب.
۳ – د ټاکنو د اداري،بودجوي ، مديريتي او عملياتي پلانونو تصويب.
۴ – د کمېسيون د دارلانشأ او د کمېسيون د ولايتي دفترونو له اجراآتو او فعاليتونو څخه څارنه.
۵- د نوم ثبتونې له پړاوونو څخه څارنه، درأيه ورکوونکو د نوم ثبتونې د فهرست برابرول او نوي کول.
٦- په اړوند و ټاکنو کې د نوم ثبت شوو نوماندانو د فهرست او درأيه ورکوونکو د نوم ثبتونې د وروستني (نهايي) فهرست تصديق.
۷- د ټاکنيز تقويم تصويب.
۸- د مدني معلوماتو او د هېواد په سطح د عامه خبرتيا (آگاهي) د کمپاين بر نامه جوړونه.
۹- له ټوليزو رسنيو څخه د گټې اخيستنې د کړنلارو تصويب او د ټاکنيزو مبارزو په ترڅ کې دولتي ټوليزو رسنيوته د سياسي گوندونو، نوماندانو او مدني ټولنو د بنسټونو له عادلانه لاسرسي څخه ډاډ ترلاسه

به منظورتطبيق انتخابات.
۳- تصويب پلان های اداری، بودجوی، مديريتی وعملياتی انتخابات.
۴- نظارت از اجراآت وفعاليت های دارالانشای کميسيون و دفاتر ولايتی کميسيون.
۵- نظارت از مراحل ثبت نام، تهيه و تجديد فهرست ثبت نام رأی دهندگان.
٦- تصديق فهرست کانديدان ثبت نام شده درانتخابات مربوط و فهرست نهائی ثبت نام رأی دهندگان.
۷- تصويب تقويم انتخاباتی.
۸- برنامه ريزی کمپاين معلومات مدنی و آگاهی عامه در سطح کشور.
۹- تصويب طرزالعمل های استفاده از رسانه های همگانی و حصول اطمينان از دسترسی عادلانه احزاب سياسی، کانديدان و نهادهای جامعه مدنی به رسانه های همگانی دولتی حين

کول.

۱۰ – له سياسي ګوندونو، خپلواکو نوماندانو او په ټاکنو او رسنيو پورې اړوند د مدني ټولنې د بنسټونو سره د اړيکو بر قراره کول او د همکاری ساتل .

۱۱– درأيي ورکونې د مرکزونو، درأيې ورکونې او رأيې شمېرنې د ځايونو ټاکل او تصديق.

۱۲– د جمهوري رياست ، د جمهوري رياست مرستيالانو، ملي شوري، ولايتي شوري، د ولسوالۍ شوري، د کلي شوري، ښاروالانو او د ښاروالیو د مجلسو نود غړو نوماندانو ته د اعتبار ليک صادرول.

۱۳ــ د ملي او بين المللي څارونکو او کتونکو، د سياسي ګوندونو استازو، نوماندانو، له ټاکنو سره د اړوندو مدنې ټولنې بنسټونو او ټوليزو رسنيوته د اعتبارليک صادرول.

۱۴– په رسمي ډول د ټاکنو د لومړنيو (اوليه)، قسمي ابتدايي او نهايي پايلو اعلام.

مبارزات انتخاباتی.

۱۰– برقراری روابط و حفظ همکاری با احزاب سیاسی، کاندیدان مستقل، نهاد های جامعه مدنی مرتبط به انتخابات و رسانه ها.

۱۱– تعیین و تصدیق مراکز ثبت نام رأی دهی، محلات رأی دهی و شمارش آراء.

۱۲– صدور اعتبار نامه برای کاندیدان ریاست جمهوری، معاونین ریاست جمهوری، شورای ملی، شورای ولایتی، شورای ولسوالی، شورای قریه، شاروال ها و اعضای مجالس شاروالی ها.

۱۳– صدور اعتبار نامه برای ناظرین و مشاهدین ملی و بین المللی، نمایندگان احزاب سیاسی، کاندیدان، نهاد های جامعه مدنی مرتبط به انتخابات و رسانه های همگانی.

۱۴– اعلان نتایج اولیه، قسمی، ابتدایی و نهایی انتخابات به شکل رسمی.

۱۵- د کمېسيون د دارالانشـــاء او ولايتي دفترونو د کار کوونکــو لــه استخدام څخه څارنه.
۱٦- پدې قانون کــې درج د نــورو دندو او واکونو سرته رسول.
(۲) کمېسيون نشي کولای ، د ټاکنيز بهير په جريان کې اړوندې لايحــې او کړنلارې تعديل کړي.

د کمېسيون غونډې

شلمه ماده:

(۱) د کمېسيون عادي غونــډې پــه منظمه توګه دايرېږي ، فــوق العــاده غونډې د کمېسيون د رئيس په تصميم يا د دريو غړو په وړانديز دايرېــدای شي.
(۲) د پنځو غړو په حضور سره بشپړ او تصميمونه د ټولو غړو په اکثريــت نيول کېږي. د رأيو د برابرۍ (تساوۍ) په صورت کې د هغه لوري نظر چې د کمېسيون رئيس هغه ته رأيه ورکوي ، معتبر ګڼل کېږي.
(۳) د ټاکنيز تقويم د ټاکلو، د نوماندانو

۱۵- نظارت از استخدام کارکنـــان دارالانشـــــاء و دفــــاتر ولايتـــــی کميسيون.
۱٦- انجـــام ســـاير وظـــايف و صلاحيت های مندرج اين قانون.
(۲) کميسيون نمی تواند، درجريـــان روند انتخاباتی لوايح و طرزالعمل های مربوط را تعديل نمايد.

جلسات کميسيون

مادۀ بيستم:

(۱) جلسات عادی کميسيون بطــور منظم دايــر مــی گــردد، جلســات فوق العاده به تصميم رئيس کميسيون يا پيشنهاد سه عضو دايــــر شـــــده می تواند.
(۲) نصاب تدوير جلسات کميسيون با حضور پنج عضو تکميل و تصاميم به اکثريت کل اعضا اتخاذ می گــردد. درصورت تساوی آراء، نظر طرفی که رئيس کميسيون به آن رأی می دهد، معتبر شناخته می شود.
(۳) جلسات کميسيون در موارد تعيين

د سند ونو او واک د بررسی ، د نوم ثبتونې او رأيې ورکونې د مرکزونو او د هغو د ځايونو د شمېرد ټاکلو او تصديق د رأيــه ورکوونکـــو د فهرســـت د برابرولو، د ټاکنيز د ټاکلو، د ټاکنيزو حوزو حساسو موادو چاپ او خپرولو، د رأيو د شمارنې، د پايلود اعلان پــه مواردو کــې د کمېســيون غونــډې څرګنــدې (علنــي) دي، د سياســي ګوندونو، مدني ټولنې، ټوليز ورسنيو استازی ملي او بين المللي څارونکي او کتونکي، د اعتبار ليک د لرلــو پــه صورت کې کولای شي د کمېسيون په غونډوکې ګډون وکړي.

د کمېســيون د رئــيس دنــدې اوواکونه

يوويشتمه ماده :

(۱) د کمېســــيون رئـــيس د لانــدې دنــدو اوواکونــو لرونکــی دی:

۱ – د کمېسيون له غونــډو څخــه رياست.

تقويم انتخابــاتی، بررســی اســناد و صلاحيت کانديدان، تعيين و تصــديق تعداد مراکز ثبت نام و رأی دهــی و تعداد محلات آن، تهيه فهرســت رأی دهندگان، تعيين حوزه های انتخاباتی، چـــاپ و نشـــر مـــواد حســـاس انتخاباتی، شــمارش آراء و اعــلان نتايج علنی می باشــد. نماينــدگان احــزاب سياســی، جامعــه مــدنی، رسانه های همگانی، ناظرين و مشاهدين ملــی و بــين المللــی درصــورت داشـــتن اعتبارنامـــه مـــی تواننـــد درجلســـات کميســـيون اشـــتراک نمايند.

وظايف و صلاحيت های رئــيس کميسيون

مادۀ بيست و يکم:

(۱) رئـــيس کميســـيون دارای وظـــايـــف و صـــلاحيـــت هـــای ذيـــل می باشد:

۱- رياســـــــت از جلســـــــات کميسيون.

۲- د کمېسيون رهبري او د فعاليتونو مديريت.

۳- د کمېسيون د بودجې له تطبيق څخه څارنه.

۴- د دارالانشاء له اجراآتو او فعاليتونو څخه څارنه او بررسي.

۵- په کورنيو او بهرنيو اړوندو اداروکې له کمېسيون څخه استازيتوب.

(۲) د کمېسيون د رئيس په غياب کې، د هغه دندې اوواکونه په ترتيب سره عملياتي مرستيال او اداري او مالي مرستيال اجراء کوي.

د کمېسيون دارلانشاء

دوه ويشتمه ماده:

(۱) کمېسيون د اداري او اجرائيوي چارو د پرمخبيولو په منظور د دارالانشاء لرونکی دی چې په سر (رأس) کې يې رئيس دی.

(۲) د دارالانشاء رئيس، ددې قانون په دوولسمه ماده کې پر درج شوو شرايطو برسېره د بشري سرچينود مالي او د معلوماتي تکنالوژۍ د مديريت په

۲- رهبری و مديريت فعاليت های کميسيون.

۳- نظارت از تطبيق بودجه کميسيون.

۴- نظارت و بررسی از اجراآت و فعاليت های دارالانشاء.

۵- نمايندگی از کميسيون در ادارات ذيربط داخلی و خارجی.

(۲) درغياب رئيس کميسيون، وظايف و صلاحيت های وی را به ترتيب معاون عملياتی و معاون اداری و مالی اجراء می نمايند.

دارالانشای کميسيون

مادۀ بيست ودوم:

(۱) کميسيون به منظور پيشبرد امور اداری و اجرائيوی دارای دارالانشاء می باشد که در رأس آن رئيس قراردارد.

(۲) رئيس دارالانشاء علاوه بر شرايط مندرج مادۀ دوازدهم اين قانون دارای تجربه کاری حداقل پنج سال در امور منابع بشری، مديريت

چاروکې لږ تر لږه د پنځه کلونو کاري تجربې لرونکی وي.

(۳) کمېسیون د رأیو د اکثریت په توافق سره د شرایطو لرونکو اشخاصوله منځه درې تنه د دارالانشاء د ریاست د پست د نیولو (ترلاسه کولو) په غرض جمهور رئیس معرفي او جمهور رئیس د هغو له منځه یو تن د رئیس په توګه ټاکې.

(۴) دارالانشاء خپلې دندې د قانون د حکمونو او د هغو کړنلارو له حکمونو سره سم چې د کمېسیون لخوا تصویبېږي، اجراءکوي او د کمېسیون په وړاندې مسئوله ده.

د دایمي او مؤقتو کارکوونکو استخدام

درویشتمه ماده:

(۱) د کمېسیون د دارالانشاء او ولایتي دفتر کار کوونکي د قانون له حکمونو سره سم استخدامېږي.

(۲) د ټاکنو مؤقت کارکوونکي په ټاکنیزو مرکزونو او ځایونو (محلاتو)

مالی و تکنالوژی معلوماتی باشد.

(۳) کمیسیون به توافق اکثریت آراء از میان اشخاص واجد شرایط، سه تن را غرض احراز پست ریاست دارالانشاء به رئیس جمهور معرفی و رئیس جمهور از میان آنان یک تن را به حیث رئیس تعیین می نماید.

(۴) دارالانشاء وظایف خود را مطابق احکام قانون و طرزالعمل های که از طرف کمیسیون تصویب می گردد، اجراء نموده و نزد کمیسیون مسئول می باشد.

استخدام کارکنان دایمی و مؤقت

مادۀ بیست وسوم:

(۱) کارکنان دایمی دارالانشاء و دفاتر ولایتی کمیسیون مطابق احکام قانون استخدام می گردند.

(۲) کارکنان مؤقت انتخابات در مراکز و محلات انتخاباتی

کې د ښوونځيو د ښوونکو، د دولتي لوړو زده کړو د مؤسسو د استادانو او دولتي ادارو د کار کوونکو له منځه له هغې کړنلارې سره سم چې د کمېسيون لخوا وضع کېږي، توظيف کېږي.

په ټاکنيزو مرکزونو او محلاتو کې د نوموړو اشخاصو د نه شتون (نه موجوديت) په صورت کې د شرايطو لرونکي نور اشخاص توظيف کېږي.

(۳) کمېسيون د ټاکنو دايمي او مؤقت کار کوونکي، د دې قانون يا نورو اړوندو قوانينو د حکمونو د نقض په صورت کې له دندې گوښه کوي، د عدلي تعقيب په غرض واکمنې مرجع ته معرفي کوي.

د استخدام خنډونه (موانع)

څلېريشتمه ماده :

(۱) د سياسي گوندونو مسئولين او ټاکنيز نوماندان د ټاکنو د دايمي يا مؤقت کار کوونکو په توگه نشي

از ميان معلمين مکاتب، استادان مؤسسات تحصيلات عالی دولتی و کارکنان ادارات دولتی، مطابق طرزالعملی که از طرف کميسيون وضع می گردد، توظيف می شوند.

در صورت عدم موجوديت اشخاص مذکور در مراکز و محلات انتخاباتی، کارکنان مؤقت از ميان ساير اشخاص واجد شرايط توظيف می شوند.

(۳) کميسيون کارکنان دايمی و مؤقت انتخابات را در صورت نقض احکام اين قانون يا ساير قوانين مرتبط، از وظيفه سبکدوش نموده، غرض تعقيب عدلی به مرجع ذيصلاح معرفی می نمايد.

موانع استخدام

مادۀ بيست وچهارم:

(۱) مسئولين احزاب سياسی و کانديدان انتخاباتی به حيث کارکنان دايمی يا مؤقت انتخابات، استخدام

استخدامېدای.

(۲) د ټاکنو دایمي یا مؤقت کار کوونکي د دندې د تصدۍ پروخت، نشي کولای ځان نوماند کړي.

(۳) د نوماندانو پلار، مور، نیکه، انا، اولاد، ورور، خور زوج او زوجه نشي کولای د ټاکنو د کارکوونکي په توګه په اړونده ټاکنیزه حوزه کې دنده ترسره کړي.

(۴) د کمېسیون د ولایتي دفتر رئیس له اړوند ولایت څخه نشي ټاکل کېدای.

نه عدلي تعقیب

پنځه ویشتمه ماده:

د کمېسیون غړی د واکمنې محکمې له حکم پرته ګرفتار، توقیف او تر عدلي تعقیب لاندې نشي نیول کېدای. د مشهود جرم حالات له دې امر څخه مستثني دي.

د کمېسیون بودجه

شپږویشتمه ماده:

کمېسیون خپله بودجه له حکومت سره په سلا (مشوره) ترتیبوي او د هغې په

شده نمی توانند.

(۲) کارکنان دایمی یا مؤقت انتخابات حین تصدی وظیفه نمی توانند، خود را کاندید نمایند.

(۳) پدر، مادر، پدرکلان، مادر کلان، اولاد، برادر، خواهر، زوج و زوجۀ کاندیدان، نمی توانند به حیث کارکن انتخابات در حوزۀ انتخاباتی مربوط ایفای وظیفه نمایند.

(۴) رئیس دفتر ولایتی کمیسیون از ولایت مربوط تعیین شده نمی تواند.

عدم تعقیب عدلی

مادۀ بیست وپنجم:

عضو کمیسیون بدون حکم محکمۀ ذیصلاح گرفتار، توقیف و مورد تعقیب عدلی قرار گرفته نمی تواند. حالات جرم مشهود از این امر مستثنی است.

بودجۀ کمیسیون

مادۀ بیست وششم:

کمیسیون بودجه خود را در مشوره با حکومت ترتیب و در مصرف

لګښت (لګولو) کې خپلواک دی او د هغې رپوټ د قانون له حکمونو سره سم وړاندې کوي.

د رسنیو کمیټه

اووه ویشتمه ماده:

(۱) د ټاکنیزو مبارزو له منصفانه او نا پلوه (بېطرفانه) رپوټ ورکونې او خپرولو څخه د څارنې اوله موخو (هدفونو) پالیسیو او اړوند وکړنلارو سره د مغایرو رسنیزو سر غړونو ته د رسیدګۍ په منظور ، د رسنیو کمیټه له دریو غړو څخه جوړه چې لږ تر لږه د هغو یوتن ښځه وي، د نوماندانو له نوم ثبتونې څخه یوه میاشت د مخه، د کمېسیون په واسطه را منځته کېږي.

(۲) هغه شخص د رسنیو د کمیټې په غړیتوب منل کېږي چې د لاندې شرایطو لرونکی وي:

۱- د افغانستان د تابعیت لرل.

۲- د لوړو زده کړو لږ تر لږه د لیسانس او د رسنۍ د لږ تر لږه پنځو کلونو کاري تجربې لرل.

آن مستقل بوده و گزارش آن را مطابق به احکام قانون ارائه می نماید.

کمیته رسانه ها

مادۀ بیست و هفتم:

(۱) به منظور نظارت از گزارش دهی و نشر منصفانه و بیطرفانۀ مبارزات انتخاباتی و رسیدگی به تخلفات رسانه ای مغایر با اهداف، پالیسی ها و طرزالعمل های مربوط، کمیته رسانه ها متشکل از سه عضو که حد اقل یک تن آنان زن باشد، یک ماه قبل از آغاز ثبت نام کاندیدان، توسط کمیسیون ایجاد می گردد.

(۲) شخصی به عضویت کمیته رسانه ها پذیرفته می شود که دارای شرایط ذیل باشد:

۱- داشتن تابعیت افغانستان.

۲- داشتن تحصیلات عالی حد اقل لیسانس و تجربۀ کاری رسانه ای حداقل پنج سال.

۳- د نېک شهرت لرل.

(۳)د شرایطو لرونکی نوماند کــولای شي د خپـــل غړیتــوب غوښــتنلیک، دارالانشاء ته وړاندې کړي.کمېسیون د هغو له منځه ددې مادې چې د (۱ او ۲) فقرو د حکم په رعایتولو سره غړي ټاکي.

(۴) رأیه ورکوونکی، نوماند، څارونکی ګوند یا د سیاسی ګوندونو ائــتلاف، ټولنې او نور اشخاص کولای شي لــه رسنېزې سرغړونې څخه د رسنیو کمېټې یا کمېسیون ته په لیکلې توګه شکایت وکړي.

(۵) د رسنیو کمیټه کــولای شـــي د رسنیزې سر غړونې د تثبیت په صورت کې له احوالو سره سم یو له لانــدې تصمیمونو څخه ونیسي:

۱- د سر غړونې سمونې (اصلاح) ته د اخطاریې او دستور صادرول.

۲- له احوالو سره سم له پنځــه زره څخه تر سلو زرو افغانیو پورې د نغدي جریمې وضع او ټاکل.

۳- د شکایتونو د کمېسیون له تأییـــد

۳- داشتن شهرت نیک.

(۳) کاندید واجد شرایط می توانـــد درخواست عضویت خــویش را بـــه دارالانشاء ارائه نماید. کمیســـیون از میان آنان با رعایت حکـــم منـــدرج فقره های (۱ و ۲) این ماده اعضاء را تعیین می نماید.

(۴) رأی دهنده، کاندید، ناظر،حزب یا ائتلاف احزاب سیاسی، جمعیت ها و سایر اشخاص می تواننـــد از تخلـــف رسانه ای به کمیته رســـانه هـــا یـــا کمیســـیون، طـــورکتبی شـــکایت نمایند.

(۵) کمیتهٔ رسانه ها میتواند در صورت تثبیت تخلف رسانه ای حسب احوال یکـــی از تصـــامیم ذیـــل را اتخـــاذ نماید:

۱- صدور اخطاریه و دستور به اصلاح تخلف.

۲- وضع و تعیین جریمه حسب احوال از مبلغ پنج هزار الی یک صد هـــزار افغانی .

۳- معرفی متخلف غرض تعقیب عدلی

وروسته واکمنو مراجعو تـه د عـدلي تعقيب په غرض د سر غړوونکي معرفی.

(٦) د دې مادې په (۵) فقره کې درج شووحالاتوکې د رسنيو د کمېټې تصميم وروستنی (نهايي) ده.

(۷) د رسنيو د کمېټې دندې اوواکونه د هغې لايحـې پـه واسـطه چـې د کمېسـيون لخـوا تصـويبېږي، تنظيمېږي.

(۸) د رسنيو کمېټه د اړوند چـارو د تنظيم په منظور، کړنلارې وضع کوي چې د کمېسيون له تأييـد وروسـته مرعي الاجراء دي.

(۹) د رسنيو کمېټه د ورسپارل شوو ټولو دندو له ترسره کولو وروسـته د وروستيو پايلو له اعلان څخه وروسته د زيات نه زيات (۴۵) ورځو مودې په ترڅ کې منحل او د هغې اړوند ټـولې چارې کمېسيون ته محول کېږي.

به مراجع ذيصـلاح بعـد از تائيـد کميسيون شکايات.

(٦) در حالات مندرج فقرهٔ (۵) اين ماده تصميم کميسيون رسانه ها نهايی می باشد.

(۷) وظايف و صلاحيت های کميتـهٔ رسانه ها توسط لايحهٔ کـه ازطـرف کميسيون تصويب می شـود، تنظـيم می گردد.

(۸) کميته رسا نه ها به منظور تنظـيم امور مربوط طرزالعمل هايی را وضـع می نمايد که بعد از تائيد کميسـيون مرعی الاجراء می باشند.

(۹) کميتـه رسـانه هـا بعـد از انجـام کليـه وظـايف محولـه حداکثر در خلال مدت (۴۵) روز بعد از اعلام نتايج نهايی منحل و تمام امور مربوط به آن به کميسـيون محـول می گردد.

دریيم فصل
د شکایتونو کمېسیون
د شکایتونو د مرکزي کمېسیون رامنځته کېدل (جوړېدل)

اته ویشتمه ماده:

(۱) له سر غړونې، تخلف او په ټاکنو پورې له اړوندو جرمونو څخه، را پیدا شوو اعتراضونو او شکایتونو ته د رسیدګی په منظور، له پنځو غړو څخه جوړ د ټاکنیزو شکایتونو مرکزي کمېسیون رامنځته کېږي.

(۲) د دې قانون په دوولسمه ماده کې د درج شوو شرایطو لرونکي اشخاص چې په حقوقي یا فقهي علومو کې د لوړو زده کړو لرونکي وي کولای شي، ځان د شکایتونو د کمېسیون غړیتوب ته نوماند او د خپلو سوانحو لنډیز د دې قانون د دیارلسمې مادې په (۱) فقره کې درج د غوراوي کمېټې ته تسلیم کړي.

فصل سوم
کمیسیون شکایات
ایجاد کمیسیون مرکزی شکایات

مادۀ بیست و هشتم:

(۱) به منظور رسیدگی به اعتراضات و شکایات ناشی از تخطی، تخلف وشناسایی جرایم مربوط به انتخابات، کمیسیون مرکزی شکایات انتخاباتی متشکل ازپنج عضو ایجاد می گردد.

(۲) اشخاص واجد شرایط مندرج مادۀ دوازدهم این قانون که دارای تحصیلات عالی در علوم حقوقی یا فقهی باشند، می توانند خود را به عضویت کمیسیون شکایات کاندید و خلص سوانح خویش را به کمیتۀ گزینش مندرج فقرۀ (۱) مادۀ سیزدهم این قانون تسلیم نمایند.

د شکایتونو د مرکزي کمېسیون د غړیتوب د نوماندانو غوره کېدل

نهه ویشتمه ماده:

(۱) د غوراوي کمیټه ددې قــانون د اته ویشتمې مادې په (۲) فقره کې د درج شوو اشخاصو له منځه پنځلس تنه د ډېرو لوړو قانوني معیارونو اود قومي اوجنسیتي جوړښــت پــه رعــایتولو سره،جمهور رئیس ته معرفي کوي.

(۲) جمهور رئیس ته پنځه تنه د قومي او جنسیتي جوړښت په پام کې نیولــو سره د شکایتونو د مرکزي کمېسیون د غړو په توګه په لاندې ترتیــب ســره ټاکي:

۱- درې غړي د پنځو کلونو مــودې لپاره.

۲- دوه غړي د دریو کلونو مــودې لپاره.

(۳) د شکایتونو د کمېسیون غــړي د وروستنیو دورو لپاره پدې ماده کې له درج شوو حکمونو سره سم د پنځــو کلونو مودې لپاره ټاکل کېږي.

گــزینش کاندیــدان عضــویت کمیسیون مرکزی شکایات

مادۀ بیست و نهم:

(۱) کمیتۀ گزینش از میا ن اشــخاص منــدرج فقــرۀ (۲) مــادۀ بیســت وهشتم ایــن قــانون، پــانزده تــن را با رعایــت عــالیترین معیارهــای قانونی و ترکیب قومی و جنســیتی، به رئیس جمهور معرفی می نماید.

(۲) رئیس جمهور از میان کاندیدان، پنج تن را بانظرداشت ترکیب قومی و جنسیتی، به حیث اعضای کمیســیون مرکزی شکایات به ترتیب ذیل تعیین می نماید:

۱- ســه عضــو بــرای مــدت پنج سال.

۲- دوعضــو بــرای مــدت سه سال.

(۳) اعضای کمیسیون شکایات برای دوره های بعدی طبق احکام مندرج این ماده برای مدت پــنج ســال تعیــین می گردند.

(۴) د شکایتونو د مرکزي کمېسیون رئیس، مرستیال او منشي د غړو لــه منځه خپله د دوي په واسطه د آزادې سري او مستقیمې رأيې لــه لارې لــه اړوندې کړنلارې سره سم غوره کېږي.

(۵) د دې قانون په پنځلسه، شپاړلسمه، اوولسمه، اتلسمه، څلېریشتمه او پنځه ویشتمه مادو کې درج شوي حکمونه، د شکایتونو د کمېسیون د رئیس او غړو په هکله هم د رعایت وړدي.

(٦) له ټاکنیزې سر غړونې او تخلف څخه را پیدا شوو اعتراضونو او شکایتونو ته په رسیدګۍ کې د زیات شفافیت د روښتوب د تأمین په منظور، حکومت کولای شي د ملګرو ملتونو له سازمان سره په تفاهم (پوهاوي) کې د ټاکنو د چارو له بین المللي متخصصینو څخه دوه تنه د رأيې له حق پرته د شکایتونو د مرکزي کمېسیون په غړیتوب وټاکي.

(۴) رئیس، معاون و منشی کمیسیون مرکزی شکایات از میان اعضاء توسط خود آنها به اساس رأی آزاد، سری و مستقیم طبق طرزالعمل مربوط انتخاب می شوند.

(۵) احکام مندرج مواد پانزدهم، شانزدهم، هفدهم، هجدهم، بیست وچهارم وبیست وپنجم این قانون در مورد رئیس و اعضای کمیسیون شکایات نیز قابل رعایت می باشد.

(٦) به منظورتأمین شفافیت بیشتردر رسیدگی به اعتراضات و شکایات ناشی از تخطی و تخلف انتخاباتی، حکومت می تواند، در تفاهم با سازمان ملل متحد دو تن از متخصصین بین المللی امور انتخابات را به عضویت کمیسیون مرکزی شکایات بدون حق رأی تعیین نماید.

د شکایتونو د کمېسیون واکونه

دېرشمه ماده:

(۱) د شکایتونو مرکزي کمېسیون او ولایتي کمېسیونونه د لاندې واکونو لرونکی دی:

۱- د نوماندانو او رأیه ورکوونکو پر فهرست د اعتراض او د هغو نوماندانو چې د ټاکنو په بهیر کې مطرح کېږي، شرایطو او اوصافو ته د رسیدګۍ موارد.

۲- له ټاکنیزو سر غړونو څخه را پیدا شوو شکایتونو ته رسیدګي، پدې شرط چې شکایت ددې قانون له حکمونو سره سم، د هغه پر ټاکلي وخت ثبت شوی وي.

۳- هغه شخص یا ادارې تـه چې د سرغړونې مرتکب شویدي، د توصیې، اخطار او په اصلاحي اقدام د دستور صادرول.

۴- د دې قانون د حکمونو مطابق له احوالو سره سم د نغدي جریمو وضع کول.

۵- د ټاکنو د پایلو له تصدیق او اعلام

صلاحیت های کمیسیون شکایات

مادهٔ سی ام:

(۱) کمیسیون مرکزی و کمیسیون های ولایتی شکایات دارای صلاحیت های ذیل می باشند:

۱- رسیدگی بـه مـوارد اعتـراض برفهرست کاندیدان ورأی دهنـدگان وشرایط واوصـاف کاندیدانیکـه در جریان انتخابات مطرح می شوند.

۲- رسیدگی به شـکایات ناشـی از تخلفات انتخاباتی، مشروط بر اینکه، شکایت مطابق احکام این قـانون در زمـان معینـه آن ثبـت گردیـده باشد.

۳- صدورتوصیه، اخطار و دستور به اقدام اصلاحی به شـخص یـا ادارهٔ کـه مرتکـب تخلـف گردیـده است.

۴- وضـع جریمـه هــای نقـدی حسب احوال مطـابق احکـام ایـن قانون.

۵- صدور دستور درمورد شـمارش

د مخه د رأيي ورکونې په مشخصو مرکزونو کې د رأيو بيا شمارنې په هکله د دستور صادرول.

۶- د لازمو شرايطو نه لرونکو رأيې ورکونې د پاڼو بې اعتباره پېژندل.

(۲)د شکايتونو مرکزيي يا ولايتي کمېسيون په هغه صورت کې نوماند د نوماندانو له نهايي فهرست څخه حذفولاي شي چې د معتبرو سندونو له مخې ثابته شي چې د دې قانون له حکمونو سره سم، د نوماند کېدو د شرايطو لرونکی ندی.

د شکايتونو ولايتي کمېسيونونه

يو دېرشمه ماده:

(۱) په ټاکنو پورې له اړوند سرغړونې، تخلف او جرمونو څخه را پيدا شوو اعتراضونو او شکايتونو ته د رسيدګۍ په منظور، د شکايتونو ولايتي کمېسيونونه، د نوماندانو د نوم له ثبتونې يوه مياشت د مخه را منځته کېږي.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی کمېسيون له دريو غړو څخه جوړ

مجدد آراء در مراکز رأی دهی مشخص، قبل از اعلام نتايج انتخابات.

۶- بی اعتبار شناختن اوراق رأی دهی فاقد شرايط لازم.

(۲) کميسيون مرکزی يا ولايتی شکايات در صورتی کانديد را از فهرست نهايی کانديدان حذف کرده می تواند که به رويت اسناد معتبر ثابت گردد که مطابق احکام اين قانون واجد شرايط کانديد شدن نبوده است.

کميسيون های ولايتی شکايات

مادۀ سی و يکم:

(۱) به منظور رسيدگی به اعتراضات و شکايات ناشی از تخطی، تخلف و جرايم مربوط به انتخابات، کميسيون های ولايتی شکايات، يک ماه قبل از ثبت نام کانديدان ايجاد می گردد.

(۲) کميسيون مندرج فقرۀ (۱) اين ماده متشکل از سه عضو بوده که دو

دی چې د هغه دوه غـړي، جنسـيتي ترکيب ته په پام سره (يوه ښځه او يو نارينه) د شکايتونو د مرکزي کمېسيون لخوا او يوغړی يې د افغانستان د بشر د حقوقو د خپلواک کمېسيون لخـوا د لاندې شرايطو په پام کې نيولو سره د شکايتونو د مرکزي کمېسـيون پـه وړانديز او د جمهور رئيس په منظوری، مقررېږي:

۱- د افغانستان د تابعيت لرل.

۲- په حقوقي يا فقهي علومو کې لږ تر لږه د لېسانس د لوړو زده کړو لرل.

۳- د اهليت، نېک شهرت او په دولتي يا نادولتي ادارو کې د لږ تر لږه پنځه کاله کاري تجربې لرل.

۴- د دېرش کلنې سن بشپړول.

۵- په بشري ضد او جنايت جرمونو نه محکوميت.

٦- د دندې دتصدی پر وخـت پـه سياسي ګوندونو کې نه غړيتوب.

(۳) د شکايتونو ولايتي کمېسـيونونه مکلف دي، له سر غړونې، تخلف څخه را پيدا شوي اعتراضونه او شکايتونه او

عضو آن با نظر داشت ترکيب جنسيتی (يک زن و يـک مـرد) از طـرف کميسيون مرکزی شکايات و يک عضو آن از طـرف کميسـيون مسـتقل حقوق بشر افغانستان با نظر داشـت شرايط ذيل به پيشـنهاد کميسـيون مرکـزی شـکايات و منظـوری رئـيس جمهـور، مقـرر می گردند:

۱- داشتن تابعيت افغانستان.

۲- داشتن تحصيلات عالی حد اقـل ليسانس درعلوم حقوقی يا فقهی.

۳- داشتن اهليت، شهرت نيـک و تجربۀ کاری حد اقل پـنج سـال در ادارات دولتی يا غير دولتی.

۴- تکميل سن سی سالگی.

۵- عدم محکوميت به جـرايم ضـد بشری و جنايت.

٦- عدم عضويت در احزاب سياسی حين تصدی وظيفه.

(۳) کميسيون های ولايتی شـکايات مکلف اند، اعتراضات و شکايات ناشی از تخطی، تخلف و شناسايی جـرايم

د اړوندې حوزې د ټاکنيزو جرمونــو پېژندل د دوو اونيو مودې په ترڅ کې تر رسيدګۍ لاندې ونيسي او له خپلو اجراآتو څخه د شــکايتونو مرکـــزي کمېسيون ته رپوټ وړاندې کړي.

(۴) د شکايتونو مرکـــزي کمېســـيون مکلف دی، له سر غړونې، تخلف څخه را پيدا شوو اعراضونو او شکايتونو ته د رسيدګۍ او د ټاکنيزو جرمونو د پېژندلو په اړه، د ټولنيزو رسنيو له لارې خلکو ته رپوټ وړاندې کړي.

(۵) د ولايتونو د شکايتونو کمېسيونونه د ټاکنو د نهايي پايلو له اعلان وروسته تريوې مياشتې پورې خپل کـــار پايتـــه رسوي او له انحلال وروسته د هغـــو واکونه، د شکايتونو مرکزي کمېسيون ته لېږدول کېږي.

د شکايتونو د مرکزي کمېســـيون دارالانشاء

دوه دېرشمه ماده:

(۱) د شکايتونو مرکزي کمېســـيون د درالانشاء لرونکی دی چې په سر کې

انتخابـــاتی حـــوزه مربـــوط را در خلال مدت دو هفته مورد رســـيدگی قرار داده و ازاجراآت خـــويش بـــه کميسيون مرکزی شکايات گـــزارش ارائه نمايند.

(۴) کميسيون مرکزی شکايات مکلف است، در رابطه به رسيدگی اعتراضات و شکايات ناشی از تخطی، تخلـــف و شناسايی جرايم انتخاباتی از طريق رسانه های همگانی به مردم گزارش ارائـــه نمايد.

(۵) کميسيون های ولايتی شکايات بعد از اعلان نتايج نهايی انتخابات الی مدت يک ماه کار خويش را پايان داده و بعد از انحلال صلاحيت های آن هـــا بـــه کميسيون مرکزی شـــکايات منتقـــل می گردد.

دارالانشای کميســـيون مرکـــزی شکايات

مادۀ سی و دوم:

(۱) کميسيون مرکزی شکايات دارای دارالانشاء می باشد کـــه در رأس آن

يې رئيس دی.

(۲) د دارالانشاء رئيس ددې قانون په دوولسمه ماده کې پر درج شوو شرايطو بر سېره، د بشري سر چينو، مالي چارو او په معلوماتي تکنالوژۍ کې د لږ تر لږه پنځه کاله کاري تجربې لرونکي وي.

(۳) د شکايتونو مرکزي کمېسيون د رأيو په اکثريت توافق سره د شرايطو لرونکو اشخاصو له منځه درې تنه د دارالانشاء د پست د رياست د نيولو لپاره جمهور رئيس ته معرفي کوي او جمهور رئيس د هغو له منځه يوتن د رئيس په توګه ټاکي.

(۴)دارالانشاء خپلې دندې له هغې کړنلارې سره سم چې د شکايتونو د مرکزي کمېسيون لخوا تصويبېږي، اجراء کوي او د شکايتونو د مرکزي کمېسيون په وړاندې مسئوله ده.

رئيس قرار دارد.

(۲) رئيس دارالانشاء علاوه بر شرايط مندرج مادۀ دوازدهم اين قانون دارای تجربۀ کاری حداقل پنج سال در امور منابع بشری، مديريت مالی و تکنالوژی معلوماتی باشد.

(۳) کميسيون مرکزی شکايات به توافق اکثريت آراء از ميان اشخاص واجد شرايط، سه تن را غرض احراز پست رياست دارالانشاء به رئيس جمهور معرفی و رئيس جمهور از ميان آنان يک تن را به حيث رئيس تعيين می نمايد.

(۴) دارالانشاء وظايف خود را مطابق طرزالعملی که از طرف کميسيون مرکزی شکايات تصويب می گردد، اجراء نموده و نزد کميسيون مرکزی شکايات مسئول می باشد.

د دایمي او مؤقت کارکوونکو استخدام

دري دېرشمه ماده:

(۱) د شکایتونو د مرکزي کمېسیون دایمي کارکوونکي د ملکي خدمتونو د کار کوونکو د قانون له حکمونو سره سم استخدامېږي.

(۲) د شکایتونو د کمېسیون مؤقت کار کوونکي د ښوونځیو د ښوونکو، د دولتي لوړو زده کړو د مؤسسو د استادانو او د دولتي ادارو د کار کوونکو له منځه له هغې کړنلارې سره سم، چې د شکایتونو د کمېسیون لخوا وضع کېږي، توظیف کېږي، د نوموړو اشخاصو د نه شتون په صورت کې، مؤقت کارکوونکي د شرایطو لرونکو نورو اشخاصو له منځه توظیف کېږي.

(۳) د شکایتونو کمېسیون، دایمي او مؤقت اړوند کارکوونکي ددې قانون یا نورو اړوندو قوانینو د حکمونو د نقض په صورت کې، له دندې څخه لرې کوي، یا د عدلي تعقیب په غرض یې

استخدام کارکنان دایمی ومؤقت

مادۀ سی وسوم:

(۱) کارکنان دایمی کمیسیون مرکزی شکایات مطابق احکام قانون کارکنان خدمات ملکی، استخدام می گردند.

(۲) کارکنان مؤقت کمیسیون شکایات از میان معلمین مکاتب، استادان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و کارکنان ادارات دولتی، مطابق طرزالعملی که از طرف کمیسیون شکایات وضع می گردد، توظیف می شوند.درصورت عدم موجودیت اشخاص مذکور،کارکنان مؤقت از میان سایر اشخاص واجد شرایط توظیف می شوند.

(۳) کمیسیون شکایات کارکنان دایمی و مؤقت مربوط را در صورت نقض احکام این قانون یا سایر قوانین مرتبط، از وظیفه سبکدوش نموده یا غرض تعقیب عدلی به مرجع ذیصلاح معرفی

واکمنې مرجع ته معرفي کوي.

د شکايتونو د مرکزي کمېسيون بودجه

څلوردېرشمه ماده:

د شکايتونو کمېسيون خپله بودجه لـه حکومت سره په سلاکې ترتيب او پـه لګښت کې يې خپلواک دی، رپوټ يې د قانون له حکمونو سره سم، وړاندې کوي.

څلورم فصل

ټاکنيزې حوزې

د ټاکنيزو حوزو ټاکل

پنځه دېرشمه ماده:

ټاکنيزې حوزې د جمهوري رياسـت، ولسي جرګې، ولايتي شورې، ولسوالۍ شورې، د کلي شورې، ښاروالان، او د ښاروالېو د مجلسونو د غړو د ټاکنو د دايرولو په منظور، په لاندې توګه ټاکل کېږي:

۱- د جمهوري رياست لپاره، ټـول هېواد يوه ټاکنيزه حوزه ده.

۲- د ټاکنيزوحوزو د ټـاکلو او پـه

می نماید.

بودجـۀ کميسـيون مرکـزی شکايات

مادۀ سی و چهارم:

کميسيون شکايات بودجه خود را در مشوره بـا حکومـت ترتيـب و در مصرف آن مستقل بوده، گزارش آنرا مطـابق بـه احکـام قـانون ارائـه می نمايد.

فصل چهارم

حوزه های انتخاباتی

تعيين حوزه های انتخاباتی

مادۀ سی و پنجم:

حوزه های انتخاباتی به منظور برگزاری انتخابات رياست جمهوری، ولسـی جرگه، شـورای ولايتـی، شـورای ولسوالی، شورای قريه، شاروال ها و اعضای مجالس شاروالی ها، قرار ذيل تعيين می گردد:

۱- برای انتخابات رياست جمهوری، تمام کشور يک حوزۀ انتخاباتی است .

۲- به منظور تعيـين حـوزه هـای

کوچینو حوزو د هغو د وېشــلو پــه منظور،کمېسیون ، د ولسي جرګې او ولایتي شوراګانو ټاکنیزې حوزې پداسې ډول ټاکې چې د اساسي قانون د (۸۳) مادې د (۴ او ٦) فقــرو حکمونــه رعایت شي.

۳- د ولسوالۍ د شورې د ټاکنو لپاره، ټوله ولسوالۍ یــوه ټــاکنیزه حــوزه ده.

۴- د کلي (قریې) د شورې د ټــاکنو لپاره، ټول کلی یوه ټاکنیزه حوزه ده.

۵- د ښاروال د ټاکنو لپاره، ټول ښار یوه ټاکنیزه حوزه ده.

٦- د ښاروليو د مجلسونو د ټــاکنو لپاره، هره ناحیه یوه ټاکنیزه حوزه ده. هغه ښارونه چې په ناحیو وېشل شوي نه وي، ټول ښار یــوه ټــاکنیزه حــوزه ده.

د ټاکنیزو حوزو د حدودو ټاکل

شپږدېرشمه ماده:

د ټاکنیزو حوزو حــدود د ټــاکنو د دایرولو له ورځې څخه لږ تر لږه(۱۸۰)

انتخاباتی و تقسیم آنها به حوزه هــای کوچکتر، کمیسیون، حــوزه هــای انتخاباتی ولسی جرگه و شورا هــای ولایتی را طوری تعیین می نماید کــه احکام فقره های (۴و ٦) مادۀ (۸۳) قانون اساسی رعایت گردد.

۳- برای انتخابات شورای ولسوالی، تمام ولسوالی یک حــوزۀ انتخابــاتی است.

۴- برای انتخابات شورای قریه، تمام قریه یک حوزۀ انتخاباتی است.

۵- برای انتخابات شاروال، تمام شهر یک حوزۀ انتخاباتی است.

٦- بــــرای انتخابــــات مجــــالس شاروالی ها، هرناحیــه یــک حــوزۀ انتخاباتی است. شهرهایی که به نواحی تقسیم نگردیده باشد، تمام شهر یــک حوزۀ انتخاباتی است.

تعیین حدود حوزه های انتخاباتی

مادۀ سی و ششم:

حدود حوزه های انتخابــاتی حــداقل (۱۸۰) روز قبــل از روزبرگــزاری

ورځې د مخه د مرکــزي احصــايې د اداري اونورو اړوندو ادارو په همکارۍ له کمېسیون سره په تفاهم کې د محلي ارګانونو دادارې پــه واســطه ټاکــل کېږي.

پنځم فصل

د رأیه ورکوونکو او نوماندانو شرایط

د رأیې ورکوونکو شرایط

اووه دېرشمه ماده:

د هغه شخص نوم د رأیې ورکــوونکي په توګه ثبتېږي چې د لاندې شــرایطو لرونکی وي:

۱- د افغانستان تابعیت ولري.

۲- د ټاکنو په ورځ يې اتلس کلنی سن بشپړ کړی وي.

۳- د قانون یا محکمې په حکــم لــه مدني حقوقو څخه محروم شوی نه وي.

۴- د هغه نوم د رأیه ورکوونکو پــه فهرست کې درج شوی وي.

انتخابات توسط ادارهٔ ارگــان هــای محلی بــا همکــاری ادارهٔ مرکــزی احصائیه و ســایرادارات ذیــربط در تفــاهم بــا کمیســیون تعیــین می گردد.

فصل پنجم

شرایط رأی دهندگان و کاندیدان

شرایط رأی دهندگان

مادهٔ سی و هفتم:

شخصی به حیث رأی دهنده ثبت نام می گردد که واجــد شــرایط ذیــل باشد:

۱- تابعیت افغانستان را داشته باشد.

۲- سن هجــده ســالگی را در روز انتخابات تکمیل نموده باشد.

۳- به حکم قانون یا محکمه از حقوق مدنی محروم نگردیده باشد.

۴- اسم وی در فهرست رأی دهندگان ثبت شده باشد.

د جمهوري رياست د نوماند شرايط

اته دېرشمه ماده:

(۱) هغه شخص جمهوري رياست تـــه نوماند کېدلای شي چــې د لانـــدې شرايطو لرونکی وي:

۱- د افغانستان تبعه، مســـلمان او د افغان والدينو څخه متولد (پيدا شوي) وي او د بل هېواد تابعيت و نلري.

۲- د نوماند کېدو په ورځ د هغه سن له څلوېښتو څخه لږ نه وي.

۳- د محکمې لخوا په بشري ضد او جنايت د جرمونو په ارتکاب او يا لـــه مدني حقوقو څخه په حرمان محکـــوم شوی نه وي.

۴- دوه دورې د جمهور رئيس يـــا د جمهور رئيس د مرستيال په توګه غوره شوی نه وي.

(۲) د جمهوري رياست د مرســـتيالی نوماندان هم ددې مادې په (۱) فقـــره کې د درج شوو شرايطو تابع دي.

شرايط کانديد رياست جمهوری

مادۀ سی و هشتم:

(۱) شخصی به رياســـت جمهـــوری کانديد شده می تواند که واجد شرايط ذيل باشد:

۱- تبعۀ افغانستان، مسلمان و متولد از والدين افغان بوده و تابعيت کشـــور ديگری را نداشته باشد.

۲- در روز کانديد شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد.

۳- از طرف محکمه به ارتکاب جرايم ضد بشری و جنايت و يا حرمـــان از حقـــوق مـــدنی محکـــوم نشـــده باشد.

۴- دو دوره به حيث رئيس جمهور يا معاون رئيس جمهور انتخاب نگرديده باشد.

(۲) کانديـــدان معاونيـــت رياســـت جمهوری نيز تابع شرايط مندرج فقرۀ (۱) اين ماده می باشند.

د ملي شوري د نوماند شــرايط او اوصاف

نهه دېرشمه ماده:

هغه شخص د ملي شوري غړيتوب تــه نوماند يا ټاکل کېدای شي چې د رأيې ورکوونکي د شرايطو پــر بشــپړېدو برسېره، د لاندې اوصافو لرونکی هم وي:

۱- د افغانستان تبعه وي يا د نوماند يا ټاکل کېدو له نېټې څخه لږ تر لږه لس کاله د مخه يې د افغانستان د دولــت تابعيت تر لاسه کړی وي.

۲- د محکمې لخوا په ضد بشري او د جنايت په جرمونو يا له مدني حقوقــو څخه په حرمان محکوم شوی نه وي.

۳- د ولسي جرګې غړو د نوماند کېدو په ورځ پنځه ويشت کلنی ســن او د مشرانو جرګې غړو د نوماند يا ټاکــل کېدو پنځه دېرش کلنی سن بشپړ کړی وي.

شرايط و اوصاف کانديد شورای ملی

مادۀ سی و نهم:

شخصی به عضويت شورای ملی کانديد يا تعيــين شــده مــی توانــد کــه علاوه برتکميل شرايط رأی دهنــده، واجــد اوصــاف ذيــل نيــز باشد:

۱- تبعۀ افغانستان بوده يا حد اقل ده سال قبل از تاريخ کانديد يــا تعيــين شدن، تابعيت دولــت افغانســتان را کسب کرده باشد.

۲- از طرف محکمه به ارتکاب جرايم ضد بشری و جنايت و يا حرمــان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

۳- اعضای ولسی جرگه سن بيست و پنج سالگی را در روز کانديد شدن و اعضای مشرانو جرگه سن سی و پنج سالگی را در روز کانديد يا تعيين شدن تکميل نموده باشند.

د ولایتي شوري او ولسوالۍ د شوري د غړیتوب د نوماند شرایط

څلوېښتمه ماده:

هغه شخص د ولایتي شوري او ولسوالۍ شوري غړیتوب ته نوماند کېدای شي چې د رأیه ورکوونکي پر شرایطو برسېره د لاندې شرایطو لرونکی هم وي:

۱- د نوماند کېدو په ورځ یې لږ تر لږه پنځه ویشت کلنی سن بشپړ کړی وي.

۲- لږ تر لږه دوولسم ټولګي د فراغت د سند لرونکی وي.

د کلي شوري د غړیتوب د نوماند شرایط

یو څلوېښتمه ماده:

هغه شخص د کلي شوري غړیتوب ته نوماند کېدای شي چې د رأیه ورکوونکي پر شرایطو بر سېره دلاندې شرایطو لرونکی هم وي:

۱- د نوماند کېدو په ورځ یې لږ تر لږه پنځه ویشت کلنی سن بشپړ کړی

شرایط کاندید عضویت شورای ولایتی و شورای ولسوالی

مادهٔ چهلم:

شخصی به عضویت شورای ولایتی یا شورای ولسوالی کاندید شده می تواند که علاوه بر شرایط رأی دهنده، دارای شرایط ذیل نیز باشد:

۱- حداقل سن بیست وپنج سالگی را در روز کاندید شدن تکمیل نموده باشد.

۲- حد اقل دارای سند فراغت صنف دوازدهم باشد.

شرایط کاندید عضویت شورای قریه

مادهٔ چهل و یکم:

شخصی به عضویت شورای قریه کاندید شده می تواند که علاوه بر شرایط رأی دهنده، دارای شرایط ذیل نیز باشد:

۱- حداقل سن بیست و پنج سالگی را در روز کاندید شدن تکمیل نموده

وي.

۲- لږ تر لږه په لوستلو او ليکلو وپوهېږي.

د ښاروال د نوماند شرايط

دوه څلوېښتمه ماده:

هغه شخص د ښاروال په توګه نوماند کيداى شي چې د رأيه ورکوونکي پر شرايطو بر سيره د لاندې شرايطو لرونکی هم وي:

۱- د ولايت د مرکز د ښاروالۍ نوماند لږ تر لږه له پنځه کاله کاري سابقې سره او د لېسانس د زده کړو او د نوروښاواليو نوماند له درې کلونو کاري سابقې سره د دوولسم ټولګي د فراغت د سند لرونکي وي.

(۲) د نوماند کېدو له ورځې څخه لږ تر لږه پنځه کاله د مخه په هغه ښار کې چې ځان نوماند کوي استوګنه ولري.

د ښاروالۍ د مجلسونو د نوماند شرايط

دري څلوېښتمه ماده:

هغه شخص د ښاروالۍ د مجلس

باشد.

۲- حد اقل خواندن و نوشتن را بداند.

شرايط کانديد شاروال

مادۀ چهل و دوم:

شخصی به حيث شاروال کانديد شده می تواند که علاوه بر شرايط رأی دهنده، دارای شرايط ذيل نيز باشد:

۱- کانديد شاروالی مرکز ولايت حداقل دارای تحصيلات ليسانس با پنج سال سابقۀ کاری وکانديد ساير شاروالی ها دارای سند فراغت صنف دوازدهم با سه سال تجربۀ کاری باشد.

۲- حد اقل پنج سال قبل از روز کانديد شدن در شهری که خود را کانديد می نمايد، سکونت داشته باشد.

شرايط کانديد عضويت مجالس شاروالی

مادۀ چهل وسوم:

شخصی به عضويت مجلس شاروالی

غړيتوب ته نوماند کېدای شي چې د رأيه ورکوونکي پر شرايطو بر سېره د لاندې شرايطو لرونکی هم وي:

۱- د نوماند کېدو په ورځ يې لږ تر لږه پنځه ويشت کلنی سن بشپړ کړی وي.

۲- لږ تر لږه د دوولسم ټولګي د فراغت د سند لرونکی وي.

۳- د محکمې لخوا د بشري ضد او جنايت جرمونو په ارتکاب يا له مدني حقوقو څخه په حرمان محکوم شوی نه وي.

۴- د نوماند کېدو له ورځې څخه د مخه لږ تر لږه پنځه کاله په هغه ښار کې چې ځان نوماند کوي، استوګنه ولري.

د نوماند کېدو لپاره محدوديت

څلورڅلوېښتمه ماده:

(۱) لاندې اشخاص، له خپلو دندو څخه له استعفي د مخه، پدې قانون کې درج ټاکنيزو څوکيو ته نشي نوماند کېدای:

۱- د سترې محکمې رئيس او نور

کاندید شده می تواند که علاوه بر شرایط رأی دهنده، دارای شرایط ذیل نیز باشد:

۱- حد اقل سن بیست و پنج سالگی را در روز کاندید شدن تکمیل نموده باشد.

۲- حد اقل دارای سند فراغت از صنف دوازدهم باشد.

۳- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری و جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

۴- حد اقل پنج سال قبل از روز کاندید شدن در شهری که خود را کاندید می نماید، سکونت داشته باشد.

محدودیت برای کاندید شدن

مادهٔ چهل وچهارم:

(۱) اشخاص آتی، قبل از استعفاء از وظایف شان، به کرسی های انتخابی مندرج این قانون کاندید شده نمی توانند:

۱- رئیس و اعضای ستره محکمه و

قاضيان.

۲- لوی څارنــوال، څارنوالان او د څارنوالۍ د اداري مسلکي غړي.

۳- وزيـــران، ســلاکار وزيـــران، د جمهوري رياست سلاکاران، معينان، د ادارو رئيسان او د هغوي مرستيالان، د خپلواکوکمېسيونونو رئيسان او غړي، واليـــان او د هغـــوی مرســـتيالان، ولسوالان، سفيران او په بهر کې مېشت د هېـــواد د سياســـي نماينـــدګيو کارکوونکي.

۴- د ملي دفاع، کورنيـــو چـــارو د وزارتونو، د ملي امنيت د لوی رياست او د نظامي تشکيلاتو لرونکـــو نـــورو وزارتونو او ادارو نظامي منسوبين.

۵- د ملکي خدمتونو کار کوونکي.

٦- د کمېسيون دايمـــي او مؤقـــت کارکوونکي.

۷- د دولتي لوړو زده کړو د مؤسسو استادان او د افغانستان د علومو اکادمۍ د علمي کادر غړي.

(۲) هغه اشخاص چې د ناقانونه (غيـــر قانوني) وسله والو ډلو فرماندهي (فرمان

سایر قضات.

۲- لوی څارنـــوال، څـــارنوالان و اعضای مسلکی ادارۀ څارنوالی.

۳- وزراء، وزرای مشاور، مشاورین ریاست جمهوری، معینـــان، رؤســـای ادارات ومعاونان آنها، رؤسا و اعضای کمیسیون های مستقل، والـــی هـــا و معـــــاونین آنهـــــا، ولســـــوالان، سفراء و کارکنان نماینـــدگی هـــای سیاســـــی کشـــــور مقـــــیم خارج.

۴- منسوبین نظامی وزارت های دفاع ملی و امور داخله، ریاست عمـــومی امنیت ملی و سایر وزارت ها و ادارات دارای تشکیلات نظامی.

۵- کارکنان خدمات ملکی.

٦- کارکنـــــان مؤقـــت و دایمـــی کمیسیون.

۷- استادان مؤسسات تحصیلات عالی دولتی و اعضای کادر علمی اکـــادمی علوم افغانستان.

(۲) اشخاصی که فرماندهی گروه های مسلح غیرقانونی را در دست داشته یا

ورکونه) په لاس کې لري یا د هغو غړی وي، نشي کولای په ټاکنو کې د نوماند په توګه ګډون وکړي. د ناقانونه وسله والو ډلو فرماندهي یا د اشخاصو غړیتوب د شکایتونو د کمېسیون تر ریاست لاندې د ملي دفاع او کورنیو چارو د وزارتونو، د ملي امنیت د لوي ریاست او د محلي ارګانونو د ادارې له استازو څخه د جوړ جلا کمېسیون په واسطه بررسي او پدې برخه کې لازم تصمیم نیول کېږي، پدې هکله هر ډول شکایت د شکایتونو په کمېسیون کې تر بررسي لاندې نیول کېږي او د شکایتونو د کمېسیون تصمیمونه نهایي دي.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي اشخاص په ټاکنو کې بریالي نشي، د قانون له حکمونو سره سم بیا مقررېدای شي. پدې صورت کې د استعفي عواقب د دې مادې د (۱) فقرې په (۵ او ۷) اجزاوو کې پر درج شوو ذواتو نه تطبیقېږي.

(۴) که چېرې د ټاکنیزو څوکیو یو له

عضو آن باشند، نمی توانند در انتخابات به حیث کاندید اشتراک نمایند. فرماندهی یا عضویت اشخاص در گروه های مسلح غیرقانونی توسط کمیسیون جداگانه ای متشکل از نمایندگان وزارت های دفاع ملی و امور داخله، ریاست عمومی امنیت ملی و ادارۀ ارگان های محلی تحت ریاست رئیس کمیسیون شکایات، مورد بررسی قرار گرفته و تصمیم لازم در زمینه اتخاذ می گردد. هر نوع شکایت در این مورد در کمیسیون شکایات مورد بررسی قرار می گیرد و تصامیم کمیسیون شکایات نهایی می باشد.

(۳) هرگاه اشخاص مندرج فقرۀ (۱) این ماده در انتخابات موفق نشوند، مطابق احکام قانون مجدداً مقرر شده می‌توانند. در این صورت عواقب استعفاء بالای ذوات مندرج اجزای (۵ و ۷) فقرۀ (۱) این ماده تطبیق نمی شود.

(۴) هرگاه یکی از اعضای کرسی های

غړو څخه و غواړي بلې ټاکنيزې څوکۍ ته ځان نوماند کړي، مکلف دی لـه موجودې څوکۍ څخه استعفي ورکړي، د ولايتي شوري او ولسوالۍ شـوري غړي چې د مشرانو جرګې غړيتوب ته او يا د مشرانو جرګې غړي چې ځـان ولايتي شوري او يا د ولسوالۍ شوري ته نوماند کوي، لـدې حکـم څخـه مستثني دي.

(۵) که چېرې د مشرانو جرګې يو له انتصابي غړو څخـه وغـواړي ځـان ټاکنيزې څوکۍ ته نوماند کړي، مکلف دی له موجودې څوکۍ څخه اسـتعفي ورکړي.

(٦) هېڅ شخص نشي کولای په عـين وخت کې له يوې ټاکنيزې حوزې څخه په زياتوکې يا له يوې ټاکنيزې څـوکۍ څخه زياتو ته ځان نوماند کړي.

انتخابی بخواهد به کرسی ديگر انتخابی خود را کانديد نمايد، مکلف اسـت ازکرسی موجود استعفاء دهد. اعضای شورای ولايتی و شورای ولسوالی که به عضويت مشرانو جرگه و يا اعضای مشرانو جرگه که خود را به شـورای ولايتی و يا شورای ولسوالی کانديد می نماينـد، از ايـن حکـم مسـتثنی می باشند.

(۵) هرگـاه يکـی از اعضـای انتصابی مشرانوجرگه بخواهد خود را به کرسی انتخابی کانديد نمايد، مکلف است از کرسـی موجـود اسـتعفاء دهد.

(٦) هيچ شخص نمی تواند درعين زمان در بيش از يک حوزۀ انتخاباتی يا برای بيش از يک کرسی انتخابی خـود را کانديد نمايد.

شپږم فصل

د جمهوري رياست ټاکنې

د جمهور رئيس غوره کول

پنځه څلوېښتمه ماده:

(۱) جمهور رئيس د آزادې، عمومي، سري او مستقيمې رأيې اخيستنې له لارې د رأيې ورکوونکو له پنځوس سلنې څخه د زياتو رأيو په ترلاسه کولو سره غوره کېږي.

(۲) که چېرې په لومړۍ دوره کې له نوماندانو څخه هېڅ يو ونکړای شي له پنځوس سلنې څخه د رأيو زيات اکثريت لاسته راوړي، د دوه يم دور لپاره ټاکنې د ټاکنو د پايلو د اعلام له نېټې څخه د دوو اونيو په ترڅ کې، دايرېږي او پدې دورکې يوازې دوه تنه له هغو نوماندانو څخه چې په لومړي دورکې يې زياتې رايې لاسته راوړي دي، ګډون کوي.

(۳) له هغو دوو نوماندو څخه چې په لومړي دورکې يې زياتې رأيې لاسته راوړي دي، د رأيو د تساوۍ په

فصل ششم

انتخابات رياست جمهوری

انتخاب رئيس جمهور

مادۀ چهل و پنجم:

(۱) رئيس جمهور با کسب بيش از پنجاه فيصد آرای رأی دهندگان از طريق رأی گيری آزاد، عمومی، سری و مستقيم انتخاب می گردد.

(۲) هرگاه در دور اول هيچ يک از کانديدان نتواند اکثريت بيش از پنجاه فيصد آراء را بدست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاريخ اعلام نتايج نهائی انتخابات، برگزار می گردد و در اين دور تنها دو تن از کانديدانی که بيشترين آراء را در دور اول بدست آورده اند، شرکت می نمايند.

(۳) در صورت تساوی آراء ميان بيش از دو کانديدی که بيشترين آراء را در دور اول بدست آورده اند، دو تن

صورت کې دوه تنه چې د لوړو معيارونو لرونکي وي، د دوه يم دور د نوماندانو په توگه ټاکل کېږي، لوړ معيارونه بالترتيب عبارت دي له:

۱- د زده کړې (تحصيل) درجه.

۲- علمي درجه.

۳- په دولتي يا نا دولتي ادارو کې کاري تجربه.

۴- د نښان، مډال او ياړمن (افتخاري) لقب لرل.

(۴) د ټاکنو په دوه يم پړاو کې، هغه نوماند چې د رأيو اکثريت لاسته راوړي، جمهور رئيس پېژندل کېږي.

په دوه يم پړاوکې د نوماندانو ترمنځ د رأيو د تساوی په صورت کې، گټونکی نوماند د دې مادې په (۳) فقره کې د درج شوو تر ټولو لوړو معيارونو پر بنسټ د جمهور رئيس په توگه اعلانېږي.

(۵) که له نوماندانو څخه يو د ټاکنو په دوه يم پړاوکې گډون ونکړي، بل نوماند گټونکی پېژندل کېږي.

کاندیدانی که عالیترین معیار ها را دارا باشند، به حیث کاندیدان دور دوم تعیین می گردند. عالی ترین معیارها بالترتیب عبارت اند از:

۱- درجهٔ تحصیل.

۲- درجهٔ علمی.

۳- تجربهٔ کاری در ادارات دولتی یا غیر دولتی.

۴- داشتن نشان، مدال و لقب افتخاری.

(۴) در دور دوم انتخابات، کاندیدی که اکثریت آراء را کسب کند، رئیس جمهور شناخته می شود. درصورت تساوی آراء میان کاندیدان در دور دوم، کاندید برنده بر اساس عالیترین معیارهای مندرج فقرهٔ (۳) این ماده به حیث رئیس جمهور اعلام می گردد.

(۵) هر گاه یکی از کاندیدان در دور دوم انتخابات شرکت ننماید، کاندید دیگر برنده شناخته می شود.

د جمهوري رياست د نوماند وفات

شپږ څلوېښتمه ماده:

که چېرې د جمهوري رياست يو له نوماندانو څخه د رأيې اخيستنې د بهير په لومړي يا دوه يم دورکې او يا له ټاکنو وروسته او د ټاکنو د پايلو له اعلام د مخه وفات شي، بيا ټاکنې ددې قانون له حکمونو سره سم، داير پرې.

جمهور رئيس په توګه د وړونکي نوماند د کارپيل

اووه څلوېښتمه ماده:

وړونکی نوماند د نهايي پايلو له اعلام دېرش ورځې وروسته، د جمهور رئيس په توګه په کار پيل کوي.

اووم فصل

د ولسي جرګې ټاکنې

د ولسي جرګې د غړو شمېر

اته څلوېښتمه ماده:

ولسي جرګه د ۲۵۰ څوکيو لرونکې ده چې ۲۳۹ څوکۍ يې د نفوسو

وفات کانديد رياست جمهورى

مادۀ چهل و ششم:

هرگاه يکی از کانديدان رياست جمهوری در جريان دور اول يا دوم رأی گيری و يا بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتايج انتخابات وفات نمايد، انتخابات مجدد مطابق احکام اين قانون برگزار می گردد.

آغاز کار کانديد برنده به حيث رئيس جمهور

مادۀ چهل و هفتم:

کانديد برنده، سی روز بعد از اعلام نتايج نهايی به حيث رئيس جمهور به کار آغاز می نمايد.

فصل هفتم

انتخابات اعضای ولسی جرگه

تعداد اعضای ولسی جرگه

مادۀ چهل و هشتم:

ولسی جرگه دارای ۲۵۰کرسی می باشد که ۲۳۹ کرسی آن با

تناسب ته په پام سره ولایتونو ته ۱۰ څوکۍ يې کوچیانو ته او ۱ څوکۍ اهل هنود او سکهـ ته اختصاصېږي.

ولایتونو ته د څوکیو اختصاص

نهه څلوېښتمه ماده:

(۱) کمېسیون ۲۳۹ څوکۍ ولایتونو ته په لاندې ترتیب سره اختصاصوي:

۱- د کوچیانو، اهل هنود او سکهـ د نفوسو په استثني دولایتونو د نفوسو مجموعه پر ۲۳۹ څوکیو وېشل کېږي تر څو د يوې څوکۍ لپاره د نفوسو ونډه و ټاکل شي.

۲- د هر ولایت نفوس، د څوکۍ پرونډې وېشل کېږي تر څو دهر ولایت د څوکیو شمېر وټاکل (معین) شي.

۳- د هر ولایت لپاره د څوکیو شمېر ددې فقرې په (۲) جزء کې درج له سرته رسېدنې وېش (تقسیم) څخه له لاسته راغلي تام عدد سره مساوي اختصاص مومي.

نظرداشت تناسب نفوس به ولایات، ۱۰ کرسی آن برای کوچی ها و ۱ کرسی آن برای اهل هنود وسکهـ اختصاص داده می شود.

اختصاص کرسی ها به ولایات

مادۀ چهل و نهم:

(۱) کمیسیون ۲۳۹ کرسی را برای ولایات به ترتیب ذیل اختصاص می دهد:

۱- مجموع نفوس ولایات به استثنای نفوس کوچی ها، اهل هنود و سکهـ بر۲۳۹ کرسی تقسیم می گردد تا سهمیه نفوس برای یک کرسی معین گردد.

۲- نفوس هر ولایت بر سهمیۀ کرسی تقسیم می گردد تا تعداد کرسی های هر ولایت معین گردد.

۳- برای هر ولایت تعداد کرسی مساوی با عدد تام حاصله از تقسیم انجام شدۀ مندرج جزء (۲) این فقره اختصاص می یابد.

۴- هغه څوکۍ چې ددې فقرې په (۳) جزء کې اختصاص نه مومي، د هغــو اختصاص، ددې فقرې د (۲) جزء لــه سرته رسېدلي وېــش څخـــه د پـــاتې اعشاري عدد د نزولي ترتیب پر بنسټ، صورت مومي.

۵- که چېرې ددې محاسبې په پایلــه کې یوهٔ یا څو ولایتونو ته له یوې څوکۍ څخه کمه ورسېږي، هغه ولایت ته دوه څوکۍ اختصاص ورکول کېږي.

٦- د هغو ولایتونو چې هغو ته اضافي څوکۍ د دې فقرې د (۵) جـــزء پـــر بنسټ اختصاص شوي د څوکیو او د نفوسو د ارقامو مجموع، د ولایتونو د نفوسو له مجموع څخه کسر کېږي، د پاتې ولایتونو لپاره یوه نـــوې ونـــډه (سمهیه)، د محاسبه شـــوې څـــوکۍ اختصاص او دغه ولایت ته د څـــوکۍ تخصیص په هغه ډول چې ددې فقرې په (۲ او ۵) اجزاووکې یاد شـــوي دي، تکرارېږي.

(۲) کمېسیون مکلف دی، پدې ماده کې د درج شوو څوکیو په تخصـــیص

۴- کرسی هایی که در جزء (۳) این فقره اختصاص نمی یابند، اختصـــاص شان به اساس ترتیب نزولـــی عـــدد اعشاری باقیمانده از تقسیم انجام شدهٔ جـــزء (۲) ایـــن فقـــره صـــورت می گیرد.

۵- هرگاه در نتیجه این محاسبه بـــه یک یا چند ولایت کمتـــر از یـــک کرسی برسد، به آن ولایت دو کرسی اختصاص داده می شود.

٦- مجموع کرسی و ارقام نفـــوس ولایاتی که برای آنها کرســـی هـــای اضافی به اساس جزء (۵) این فقـــره اختصاص یافته، از مجمـــوع نفـــوس ولایات کسر مـــی گـــردد. بـــرای باقیماندهٔ ولایات یک سهمیهٔ جدیـــد، اختصاص کرسی محاســـبه شـــده و تخصیص کرسی برای این ولایات به نحوی که در اجزای (۲ و ۵) ایـــن فقره تـــذکر رفتـــه اســـت، تکـــرار می شود.

(۲) کمیسیون مکلف است، محاسبات مورد استفاده در تخصیص کرسی های

کې د ګټې اخيستنې ور محاسـبات، خپاره کړي.

نوماندانو ته د څوکيو سپارل

پنځوسمه ماده:

په هره ټاکنيزه حوزه کې څوکۍ، هغو نوماندانو ته سپارل کېږي چې قـانوني زيـاتې رأيــې يــې لاســته راوړې دي.

(۲) د وروستۍ څوکۍ د ترلاسته کولو لپاره د دوو نوماندانو تر منځ درأيو د تساوۍ په صورت کې وړونکی شخص، لوړو معيارونو ته په پام سـره ټاکـل کېږي.لوړ معيارونه بالترتيب عبارت دي له:

۱- د زده کړو (تحصيل) درجه.

۲- په دولتي يا نا دولتــي اداروکــې کاري تجربه.

(۳) که چېرې د ولسي جرګې غــوره شوی غړی ونکړای شي خپله څــوکۍ ونيسي يا د ځينو دلايلو پربناء خپلــه څوکۍ د ولسي جرګې د کار په دوره کې ترک کړي، وفات شي يا استعفي

منــدرج ايــن مــاده را نشــر نمايد.

تفويض کرسی ها به کانديدان

مادۀ پنجاهم:

(۱) درهر حوزۀ انتخاباتی کرسی ها به کانديد انی تفويض می گــردد کــه بيشترين آرای قانونی را کسب نموده اند.

(۲) در صورت تساوی آراء ميان دو کانديد برای احراز کــرســی اخيــر، شخص بــرنده بانظرداشت عــاليترين معيار ها تعيين می گردد. عــالی ترين معيارهــــا بالترتيــــب عبــــارت اند از:

۱- درجۀ تحصيل.

۲- تجربۀ کاری در ادارات دولتی يا غير دولتی.

(۳) هرگاه عضو منتخب ولسی جرگه نتواند کرسی خود را احــراز نمايــد يا بنا بر دلايلی کرســی خــود را در دورۀ کار ولسی جرگه ترک، وفات يا اســــتعفاء نمــوده يـــا مطـــابق

ورکړي يا د قانون له حکمونو سره سم، په بله دنده مقرر يا د قانون په حکم خپل غړيتوب له لاسه ورکړي او يا پداسې ډول معلول يا معيوب شي چې په دايمي توګه د دندې د اجراء څخه (مانع) شي، په هغه صورت کې چې د ولسي جرګې د کار د پايته رسېدو مودې ته له يوه کال څخه زيات پاتې وي، د هغه څوکۍ د کمېسيون له مرتبه فهرست سره سم، د ذکور يا اناث له عين جنس څخه د زياتو رأيو په لرونکي وروستي نوماند پورې اړه مومي.

ښځو نوماندانو ته د څوکۍ اختصاص

يو پنځوسمه ماده:

(۱) کمېسيون د ښځو د لږ تر لږه نوماندانو د ټاکنو لپاره چې په هر ولايت کې بايد غوره شي، کړنلارې او يو فورمول ترتيبوي چې د هر ولايت پر نفوسو مبتني وي چې د افغانستان د اساسي قانون د دري اتيايمې مادې مقتضيات چې د ښځو د غوره شوو

احکام قانون به وظيفهٔ ديگر مقرر يا به حکم قانون عضويت خويش را از دست بدهد و يا طوری معلول يا معيوب گردد که به طور دايم مانع اجرای وظيفه شود، در صورتی که بيشتر از يک سال به ميعاد ختم کار ولسی جرگه باقی مانده باشد، کرسی وی مطابق فهرست مرتبه کميسيون به کانديد بعدی دارای بيشترين آراء از عين جنس ذکور يا اناث تعلق می گيرد.

اختصاص کرسی به کانديدان زن

مادهٔ پنجاه ويکم:

(۱) کميسيون برای تعيين حداقل کانديدان زن که در هر ولايت بايد انتخاب شوند، طرزالعمل ها و فورمولی را ترتيب می نمايد که مبتنی بر نفوس هر ولايت باشد تا مقتضيات مادهٔ هشتاد و سوم قانون اساسی افغانستان که بايد تعداد کانديدان

نوماندانو شمېر باید لږ تر لږه د موجوده ولایتو د شمېر دوه چنده وي، تـــأمین شي.

(۲) هغه نوماندان چې په هره ټـــاکنیزه حوزه کې زیاتې قانونې رأیـــې لاســـته راوړي، ددې مادې په (۱) فقره کې له درج شوي فورمول سره سم، هغو تـــه ځـــوکۍ اختصـــاص مومي.دونـــډې (سهمیې) د شرایطو په تحقق سره، پاتې ځوکۍ، ددې قانون له نهه څلوېښتمې مادې سره سم، اختصـــاص ورکـــول کېږي.

(۳) که چېرې د نوماندانو په فهرست کې، د ښځو کافي شمېر شتون و نلري چې ښځو ته اختصاص شوې ځوکۍ یا ځوکۍ ګانې په یوه ټاکلې ټاکنیزه حوزه کې ونیسي (تر لاسه کړي) کمېسیون ددې مادې په (۱) فقره کې لـــه درج شوې کړنلارې سره سم، داسې تدبیرونه نیسي چې ترڅو ښځو تـــه اختصـــاص شوې ځوکۍ ګانې، تشې پاتې نشي.

منتخب زن حداقل دو چنـــد تعـــداد ولایـــات موجـــوده باشـــد، تـــأمین گردد.

(۲) کاندیدانی کـــه در هـــر حـــوزۀ انتخاباتی بیشـــترین آرای قـــانونی را کسب نمایند، حسب فورمول مندرج فقرۀ (۱) این ماده، برای شان کرسی اختصـــاص مـــی یابـــد. بـــا تحقـــق شرایط سهمیه، کرسی های باقیمانده مطـــابق مـــادۀ چهـــل ونهـــم ایـــن قـــــــانون اختصـــــــاص داده می شود.

(۳ هرگاه در فهرست کاندیدان، تعداد کافی زن وجود نداشته باشد که کرسی یا کرسی های اختصاص یافته به زنان را در یک حوزۀ معین انتخاباتی احـــراز نماید، کمیسیون مطـــابق طرزالعمـــل مندرج فقرۀ (۱) این ماده تدابیری را اتخاذ می نماید تـــا کرســـی هـــا ی اختصاص یافته به زنان، خـــالی بـــاقی نماند.

کوچیانو ته د څوکۍ ځانګړي کول

دوه پنځوسمه ماده:

(۱) د کوچي څوکۍ هغو نوماندانو ته تفويضېږي چې د کوچي پـه ټـاکنيزه حوزه کې يې تر ټولو ډېرې قانوني رأيې ترلاسه کړې وي.

(۲) د کوچي درې څوکۍ هغو ښځينه نوماندانو ته چې د کوچي په ټـاکنيزه حوزه کې يې تر ټولو ډېرې قانوني رأيې ترلاسه کړې وي تفويضېږي.

(۳) د وروستۍ څوکۍ لپاره د نوماندانو تر منځ د رأيو د تساوي په صورت کې، هغه نوماند ګټونکی اعلانېږي چـې د تحصيل تر ټولو لوړه درجه ولري او د تحصيل د درجې د تساوۍ په صورت کې، په اداره کې تر ټولو د ډېرې کاري تجربې لرونکی وي.

(۴) که چېرې د ولسي جرګې د کوچي ټاکل شوی غړی ونکړای شي خپلـه څوکۍ احراز کړي يا په ځينو دليلونو خپله څوکۍ د ولسي جرګې د کار په دوره کې ترک، وفات يا استعفي وکړي

اختصاص کرسی به کوچی ها

مادۀ پنجاه و دوم:

(۱) کرسی های کوچی به کاندیدانی تفویض می گردد که درحوزۀ انتخاباتی کوچی بیشترین آرای قانونی را کسب نموده باشند.

(۲) سه کرسی کوچی به کاندیدان زن که در حوزه انتخاباتی کوچی بیشترین آرای قانونی را کسب نموده باشـند، تفویض می گردد.

(۳) در صورت تساوی آراء میـان کاندیدان برای کرسی اخیر، کاندیدی برنده اعلام مـی شـود کـه دارای بلنـد تـرین درجـۀ تحصـیل و در صورت تساوی درجۀ تحصیل، دارای بیشـترین تجربـۀ کـاری در اداره باشد.

(۴) هرگاه عضو منتخب کوچی ولسی جرگه نتواند، کرسی خود را احـراز نماید یا به دلایلی کرسی خـود را در دورۀ کـار ولسـی جرگـه تـرک، وفات یا استعفاء نموده یا مطابق احکام

یا د قانون د حکمونو مطابق بلې دندې ته مقرر یا د واکمنې محکمې په حکم خپل غړیتوب له لاسه ورکړي یا په داسې ډول معلول یا معیوب شي چې د تل لپاره د دندې د اجراء خنډ شي، په هغه صورت کې چې د ولسي جرګې د کار د پای مودې ته له یوه کال څخه زیات پاتې وي، د هغه څوکۍ د کمېسیون له خوا د ترتیب شوي نوم لړ مطابق د نارینه یا ښځینه له عین جنس څخه د تر ټولو ډېرو رأیو لرونکي ورپسې (بعدي) نوماند پورې اړه پیدا کوي.

د هنودو او سکهـ اهل ته د څوکۍ ځانګړې کول

درې پنځوسمه ماده:

(۱)د هنودو او سکهـ اهل څوکۍ هغه نوماند ته چې تر ټولو ډېرې رأیې یې ترلاسه کړې، اختصاصېږي.

(۲) د نوماندانو تر منځ د رأیو د تساوۍ په صورت کې، هغه نوماند بریالی اعلانېږي چې د تحصیل تر ټولو

قانون به وظیفه دیگر مقرر یا به حکم محکمهٔ ذیصلاح عضویت خویش را از دست بدهد و یا طوری معلول یا معیوب شود که بطور دایم مانع اجرای وظیفه گردد، در صورتی که بیشتر از یکسال به میعاد ختم کار ولسی جرگه باقی مانده باشد، کرسی وی مطابق فهرست مرتبهٔ کمیسیون به کاندید بعدی دارای بیشترین آراء از عین جنس ذکور یا اناث تعلق می گیرد.

اختصاص کرسی به اهل هنود و سکهـ

مادهٔ پنجاه و سوم:

(۱) کرسی اهل هنود و سکهـ برای کاندیدی که بیشترین آراء را کسب نموده، اختصاص می یابد.

(۲) در صورت تساوی آراء میان کاندیدان، کاندیدی برنده اعلام می شود که دارای بلندترین

لوړه درجه ولري او د تحصیل د درجې د تساوۍ په صورت کې، په اداره کې د تر ټولو ډېرې کاري تجربې لرونکی وي.

(۳) که چېرې د هنودو او سکهـ اهل ټاکل شوی غړی ونکړای شي خپله څوکۍ احراز کړي یا په ځینو دلیلونو خپله څوکۍ د ولسي جرگې د کار په دوره کې ترک، وفات یا استعفي وکړي یا د قانون د حکمونو مطابق بلې دندې ته مقرر یا د واکمنې محکمې په حکم خپل غړیتوب له لاسه ورکړي یا په داسې ډول معلول یا معیوب شي چې د تل لپاره د دندې د اجراء خنډ شي، په هغه صورت کې چې د ولسي جرگې د کار د پای مودې ته له یوه کال څخه زیات پاتې وي، د هغه څوکۍ د کمېسیون له خوا د ترتیب شوي نوم لړ مطابق د هنودو او سکهـ اهل د نوماندانو له نوم لړ څخه د تر ټولو ډېرو رأیو لرونکي ورروستي نوماند پورې اړه پیدا کوي.

درجه تحصیل و در صورت تساوی درجه تحصیل، دارای بیشترین تجربۀ کاری در اداره باشد.

(۳) هرگاه عضو منتخب اهل هنود و سکهـ نتواند کرسی خود را احراز نماید و یا بنا بر دلایلی کرسی خود را در دورۀ کار ولسی جرگه ترک، وفات یا استعفا نماید یا مطابق احکام قانون به وظیفه دیگر مقرر یا به حکم محکمۀ ذیصلاح عضویت خویش را از دست بدهد یا طوری معلول یا معیوب شود که بطور دایم مانع اجرای وظیفه گردد، درصورتی که بیشتر از یک سال به میعاد ختم کار ولسی جرگه باقی مانده باشد، کرسی وی مطابق فهرست مرتبۀ کمیسیون به کاندید بعدی دارای بیشترین آراء از فهرست کاندیدان اهل هنود و سکهـ تعلق می گیرد.

اتم فصل

د مشرانو جرگې د غړو ټاکنې

د مشرانو جرگې د غړو شمېر

څلور پنځوسمه ماده:

د مشرانو جرگې د غړو شمېر د هېواد د ولايتونو د شمېر درې چنده دی چې د افغانستان د اساسي قانون د څلور اتيايمې مادې د حکم سره سم، غوره او ټاکل کېږي.

د مشرانو جرگې غړيتوب ته د ولايتي شورې د غړي ټاکل کېدل

پنځه پنځوسمه ماده:

(۱) کمېسيون د ولايتي شورې گانو له رامنځته کېدو وروسته، د مشرانو جرگې د غړي د ټاکنې په منظور د پنځلسو ورځو مودې په ترڅ کې، د هر ولايت د ولايتي شورې داخلي ټاکنې، د دې قانون د حکمونو او د کمېسيون د کړنلارې مطابق تر سره کوي.

(۲) د دغو ټاکنو د تر سره کولو لپاره د ولايتي شورې د غونډې نصاب لږ تر لږه د ولايتي شورې د ټولو غړو د دوه

فصل هشتم

انتخابات اعضای مشرانو جرگه

تعداد اعضای مشرانو جرگه

مادۀ پنجاه و چهارم:

تعداد اعضای مشرانو جرگه، سه چند تعداد ولايات کشور می باشد، که مطابق حکم مادۀ هشتاد و چهارم قانون اساسی افغانستان، انتخاب و تعيين می گردند.

انتخاب عضو شورای ولايتی به عضويت مشرانو جرگه

مادۀ پنجاه و پنجم:

(۱) کميسيون در خلال مدت پانزده روز بعد از ايجاد شوراهای ولايتی به منظور انتخاب عضو مشرانو جرگه، انتخابات داخلی شورای ولايتی هر ولايت را مطابق احکام اين قانون و طرز العمل کميسيون تدوير می نمايد.

(۲) نصاب جلسۀ شورای ولايتی برای تدوير اين انتخابات حضور حداقل دو ثلث کل اعضای شورای ولايتی

ثلثو حضور دی، هغه نوماند چې د حاضرو غړو له نيمايي څخه ډېرې رأيې لاس ته راوړي، د مشرانو جرگې د غړي په توگه پېژندل کېږي.

که چېرې په لومړي پړاو کې هيڅ نوماند له نيمايي څخه ډېرې رأيې لاس ته را نه وړي، نوې ټاکنې د هغو دوو نوماندانو تر منځ، چې تر ټولو ډېرې رأيې يې لاس ته راوړې وي، صورت مومي. په دوه يم پړاو کې هغه نوماند، چې تر ټولو ډېرې رأيې لاس ته راوړي، گټونکی گڼل کېږي.

(۳) له دوو څخه د ډېرو نوماندانو تر منځ د رأيو د تساوۍ په صورت کې، چې په لومړي پړاو کې يې تر ټولو ډېرې رأيې ترلاسه کړې دي، دوه تنه هغه نوماندان چې په ترتيب سره د تحصيل تر ټولو لوړه درجه ولري او د تحصيل د درجې دتساوۍ په صورت کې هغه دوه نوماندان چې تر ټولو د ډېرې کاري تجربې لرونکي وي، د دوه يم پړاو د نوماندانو په توگه پېژندل کېږي.

(۴) د ټاکنو په دوه يم پړاو کې د

می باشد، کاندیدی که بیش از نصف آرای اعضای حاضر را کسب نماید، به حیث عضو مشرانو جرگه شناخته می شود.

هرگاه در دور اول هیچ کاندیدی بیش از نصف آرای اعضای حاضر را بدست آورده نتواند، انتخابات مجدد بین دو کاندیدی که بیشترین آراء را کسب نموده باشند، صورت می گیرد. در دور دوم کاندیدی که بیشترین آراء را بدست آورد، برنده شناخته می شود.

(۳) در صورت تساوی آراء میان بیش از دو کاندیدی که بیشترین آراء را در دور اول بدست آورده اند، دو تن کاندیدانی که بالترتیب دارای بالاترین درجۀ تحصیل باشند و در صورت تساوی درجۀ تحصیل دوتن کاندیدانی که دارای بیشترین تجربۀ کاری باشند، به حیث کاندیدان دور دوم شناخته می شوند.

(۴) در صورت تساوی آراء میان دو

دوو نوماندانو د رأیو د تساوۍ په صورت کې، د دوو تنو له منځ څخه هغه شخص ګټونکی ګڼل کېږي چې په ترتیب سره د تحصیل د لوړې درجې لرونکی وي او د تحصیل د درجې د تساوۍ په صورت کې هغه شخص، چې تر ټولو ډېرې کاري تجربې لرونکی وي ګټونکی پېژندل کېږي.

(۵) که چېرې ټاکل شوی غړی ونه کړای شي خپله څوکۍ احراز کړي یا د ځینو دلایلو له مخې د مشرانو جرګې د کار په دوره کې خپله څوکۍ ترک، وفات یا استعفي وکړي یا د قانون د حکمونومطابق په بله دنده مقرر یا د قانون په حکم خپل غړیتوب له لاسه ورکړي او یا په داسې ډول معلول یا معیوب شي چې د تل لپاره یې د دندې د اجراء خنډ وګرځي، په هغه صورت کې چې د اړوندې شورې(ولایتي شوري) د کار د پای مودې ته له یوه کال څخه زیات پاتې وي، کمېسیون ددې مادې د حکمونو مطابق د پاتې مودې لپاره د مشرانو جرګې د غړي د

کاندید در دور دوم انتخابات، شخصی از میان این دو تن برنده شناخته می شود که بالترتیب دارای بالاترین درجۀ تحصیل باشد و در صورت تساوی درجۀ تحصیل کاندیدی که دارای بیشترین تجربۀ کاری باشد، برنده شناخته می شود.

(۵) هرگاه عضو منتخب نتواند کرسی خود را احراز، یا بنا بر دلایلی کرسی خود را در دورۀ کار مشرانو جرگه ترک، وفات یا استعفاء نموده یا مطابق احکام قانون به وظیفۀ دیگر مقرر یا به حکم قانون عضویت خویش را از دست بدهد و یا طوری معلول یا معیوب شود که بطور دایم مانع اجرای وظیفه گردد، در صورتی که بیشتر از یک سال به میعاد ختم کار شورای مربوط (شورای ولایتی) باقی مانده باشد، کمیسیون مطابق احکام این ماده، انتخابات میان اعضای شورای ولایتی را جهت انتخاب عضو مشرانو جرگه برای

ټاکنې لپاره د ولایتي شورۍ د غړو تر منځ ټاکنې سرته رسوي.

دمشرانوجرګې غړیتوب ته د ولسوالیو د شورۍ ګانو دغړي ټاکل

شپږپنځوسمه ماده:

(۱) کمېسیون د ولسوالیو د شورۍ ګانو له رامنځته کېدو وروسته، د مشرانو جرګې د غړي د ټاکلو په منظور د پنځلسو ورځو مودې په ترڅ کې د ولسوالۍ شورۍ ګانو د غړو تر منځ ټاکنې د اړوند ولایت د ولایتي شورۍ په مقر کې تر سره کوي.

(۲) د دغو ټاکنو د تر سره کولو لپاره د ولسوالیو شوراګانو د غونډې نصاب لږ تر لږه د ولسوالیو شورۍ د ټولو غړو د دوه ثلثو حضور دی، هغه نوماند چې د حاضرو غړو له نیمايي څخه ډېرې رأیې لاس ته راوړي، د مشرانو جرګې د غړي په توګه پېژندل کېږي.

که چېرې هېڅ نوماند له نیمايي څخه ډېرې رأیې لاس ته را نه وړي، نوې

مدت باقیمانده تدویر می کند.

انتخاب عضو شوراهای ولسوالی ها به عضویت مشرانو جرگه

مادهٔ پنجاه و ششم:

(۱) کمیسیون در خلال مدت پانزده روز بعد از ایجاد شوراهای ولسوالی ها، به منظور انتخاب عضو مشرانوجرگه انتخابات را در میان اعضای شوراهای ولسوالی ها در مقر شورای ولایتی ولایت مربوط برگزار می نماید.

(۲) نصاب جلسه شوراهای ولسوالی‌ها برای تدویر این انتخابات حضور حداقل دو ثلث کل اعضای شورای ولسوالی ها می باشد، کاندیدی که بیش از نصف آرای اعضای حاضر را کسب نماید، به حیث عضو مشرانو جرگه شناخته می شود.

هرگاه هیچ کاندیدی بیش از نصف آراء را بدست آورده نتواند، انتخابات

ټاکنې د هغو دوو نوماندانو تر منځ، چې تر ټولو ډېرې رأيې يې لاس ته راوړې وي، صورت مومي. په دوه يم پړاو کې هغه نوماند، چې تر ټولو ډېرې رأيـې لاس ته راوړي، ګټونکی ګڼل کېږي.

(۳) د هغو دوو نوماندانو تر منځ د رأيو د تساوۍ په صورت کې، چې په لومړي پړاو کې يې تر ټولو ډېرې رأيې ترلاسه کړې وي، دوه تنه هغه نوماندان چې په ترتيب سره د تحصيل تر ټولو لـوړه درجه ولري او د تحصـيل د درجـې دتساوۍ په صـورت کـې هغـه دوه نوماندان چې تر ټولو د ډېرې کـاري تجربې لرونکي وي، د دويم پـړاو د نوماندانو په توګه پېژندل کېږي.

(۴) د ټاکنـو په دوه يـم پړاو کې د دوو نوماندانو تر منځ د رأيو د تساوۍ په صورت کې، د دغو دوو تنو له منځ څخه هغه نوماند ګټونکی ګڼل کېـږي چې په ترتيب سره د تحصيل د لـوړې درجې لرونکی وي او د تحصـيل د درجې د تساوۍ په صورت کې هغـه شخص، چې د تر ټولو ډېرې کـاري

مجدد ميان دو کانديدی که بيشـترين آراء را کسب نموده باشند، صـورت می گيـرد. در دور دوم انتخابـات، کانديدی که بيشترين آراء را بدسـت آورد، برنده شناخته می شود.

(۳) در صورت تساوی آراء ميان بيش از دو کانديدی که بيشترين آراء را در دور اول بدست آورده انـد، دو تـن کانديـدانی کـه بالترتيـب دارای بالاترين درجۀ تحصـيل باشـند و در صـورت تسـاوی درجـۀ تحصـيل دوتـن کانديـدانی کـه دارای بيشترين تجربۀ کاری باشند، به حيث کانديـدان دور دوم شـناخته می شوند.

(۴) در صورت تساوی آراء ميان دو کانديـد، در دور دوم انتخابـات، کانديدی از ميان اين دو تـن برنـده شناخته می شود که بالترتيـب دارای بـالاترين درجـۀ تحصـيل باشد و در صورت تسـاوی درجـۀ تحصـيل کانديـدی کـه دارای بيشـترين تجربـۀ کـاری

تجربې لرونکی وي ګټونکی پېژنـــدل کېږي.

(۵) که چېرې ټاکل شوی غړی ونـــه کړای شي خپله څوکۍ احراز کړي یا د ځینو دلایلو له مخې د کار په دوره کې خپله څوکۍ ترک، وفات یا اســتعفي وکړي یا د قانون د حکمونومطابق پــه بله دنده مقرر یا د قانون په حکم خپل غړيتوب له لاسه ورکړي او یا په داسې ډول معلول یا معیوب شي چې د تــل لپاره يې د دندې د اجراء خنډ وګرځي، په هغه صورت کې چـــې د اړونــدو ولسوالیو د شورې ګانو د کار د پایته رسېدو مودې ته له یو کال څخه زیات پاتې وي، کمېســیون ددې مــادې د حکمونو مطابق، د پاتې مودې لپاره د مشرانو جرګې د غړي د ټاکلو لپاره د اړوند ولایت د ولسوالیو د شورې ګانو د غړو ترمنځ ټاکنې په لاره اچوي.

باشــــد، برنــــده شــــناخته می شود.

(۵) هرگاه عضو منتخب نتواند کرسی خود را احراز، یا بنــا بــر دلایلــی کـــرسی خــود را در دورۀ کــار مشرانوجرگه ترک، وفات یا استعفاء نموده یا مطابق احکام قانون به وظیفۀ دیگر مقرر یا به حکم قانون عضویت خویش را از دست بدهد و یا طــوری معلول یا معیوب شود که بطور دایــم مانع اجرای وظیفه گردد، در صورتی که بیشتر از یک سال به میعاد ختم کار شوراهای ولسوالی های مربوط بــاقی مانده باشــد، کمیســیون مـــطابق احــکام این ماده، انتخابــات میــان اعضای شوراهای ولسوالی های ولایت مربوط را جهت انتخاب عضو مشرانو جرگه برای مدت باقیمانــده تــدویر می کند.

نهم فصل

د ولايتي شورۍ د غړو ټاکنې

ولايتي شورۍ

اووه پنځوسمه ماده:

هرولايت د يوې ولايتي شورۍ لرونکی دی چې غړي يې د هماغه ولايت د رأيې ورکوونکو په واسطه د څلورو کلونو لپاره ټاکل کېږي.

ولايتي شورۍ ته د څوکۍ ټاکل

اته پنځوسمه ماده:

(۱) د ولايتي شورۍ څوکۍ د هر ولايت د نفوسو له شمېر سره متناسبې په لاندې ترتيب سره ټاکل کېږي:

۱- هغه ولايت چې تر پنځه سوو زرو پورې نفوس لري، (۹) څوکۍ.

۲- هغه ولايت چې له پنځه سوو زروڅخه زيات تريوميليونو پورې نفوس لري، (۱۱) څوکۍ.

۳- هغه ولايت چې له يوهٔ ميليون څخه زيات تر دوه ميليونو پورې نفوس لري، (۱۵) څوکۍ.

۴- هغه ولايت چې له دوو ميليونو

فصل نهم

انتخابات اعضای شورای ولایتی

شورای ولایتی

مادهٔ پنجاه و هفتم:

هر ولایت دارای یک شورای ولایتی می باشد که اعضای آن توسط رأی دهندگان همان ولایت برای چهارسال انتخاب می گردند.

تعیین کرسی به شورای ولایتی

مادهٔ پنجاه وهشتم:

(۱) کرسی های شورای ولایتی متناسب به تعداد نفوس هر ولایت به ترتیب ذیل تعیین می گردد:

۱- ولایتی که الی پنجصد هزار نفوس دارد، (۹)کرسی.

۲- ولایتی که بیش از پنجصد هزار الی یک میلیون نفوس دارد، (۱۱)کرسی.

۳- ولایتی که بیش از یک میلیون الی دو میلیون نفوس دارد، (۱۵) کرسی.

۴- ولایتی که بیش از دو میلیون الی

څخه زيات تر درې ميليونو پورې نفوس لري، (۱۷) څوکۍ.

۵- هغه ولايت چې له دريو ميليونو څخه زيات تر څلورو ميليونو پورې نفوس لري، (۱۹) څوکۍ.

٦- هغه ولايت چې له څلورو ميليونو څخه زيات نفوس لري، (۲۱) څوکۍ.

(۲) په هره ولايتي شوري کې لږ تر لږه (۲۵) سلنه څوکۍ ښځينه نوماندانو ته اختصاصيږي.

(۳) کوچي کولای شي په هر ولايت کې د رأيې ورکوونکي يا نوماند په توګه د ولايتي شوري په ټاکنو کې ګډون وکړي.

د ولايتي شوريٰ د غړيتوب ترلاسه کول

نه پنځوسمه ماده:

(۱)هغه نوماند چې په اړوند انتخاباتي حوزه کې يې تر ټولو ډېرې رأيې لاسته راوړې وي، د ولايتي شوريٰ د غړي په توګه پېژندل کېږي.

(۲)د نوماندانو ترمنځ د رأيو د تساوي

سه ميليون نفوس دارد، (۱۷) کرسی.

۵- ولايتی که بيش از سه ميليون الی چهار ميليون نفوس دارد، (۱۹) کرسی.

٦- ولايتی که بيش از چهار ميليون نفوس دارد، (۲۱) کرسی.

(۲) حد اقل (۲۵) فيصد کرسی ها، در هر شورای ولايتی برای کانديدان زن اختصاصی يابد.

(۳) کوچی می تواند در هر ولايت منحيث رأی دهنده يا کانديد در انتخابات شورای ولايتی شرکت نمايد.

کسب عضويت شورای ولايتی

مادۀ پنجاه ونهم:

(۱) کانديدی که بيشترين آراء را در حوزۀ انتخاباتی مربوط به دست آورده باشد، به حيث عضو شورای ولايتی شناخته می شود.

(۲) در صورت تساوی آراء ميان

په صورت کې، هغه نوماند چې تر ټولو لوړو معیارونو لرونکی وي، د ولایتي شورئ د غړي په توګه اعلانیږي. تر ټولو لوړ معیارونه په ترتیب سره عبارت دي له:

۱- د زده کړې درجه.

۲- په دولتي یا نا دولتي ادارو کې کاري تجربه.

۳- په اړونده ټاکنیزه حوزه کې د استوګنې سابقه.

(۳) که چیرې د ولایتي شورئ غړی د مشرانو جرګې د غړي په توګه و ټاکل شي یا و نه شي کړای د ولایتي شورئ څوکۍ احراز کړي یا د ځینو دلیلونو له مخې د ولایتي شورئ د تصدۍ په دوره کې څوکۍ ترک، وفات یا استعفاء وکړي او یا د قانون د حکمونو مطابق په بله رسمي دنده بوخت شي او یا د قانون په حکم خپل غړیتوب له لاسه ورکړي او یا داسې معلول یا معیوب شي چې په دایمي توګه د دندې د اجراء خنډ شي، په هغه صورت کې چې د اړوندې شورې د کار پای مودې ته له

کاندیدان، کاندیدی که عالیترین معیارها را دارا باشد، به حیث عضو شورای ولایتی اعلام می گردد. عالی ترین معیارها بالترتیب عبارت اند از:

۱- درجهٔ تحصیل.

۲- تجربهٔ کاری در ادارات دولتی یا غیردولتی.

۳- سابقه سکونت در حوزهٔ انتخاباتی مربوطه.

(۳) هرگاه عضو شورای ولایتی به حیث عضو مشرانو جرگه انتخاب شود یا نتواند کرسی شورای ولایتی را احراز نماید و یا بنا بر دلایلی کرسی را در دورهٔ تصدی شورای ولایتی ترک، وفات یا استعفاء نموده و یا مطابق به احکام قانون به وظیفهٔ رسمی دیگر اشتغال ورزد و یا به حکم قانون عضویت خویش را از دست بدهد و یا طوری معلول یا معیوب گردد که بطور دایم مانع اجرای وظیفه شود، در صورتی که بیشتر از یک سال به میعاد ختم کار شورای

يوه کال څخه زيات پاتې وي، د هغـه ځوکۍ د کمېسيون د ترتيـب شـوي فهرست مطابق، د عين جنس (نارينه يا ښځينه) د ډېرو رأيو په لرونکـي بـل نوماند پورې اړه مومي.

لسم فصل

د ولسوالۍ د شوريٰ دغړو ټاکنې

د ولسوالۍ شوريٰ

شپېتمه ماده:

هره ولسوالۍ د يوې شوريٰ لرونکې ده چې غړي يې د هماغې ولسوالۍ د رأيه ورکوونکو لخوا د دريو کلونو لپـاره ټاکل کېږي.

د ولسوالۍ شوريٰ تـه د ځـوکۍ ټاکل

يو شپېتمه ماده:

(۱) د ولسوالۍ د شوريٰ ځوکۍ د هرې ولسوالۍ د نفوسو له شمېرسره متناسبې په لاندې ترتيب سره ټاکل کېږي:

۱- هغه ولسوالۍ چې تر څلوېښتو زرو پورې نفوس لري، (۵) ځوکۍ.

۲- هغه ولسوالۍ چې لـه څلوېښـتو

مربوط باقی مانده باشد، کرسـی وی مطابق فهرست مرتبۀ کميسـيون بـه کانديد بعدی دارای بيشترين آراء از عين جنس ذکـور يـا انـاث تعلـق می گيرد.

فصل دهم

انتخابات اعضای شورای ولسوالی

شورای ولسوالی

مادۀ شصتم:

هر ولســوالی دارای يـک شـوری می باشد که اعضای آن توسـط رأی دهندگان همان ولسوالی برای سه سال انتخاب می گردند.

تعيـين کرسـی بـه شـورای ولسوالی

مادۀ شصت ويکم:

(۱) کرسی های شـورای ولسـوالی متناسب به تعداد نفوس هر ولسوالی به ترتيب ذيل تعيين می گردد:

۱- ولسوالی که الی چهل هزار نفوس دارد، (۵) کرسی.

۲- ولسوالی که بيش از چهل هزار الی

زروڅخه زيات تر اوياوو زرو پورې نفوس لري، (۷) څوکۍ.
۳- هغه ولسوالۍ چې له اوياوو زرو څخه زيات تر سلو زرو پورې نفوس لري، (۹) څوکۍ.
۴- هغه ولسوالۍ چې له سلو زرو څخه زيات نفوس لري، (۱۱) څوکۍ.
(۲) په هره ولسوالۍ شورې کې لږ تر لږه (۲۵) سلنه څوکۍ ښځينه نوماندانو ته اختصاصيږي.
(۳) کوچی کولای شي په هره ولسوالۍ کې د رأيې ورکوونکي يا نوماند په توګه د ولسوالۍ د شورۍ په ټاکنوکې ګډون وکړي.

د ولسوالۍ د شورۍ د غړيتوب ترلاسه کول

دوه شپېتمه ماده:
(۱) هغه نوماندان چې په اړونده ولسوالۍ کې يې ډېرې رأيې لاسته راوړې وي، د ولسوالۍ شورۍ د غړي په توګه پېژندل کيږي.
(۲) د وروستنۍ څوکۍ د احراز لپاره

هفتاد هزار نفوس دارد، (۷) کرسی.
۳- ولسوالی که بیش از هفتاد هزار الی یکصد هزار نفوس دارد، (۹) کرسی.
۴- ولسوالی که بیش از یکصد هزار نفوس دارد، (۱۱) کرسی.
(۲) حد اقل (۲۵) فیصد کرسی ها، در هر شورای ولسوالی برای کاندیدان زن اختصاص می یابد.
(۳) کوچی می تواند در هر ولسوالی به حیث رأی دهنده یا کاندید در انتخابات شورای ولسوالی شرکت نماید.

کسب عضویت شورای ولسوالی

مادهٔ شصت ودوم:
(۱) کاندیدانی که بیشترین آراء را در ولسوالی مربوط به دست آورده باشد، به حیث عضو شورای ولسوالی شناخته می شود.
(۲) درصورت تساوی آراء میان

د نوماندانو ترمنځ د رأيو د تساوی په صورت کې، هغه نوماند چې تر ټولو د لوړو معيارونو لرونکی وي، د ولسوالۍ د شوریٰ د غړي په توګه اعلانیږي. تر ټولو لوړ معيارونه په ترتيب سره عبارت دي له:

۱- د تحصيل درجه.

۲- په دولتي يا نا دولتي ادارو کې کاري تجربه.

۳- په اړونده ټاکنیزه حوزه کې د استوګنې سابقه.

(۳) که چیرې د ولسوالۍ د شوریٰ غړی د مشرانو جرګې د غړي په توګه وټاکل شي يا ونه کړای شي خپله څوکۍ احراز کړي يا د ځينو دلايلو له مخې د ولسوالۍ شوریٰ د کار په دوره کې خپله څوکۍ ترک، وفات يا استعفي وکړي يا د قانون د حکمونو مطابق په بله دنده وګمارل شي يا د قانون په حکم خپل غړیتوب له لاسه ورکړي او يا په داسې ډول معلول يا معيوب شي چې د تل لپاره د دندې د اجراء خنډ وګرځي، په هغه صورت کې چې د

کانديدان برای احراز کرسی اخير، کانديدی که عاليترين معيار ها را دارا باشد، به حيث عضو شورای ولسوالی اعلام می گردد. عالی ترين معيارها بالترتيب عبارت اند از:

۱- درجۀ تحصيل.

۲- تجربۀ کاری در ادارات دولتی يا غيردولتی.

۳- سابقۀ سکونت در حوزۀ انتخاباتی مربوطه.

(۳)هرگاه عضو شورای ولسوالی به حيث عضو مشرانو جرگه انتخاب شود يا نتواند کرسی خود را احراز نمايد، يا بنا بر دلايلی کرسی خود را در دورۀ کار شورای ولسوالی ترک، وفات يا استعفاء نموده يا مطابق احکام قانون به وظيفۀ ديگر مقرر يا به حکم قانون عضويت خويش را از دست بدهد و يا طوری معلول يا معيوب شود که بطور دايم مانع اجرای وظيفه شود، در صورتی که بيشتر از يک سال به ميعاد

اړوندې شوري د پای مودې ته له يوه کال څخه زيات پاتې وي، څوکۍ يې دکمېسيون د ترتيب شوي فهرست مطابق له عين جنس (نارينه يا ښځينه) څخه د زياتو رأيو درلودونکي بل نوماند پورې اړه مومي.

يوولسم فصل

د کلي د شورۍ د غړو ټاکنې

د کلي شورۍ

دري شپېتمه ماده:

هر کلی يوه شورۍ لري چې غړي يې د هماغهٔ کلي د رأيې ورکوونکو له خوا د دريو کلونو مودې لپاره ټاکل کېږي.

د کلي د شوري د څوکۍ ټاکل

څلور شپېتمه ماده:

(۱) د کلي د شورۍ لپاره څوکۍ د هرکلي د نفوسو له شمېر سره متناسب په لاندې ترتيب سره ټاکل کېږي:

۱- هغه کلی چې تر پنځو سوو پورې نفوس لري، (۳) څوکۍ.

۲- هغه کلی چې له پنځو سوو څخه

ختم کار شورای مربوط باقی مانده باشد، کرسی وی مطابق فهرست مرتبهٔ کميسيون به کانديد بعدی دارای بيشترين آراء از عين جنس (ذکور يا اناث) تعلق می گيرد.

فصل يازدهم

انتخابات اعضای شورای قريه

شورای قريه

مادهٔ شصت و سوم:

هر قريه دارای يک شوری می باشد که اعضای آن توسط رأی دهندگان همان قريه برای مدت سه سال انتخاب می گردند.

تعيين کرسی شورای قريه

مادهٔ شصت وچهارم:

(۱) کرسی برای شورای قريه متناسب به تعداد نفوس هر قريه به ترتيب ذيل تعيين می گردد:

۱- قريهٔ که الی پنجصد نفوس دارد، (۳) کرسی.

۲- قريهٔ که بيش از پنجصد الی

زيات تر زرو پورې نفوس لري، (۵) څوکۍ.

۳- هغه کلی چې له زرو زيات نفوس لري، (۷) څوکۍ.

(۲) د کلي په هره شوري کې لږ تر لږه (۲۵) سلنه څوکۍ ښځينه نوماندانو ته اختصاصيږي.

(۳) کوچی کولای شي په هر کلي کې د رأيې ورکوونکي يا نوماند په توګه د کلي د شوریٰ په ټاکنوکې ګډون وکړي.

د کلي د شوریٰ د غړيتوب ترلاسه کول

پنځه شپيتمه ماده:

(۱) هغهٔ نوماند چې د اړوند کلي د شوریٰ په ټاکنو کې يې تر ټولو زياتې قانوني رأيې ترلاسه کړې وي، د کلي د شوریٰ د غړي په توګه پيژندل کيږي.

(۲) د وروستنۍ څوکۍ د احراز لپاره د نوماندانو ترمنځ د رأيو د تساوۍ په صورت کې، هغه نوماند چې د لوړو معيارونو لرونکی وي، د کلي شوریٰ د

يکهزار نفوس دارد، (۵) کرسی.

۳- قریهٔ که بیش از یکهزار نفوس دارد، (۷) کرسی.

(۲) حد اقل (۲۵) فیصد کرسی ها، در هر شورای قریه برای کاندیدان زن اختصاص می یابد.

(۳) کوچی می تواند در هر قریه به حیث رأی دهنده یا کاندید در انتخابات شورای قریه شرکت نماید.

کسب عضویت شورای قریه

مادهٔ شصت وپنجم:

(۱) کاندیدی که بیشترین آرای قانونی را در انتخابات شورای قریهٔ مربوط به دست آورده باشد، به حیث عضو شورای قریه شناخته می شود.

(۲) در صورت تساوی آراء میان کاندیدان برای احراز کرسی اخیر، کاندیدی که عالیترین معیار ها را دارا باشد، به حیث عضو شورای قریه اعلام

غړي په توګه اعلانېږي. تر ټولو لوړ معیارونه په ترتیب سره عبارت دي له:

۱- د تعلیم یا تحصیل درجه.

۲- په دولتي یا نا دولتي ادارو کې کاري تجربه.

۳- په اړونده ټاکنیزه حوزه کې د استوګنې سابقه.

(۳) که چیرې ټاکل شوی غړی ونه کړای شي خپله څوکۍ احراز کړي یا د ځینو دلایلو له مخې د کلي شورئ د کار په دوره کې خپله څوکۍ ترک، وفات یا استعفئ وکړي یا د قانون د حکمونو مطابق په بله دنده مقرر یا د قانون په حکم خپل غړیتوب له لاسه ورکړي او یا داسې معلول یا معیوب شي چې د تل لپاره د دندې د اجراء څخه وګرځي، په هغه صورت کې چې د اړوندې شورې د کار د پای مودې ته یو کال پاتې وي، د هغه څوکۍ د کمېسیون د ترتیب شوي فهرست مطابق د ډېرو رأیو لرونکي بل نوماند پورې اړه مومي.

می گردد. عالی ترین معیارها بالترتیب عبارت اند از:

۱- درجهٔ تعلیم یا تحصیل.

۲- تجربهٔ کاری در ادارات دولتی یا غیردولتی.

۳- سابقهٔ سکونت در حوزهٔ انتخاباتی مربوطه.

(۳) هرگاه عضو منتخب نتواند کرسی خود را احراز نماید یا بنا بر دلایلی کرسی خود را در دورهٔ کارشورای قریه ترک، وفات یا استعفاء نموده یا مطابق احکام قانون به وظیفهٔ دیگر مقرر یا به حکم قانون عضویت خویش را از دست بدهد و یا طوری معلول یا معیوب گردد که بطور دایم مانع اجرای وظیفه شود، در صورتی که بیشتر از یک سال به میعاد ختم کار شورای مربوط باقی مانده باشد، کرسی وی مطابق فهرست مرتبهٔ کمیسیون به کاندید بعدی دارای بیشترین آراء تعلق می گیرد.

دوولسم فصل

د ښاروالانو ټاکنې

د ښاروال د ټاکلو ډول

شپږشپېتمه ماده:

(۱) د هر ښار لپاره یو ښاروال ټاکل کېږي. ښاروال د هماغه ښار د رأیه ورکوونکو د ډېرو رأیو په لاس ته راوړلو سره د څلورو کلونو مودې لپاره ټاکل کېږي.

(۲) که چېرې په لومړي پړاو کې هېڅ یو نوماند و نه شي کړای له پنځوس سلنې ډېرې اکثریت رأیې لاس ته راوړي، ټاکنې د دوه یم پړاو لپاره د پایلو د اعلان له نېټې څخه د دوو اوونیو په ترځ کې تر سره کېږي او په دې پړاو کې یوازې دوه تنه نوماندان چې په لومړي پړاو کې یې تر ټولو ډېرې رأیې لاس ته راوړې وي، ګډون کوي او هغه نوماند چې تر ټولو ډېرې رأیي لاسته راوړي ګټونکی ګڼل کېږی.

(۳) د نوماندانو ترمنځ د رأیو د تساوی په صورت کې، هغه نوماند چې

فصل دوازدهم

انتخابات شاروال ها

طرز انتخاب شاروال

مادۀ شصت وششم:

(۱) برای هر شهر یک شاروال انتخاب می شود. شاروال با کسب بیشترین آرای رأی دهندگان همان شهر برای مدت چهار سال انتخاب می گردد.

(۲) هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فیصد آراء را کسب نماید، انتخابات برای دور دوم در خلال دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات، برگزار می گردد و در این دور تنها دو تن از کاندیدانی که بیشترین آراء را در دور اول بدست آورده اند، شرکت می نمایند و کاندیدی که بیشترین آراء را کسب نماید، برنده شناخته می شود.

(۳) در صورت تساوی آراء میان کاندیدان، کاندیدی که عالیترین

تر ټولو د لوړو معيارونو لرونکی وي، د ښاروال په توګه اعلانيږي. تر ټولو لوړ معيارونه په ترتيب سره عبارت دي له:

۱- د تحصيل درجه.

۲- په دولتي يا نا دولتي ادارو کې کاري تجربه.

۳- په اړوند ښارکې زياته اوسېدنه.

(۴) که چيرې ټاکل شوی ښاروال ونه کړای شي خپله څوکۍ احراز کړي يا د ځينو دلايلو له مخې د ښاروالۍ د کار په دوره کې خپله څوکۍ ترک، وفات يا استعفيٰ وکړي يا د قانون د حکمونو مطابق په بله دنده مقرر يا د قانون په حکم له دندې څخه عزل شي او يا داسې معلول يا معيوب شي چې د تل لپاره د دندې د اجراء خنډ وګرځي، د هغه څوکۍ د کمېسيون د ترتيب شوي فهرست مطابق د ډېرو رأيو لرونکي ورروستي نوماند پورې اړه مومي.

معيارها را دارا باشد، به حيث شاروال اعلام می گردد. عالی ترين معيارها بالترتيب عبارت اند از:

۱- درجهٔ تحصيل.

۲- تجربهٔ کاری در ادارات دولتی يا غيردولتی.

۳- اقامت بيشتر در شهر مربوط.

(۴)هرگاه شاروال منتخب نتواند، کرسی خود را احراز نمايد يا بنابر دلايلی کرسی خود را در دورهٔ کار شاروالی ترک، وفات يا استعفاء نموده يا مطابق احکام قانون به وظيفهٔ ديگر مقرر يا به حکم قانون از وظيفه عزل گردد و يا طوری معلول يا معيوب شود که به طور دايم مانع اجرای وظيفه گردد، کرسی وی مطابق فهرست مرتبهٔ کميسيون به کانديد بعدی دارای بيشترين آراء تعلق می گيرد.

د ښاروال په توګــه د ګټــونکي نوماند د کار پیل

اووه شپېتمه ماده:

ګټونکی نوماند د ټاکنو د پایلو له اعلان وروسته د لسو ورځو مودې په ترڅ کې په کار پیل کوي.

دیارلسم فصل

د ښاروالۍ د مجلس ټاکنې

د ښاروالۍ مجلس

اته شپېتمه ماده:

د ښاروالۍ د مجلس غړي د اړوند ښار د حوزې د رأیې ورکوونکو په واسطه د څلوروکلونو مودې لپاره ټاکل کېږي.

د ښاروالۍ د مجلــس د څــوکۍ شمېر

نه شپېتمه ماده:

(۱) د ښاروالۍ مجلس لږترلږهٔ د دریو څوکیو لرونکی دی.

(۲) هغه ښاروالۍ چې په دوو نــاحیو تقسیم شوې وي، هره ناحیه د هغې د هرې څوکۍ د ټاکنو لپاره یوه حوزه ده،

آغازکار کانــدید برنــده به حیث شاروال

مادهٔ شصت و هفتم:

کاندید برنــده در خــــلال مــدت ده روز بعـــد از اعـــلام نتـــایج انتخابات به کار آغاز می کند.

فصل سیزدهم

انتخابات مجلس شاروالی

مجلس شاروالی

مادهٔ شصت وهشتم:

اعضای مجلس شاروالی توســط رأی دهندگان حوزهٔ شهر مربوط برای مدت چهار سال انتخاب میگردند.

تعـــداد کرســـی مجلـــس شاروالی

مادهٔ شصت ونهم:

(۱) مجلس شاروالی حد اقــل دارای سه کرسی می باشد.

(۲) شاروالی که به دو ناحیه تقســیم شده باشد، هر ناحیه یک حوزه برای انتخابات هر یک از کرسی هــای آن

د دريېمې څوکۍ لپاره ټول ښار يــوه ټاکنيزه حوزه ده.

(۳) د هغې ښاروالۍ د مجلس لپاره چې له دووڅخه زياتې ناحيې لري، له هرې ناحيې څخه يو تن ټاکل کېږي.

(۴) هغه ښاروالۍ چې په ناحيو تقسيم شوې نه وي، مجلس يې په مجمــوعي توګه، د نفوســود شــمېر او ښــاري خدمتونو ترسره کولو ته په پاملرني سره له احوالو سره سم له (۳) څخه تر (۵) پورې څوکيو لرونکې وي.

(۵) د ښاروالیو د مجلسونو د څوکيو شمېر د هغو د ناحيو د شمېر له په پام کې نيولو سره د سيمه ييزو ارګانونو د ادارې د معلوماتو پربنسټ د کمېسيون په واسطه ټاکل کېږي.

(٦) د کابل ښــاروالۍ د مجلـــس د څوکيو شمېر د هغو د ناحيو د شمېر له په پام کې نيولو سره د کابل ښاروالۍ د معلوماتو پربنسټ د کمېسيون په واسطه ټاکل کېږي.

بوده، برای کرسی سوم تمام شهر یک حوزهٔ انتخاباتی می باشد.

(۳) برای مجلس شاروالی که بیش از دو ناحیه دارد، از هر ناحیه یک نفــر انتخاب می گردد.

(۴) شاروالی که به نواحی تقسیم نشده باشد، مجلس آن بصورت مجموعی با نظرداشـــت تعـــداد نفـــوس و انجام خدمات شهری حسب احــوال دارای (۳) الـــی (۵) کرســـی می باشد.

(۵) تعداد کرسی های مجالس شاروالی ها با نظرداشت تعداد نواحی آنها بــه اساس معلومات ادارهٔ ارگان های محلی توســط کمیســیون معـــین می گردد.

(٦) تعداد کرسی های مجلس شاروالی کابل با نظرداشت تعداد نواحی آن به اساس معلومــات شــاروالی کابــل توســط کمیســیون معـــین می گردد.

د څوکیو اختصاص

اویایمه ماده:

(۱) هغه ښاروالۍ چې د ناحیو لرونکې وي، هره ناحیه یوه ټاکنیزه حوزه منل شوې او د هغو له هرې یوې څخه یو غړی د ښاروالۍ مجلس ته ټاکل کېږي. د رأیې ورکونې د شرایطو لرونکي رأیه ورکوونکي چې په هماغه حوزه کې استوګنه لري او نومونه یې ثبت کړي دي، په نوموړې حوزه کې د رأیې د حق لرونکي دي.

(۲) هغه ښاروالۍ چې په ناحیو تقسیم شوې نه وي، د ښاروالۍ ټوله محدوده یوه ټاکنیزه حوزه پېژندل کېږي. د رأیې ورکونې د شرایطو لرونکي رأیه ورکوونکي چې په هماغې ښاروالۍ کې استوګنه لري او نومونه یې ثبت کړي دي، د رأیې د حق لرونکي دي.

(۳) هغه نوماند چې د اړوندې ښاروالۍ د مجلس په ټاکنوکې یې تر ټولو زیاتې قانوني رأیې لاس ته راوړې وي، د ښاروالۍ د مجلس د غړي په توګه

اختصاص کرسی ها

مادهٔ هفتادم:

(۱) شاروالی که دارای نواحی باشد، هرناحیه یک حوزهٔ انتخاباتی قبول شده و از هرکدام آن یک عضو به مجلس شاروالی انتخاب می گردد. رأی دهندگان واجد شرایط رأی دهی که در همان حوزه سکونت داشته و ثبت نام نموده اند، دارای حق رأی در حوزهٔ مذکور می باشند.

(۲) شاروالی که به نواحی تقسیم نشده باشد، تمام محدودهٔ شاروالی یک حوزهٔ انتخاباتی شناخته می شود. رأی دهندگان واجد شرایط رأی دهی که در همان شاروالی سکونت داشته و ثبت نام نموده اند، دارای حق رأی می باشند.

(۳) کاندیدی که بیشترین آرای قانونی را در انتخابات مجلس شاروالی مربوط بدست آورده باشد، به حیث عضو مجلس شاروالی

پیژندل کیږي.

(۴) د نوماندانو ترمنځ د رأیو د تساوۍ په صورت کې، هغه نوماند چې د لوړو معیارونو لرونکی وي، د ښاروالۍ د مجلس د غړي په توګه اعلانیږي. لوړ معیارونه په ترتیب سره عبارت دي له:

۱- د تحصیل درجه.

۲- په دولتي یا نا دولتي ادارو کې کاري تجربه.

۳- په اړونده ټاکنیزه حوزه کې د استوګنې سابقه.

(۵) که چیرې ټاکل شوی غړی ونه کړای شي خپله څوکۍ احراز کړي یا د ځینو دلایلو له مخې د ښاروالۍ د کار په دوره کې خپله څوکۍ ترک، وفات یا استعفي وکړي یا د قانون د حکمونو مطابق په بله دنده مقرر یا د قانون په حکم خپل غړیتوب له لاسه ورکړي او یا په داسې ډول معلول یا معیوب شي چې د تل لپاره د دندې د اجراء خنډ وګرځي، څوکۍ یې د کمېسیون د ترتیب شوي فهرست مطابق د تر ټولو

شناخته می شود.

(۴) در صورت تساوی آراء میان کاندیدان، کاندیدی که عالیترین معیارها را دارا باشد، به حیث عضو مجلس شاروالی اعلام می گردد. عالی ترین معیارها بالترتیب عبارت اند از:

۱- درجهٔ تحصیل.

۲- تجربهٔ کاری در ادارات دولتی یا غیردولتی.

۳- سابقهٔ سکونت در حوزهٔ انتخاباتی مربوطه.

(۵) هرگاه عضو منتخب نتواند کرسی خود را احراز نماید یا بنابر دلایلی کرسی خود را در دورهٔ کار مجلس شاروالی ترک، وفات یا استعفاء نموده یا مطابق احکام قانون به وظیفهٔ دیگر مقرر یا به حکم قانون عضویت خویش را از دست بدهد و یا طوری معلول یا معیوب گردد که به طور دایم مانع اجرای وظیفه شود، کرسی وی مطابق فهرست مرتبهٔ کمیسیون به کاندید بعدی

زیاتو رأیو لرونکي بل نوماند پورې اړه مومي.

څوارلسم فصل

د ټاکنو تر سره کول

د ټاکنو نېټه

یواویایمه ماده:

(۱) کمېسیون د ټاکنو د تر سره کېدو نېټه لږ تر لږه (۱۸۰) ورځې د ټاکنو د ورځې څخه مخکې اعلانوي. د فرعي ټاکنو سرته رسول له دې امر څخه مستثنیٰ دي.

(۲) کمېسیون د ټاکنو تقویم، د ټاکنو له ورځې څخه لږترلږه (۱۲۰) ورځې دمخه خپروي.

د رأیو ورکوونکو نوملړ (فهرست)

دوه اویایمه ماده:

کمېسیون، د رأی ورکوونکو فهرست، د کمېسیون د معلوماتو ملي مرکز (دیتابېس) ته واردوي او له ټاکنیز تقویم سره په مطابقت کې یې د رأیې ورکولو په اړوندو مرکزونو کې د پوهاوي او اعتراض په منظور عامه لاسرسي ته

دارای بیشترین آراء تعلق می‌گیرد.

فصل چهاردهم

تدویر انتخابات

تاریخ انتخابات

مادهٔ هفتاد و یکم:

(۱) کمیسیون، تاریخ بر گزاری انتخابات را حداقل (۱۸۰) روز قبل از روز انتخابات، اعلام می نماید. برگزاری انتخابات فرعی از این امر مستثنی است.

(۲) کمیسیون تقویم انتخابات را حداقل (۱۲۰) روز قبل از روز انتخابات نشر می نماید.

فهرست رأی دهندگان

مادهٔ هفتاد و دوم:

کمیسیون، فهرست رأی دهندگان را در مرکز ملی معلومات (دیتابیس)کمیسیون، وارد نموده و در مطابقت به تقویم انتخاباتی در مراکز رأی دهی مربوط به منظور آگاهی و اعتراض، به دسترس عامه قرار

ایږدي.

د نوماندۍ غوښتنلیک

دري اویایمه ماده:

(۱) هغه اشخاص چې ځانونه په دې قانون کې درج شوو ټاکنیزو څوکیو ته نوماندوي، مکلف دي په ټاکل شوي وخت کې د خپلې نوماندۍ لیکلی غوښتنلیک د نوم لیکنې په غرض کمېسیون ته وړاندې کړي.

(۲) د نوم لیکنې غوښتنلیک د لاندې مطالبو لرونکی دی:

۱- نوم او مشخصه پته.

۲- د هغه سند کاپي چې د هغهٔ دهویت ښودونکی وي.

۳- په دې قانون کې د درج شوو تعلیمي او تحصیلي سندونو تأیید شوې کاپي.

۴- د نه محکومیت، سن، روغتیایي حالت، منقولې او نا منقولې شتمنۍ، د اصلي او فعلي استوګنې د ځای، د دندې د وروستني ځای او په دې قانون کې د درج شوو نورو مواردو په هکله

می دهد.

درخواست کاندیدی

مادهٔ هفتاد و سوم:

(۱) اشخاصی که خود را به کرسی های انتخابی مندرج این قانون کاندید می نمایند، مکلف اند در زمان تعیین شده، در خواست کتبی کاندیدی خود را غرض ثبت نام به کمیسیون ارائه نمایند.

(۲) درخواست ثبت نام حاوی مطالب ذیل می باشد:

۱- اسم و آدرس مشخص.

۲- کاپی سندی که معرف هویت وی باشد.

۳- کاپی تائید شدهٔ اسناد تعلیمی و تحصیلی مندرج این قانون.

۴- معلومات در مورد عدم محکومیت، سن، حالت صحی، دارائی منقول و غیرمنقول، محل سکونت اصلی و فعلی، آخرین محل وظیفه و سایر موارد مندرج این

معلومات.

۵- د اړوندې ټاکنیزې حوزې د استوګن رأيې ورکوونکي د نومونو فهرست، د نوم لیکنې د کارت ګڼه او د ګوتې نښه چې د شخص نوماند کېدل د رأيې ورکونې په پاڼه کې تأیید کړي او په لاندې ترتیب سره دي:

- د جمهوري ریاست د نوماند لپاره، سل زره رأیه ورکوونکي، لږترلږه له شلو ولایتونوڅخه، لږترلږه هر ولایت څخه دوه سلنه.

- د ولسي جرګې د نوماند لپاره، زر رأیه ورکوونکي.

- په ولسي جرګه کې د کوچي نوماند لپاره، زر تنه کوچي رأیه ورکوونکي.

- په ولسي جرګه کې د هنودو او سکهـ اهل نوماند لپاره، دوه سوه د هنودو او سکهـ رأیه ورکوونکي.

- د ولایتي شورىٰ د نوماند لپاره د نفوسو شمېر ته په پام سره له احوالو سره سم له دوه سوو څخه تر شپږ سوو پورې رأیه ورکوونکي.

- د ولسوالی د شورىٰ د نوماند لپاره د

قانون.

۵- فهرست اسامی، شمارۀ کارت ثبت نام و نشان انگشت رأی دهنده ساکن حوزۀ انتخاباتی مربوطه که کاندید شدن شخص را در ورق رأی دهی تائید نماید و به ترتیب ذیل می باشد:

- برای کاندید ریاست جمهوری، یکصد هزار رأی دهنده، حداقل از بیست ولایت، حداقل از هر ولایت دو فیصد.

- برای کاندید ولسی جرگه، یک هزار رأی دهنده.

- برای کاندید کوچی در ولسی جرگه، یک هزار رأی دهندۀ کوچی.

- برای کاندید اهل هنود و سکهـ، در ولسی جرگه دوصد رأی دهندۀ اهل هنود و سکهـ.

- برای کاندید شورای ولایتی، بانظرداشت تعداد نفوس حسب احوال از دوصد الی ششصد رأی دهنده.

- برای کاندید شورای ولسوالی، با

نفوسو شمېر ته په پام سره له احوالــو سره سم له سلو څخه تر درې ســوو پورې رأيه ورکوونکي.

– د کلي د شورىٰ د نوماند لپاره، لس رأيه ورکوونکي.

– د ښاروالۍ د نوماند لپاره، د لومړۍ درجې ولايتونو په مرکزکــې دوه زره، دوه يمه درجه ولايتونه زر او په درېيمه درجه ولايتونوکې پنځه سوه او نــورو ښاروالیو ته دوه سوه پنځــوس رأيــه ورکوونکي.

– د ښاروالۍ د مجلس د نوماند لپاره د لومړۍ درجې ولايتونو په مرکزکې زر، په دوه يمه درجه ولايتونوکې پنځه سوه او په درېيمه درجه ولايتونوکې دوه سوه پنځوس او دنورو ښاروالیو دمجلسونو لپاره، يوســلو پنځــه ويشــت رأيــه ورکوونکي.

۶– د قانون د حکمونو مطابق له دولتي دندو څخه د استعفي په اړه د رســمي سند وړاندې کول.

(۳) د جمهوري رياست نوماند د خپلو دوو مرستيالانو نومونه چې په دې قانون

درنظرداشت تعداد نفوس حسب احوال از يکصــد الـــى ســـه صـــد رأی دهنده.

– برای کانديد شورای قريه، ده رأی دهنده.

– برای کانديد شاروالی، در مرکــز ولايات درجه اول دو هزار، ولايــات درجه دوم يک هزار، در ولايات درجه ســوم پنجصــد و بــرای ســاير شــاروالی هــا دوصــد و پنجــاه رأی دهنده.

– برای کانديد مجلس شــاروالی، در مرکز ولايات درجه اول يک هــزار، ولايات درجه دوم پنجصد، در ولايات درجــه ســوم دو صــد و پنجــاه و بــرای مجلــس ســاير شــاروالی هــا يکصــد و بيســت و پــنج رأی دهنده.

۶– ارائهٔ سند رسمی مبنی بر استعفاء از وظايف دولتــی مطــابق احکــام قانون.

(۳) کانديد رياست جمهوری نام های دو معاون خــود را که واجــد شرايط

کې د درج شوو شرايطو لرونکي وي، د ځان له نوماندولو سره په يوه وخت کې کمېسيون ته وړاندې کوي.

(۴) نوماندان مکلف دي، د دمخه شرط شوې پيسې په لاندې ترتيب سره ورکړي:

۱- د جمهوري رياست نوماند، يو ميليون افغانۍ. دغه مبلغ د ګټلو يا د ټاکنو په لومړي دورکې د کارول شوو قانوني رأيو د لږترلږه لس سلنې د لاس ته راوړلو په صورت کې نوماند ته اعاده کېږي.

۲- د ولسي جرګې نوماند، دېرش زره افغانۍ. دغه مبلغ د ګټلو يا د قانوني رأيو د لږترلږه دوه سلنې د لاس ته راوړلو په صورت کې نوماند ته اعاده کېږي.

۳- د ولايتي شورئ نوماند، شل زره افغانۍ. دغه مبلغ د ګټلو يا د کارول شوو قانوني رأيو د لږترلږه دوه سلنې د لاس ته راوړلو په صورت کې نوماند ته اعاده کېږي.

۴- د ولسوالۍ د شورئ نوماند، لس

مندرج اين قانون باشند، همزمان با کانديد شدن خود به کميسيون ارائه می نمايد.

(۴) کانديدان مکلف اند، پول پيش شرط را به ترتيب ذيل تأديه نمايند:

۱- کانديد رياست جمهوری، مبلغ يک ميليون افغانی. اين مبلغ در صورت برنده شدن يا کسب حداقل ده فيصد آرای قانونی استعمال شده در دور اول انتخابات به کانديد اعاده می گردد.

۲- کانديد ولسی جرگه، مبلغ سی هزار افغانی. اين مبلغ در صورت برنده شدن يا کسب حداقل دو فيصد آراء قانونی، به کانديد اعاده می گردد.

۳- کانديد شورای ولايتی، مبلغ بيست هزار افغانی. اين مبلغ در صورت برنده شدن يا کسب حداقل دو فيصد آرای قانونی استعمال شده به کانديد اعاده می گردد.

۴- کانديد شورای ولسوالی، مبلغ ده

زره افغانۍ. دغه مبلغ د ګټلو یا د کارول شوو قانوني رأیو د لږترلږهٔ دوه سلنې د لاس ته راوړلو په صورت کې نوماند ته اعاده کیږي.

۵- د کلي شورې نوماند، پنځه زره افغانۍ، دغه مبلغ د ګټلو یا د کارول شوو قانوني رأیو د لږترلږه دوه سلنې د لاس ته راوړلو په صورت کې نوماند ته اعاده کیږي.

٦- د لومړۍ درجې ولایتونو د ښاروالیو نوماند، سل زره افغانۍ، د دوه یمې درجې ولایتونو د ښاروالۍ نوماند، پنځوس زره افغانۍ، د دریيمې درجې ولایتونو د ښاروالۍ نوماند، پنځه ويشت زره افغانۍ او د نورو ښاروالیو نوماندان، دوولس زره او پنځه سوه افغانۍ. دغه مبالغ د لومړۍ درجې ولایتونو د ښاروالۍ د نوماند لپاره د ګټلو یا د کارول شوو قانوني رأیو د لږترلږهٔ پنځه سلنې د دوه یمې درجې ولایتونو د ښاروالۍ د نوماند لپاره د کارول شوو قانوني رأیو د درې سلنې، د دریيمې درجې ولایتونو د ښاروالۍ

هزارافغانی. این مبلغ در صورت برنده شدن یا کسب حداقل دو فیصد آرای قانونی استعمال شده به کاندید اعاده می گردد.

۵- کاندید شورای قریه، مبلغ پنج هزار افغانی. این مبلغ در صورت برنده شدن یا کسب حد اقل دو فیصد آرای قانونی استعمال شده به کاندید اعاده می گردد.

٦- کاندید شاروالی ولایات درجه اول، مبلغ یکصد هزار افغانی، کاندید شاروالی ولایات درجه دوم مبلغ پنجاه هزار افغانی، کاندید شاروالی ولایات درجه سوم مبلغ بیست وپنج هزار افغانی و هر کاندید سایر شاروالی ها مبلغ دوازده هزار و پنجصد افغانی. این مبالغ در صورت برنده شدن یا کسب حد اقل پنج فیصد آرای قانونی استعمال شده برای کاندید شاروالی ولایات درجه اول، سه فیصد آرای قانونی استعمال شده برای کاندید شاروالی ولایات درجه دوم، دو فیصد آرای قانونی

نوماند لپاره د کارول شوو قانوني رأیو د دوه سلنې او د نورو ښاروالیو نوماند ته د کارول شووقانوني رأیو د یوې سلنې د لاس ته راوړلو په صورت کې اعاده کېږي.

۷- د لومړۍ درجې ولایتونو د ښاروالۍ د مجلس نوماند شل زره افغانۍ، د دوه یمې درجې ولایتونو د ښاروالۍ د مجلس نوماند لس زره افغانۍ، د درییمې درجې ولایتونو د ښاروالۍ د مجلس نوماند پنځه زره افغانۍ او د نورو ښاروالیو د مجلسونو نوماند دوه زره پنځه سوه افغانۍ. دغه مبالغ د لومړۍ درجې ولایتونو د ښاروالۍ د مجلس د نوماند لپاره د ګټلو یا د کارول شوو قانوني رأیو د لږترلږهٔ څلور سلنې، د دوه یمې درجې ولایتونو دښاروالۍ دمجلس د نوماند لپاره د کارول شوو قانوني رأیو د درې سلنې، د دریيمې درجې ولایتونو د ښاروالۍ د مجلس د نوماند لپاره د کارول شوو قانوني رأیو د دوه سلنې او د نورو ښاروالیو د مجلس د نوماند لپاره د

استعمال شده برای کاندید شاروالی ولایات درجه سوم و یک فیصد آرای قانونی استعمال شده برای کاندید سایر شاروالی ها اعاده می گردد.

۷- کاندید مجلس شاروالی ولایات درجه اول مبلغ بیست هزارافغانی، کاندید مجلس شاروالی ولایات درجه دوم مبلغ ده هزارافغانی، کاندید مجلس شاروالی ولایات درجه سوم مبلغ پنج هزار افغانی و کاندید مجلس سایر شاروالی ها مبلغ دو هزار و پنجصد افغانی. این مبالغ در صورت برنده شدن یا کسب حد اقل چهارفیصد آرای قانونی استعمال شده برای کاندید مجلس شاروالی ولایات درجه اول، سه فیصد آرای قانونی استعمال شده برای کاندید مجلس شاروالی ولایات درجه دوم، دو فیصد آرای قانونی استعمال شده برای کاندید مجلس شاروالی ولایات درجه سوم و یک فیصد آرای قانونی

کارول شوو قانوني رأيو د يوې سلنې د لاس ته راوړلو په صورت کې اعـاده کېږي.

(۵) کمېسيون مکلـف دی، د هغـو نوماندانو د دمخه شرط شوې پيسې چې ددې مادې په (۴) فقره کـې د درج شوو قانوني رأيو سلنه (فيصدي) يـې لاس تـه نـدي راوړي، د دولـت د ورداتو په حساب بانک تـه تحويـل کړي.

د نوماندانو نوملړ (فهرست)

څلور اويايمه ماده:

(۱) کمېسيون مکلف دی، د نوماندۍ دورې له پای ته رسېدو وروسته، په لنډ وخت کې د نوماندانو لومړنی نـوملړ خپور کړي.

(۲) هغه اشخاص چې د نومانـدانو د ابتدايي نوملړ په هکله اعتراض ولري، کولای شي خپل اعتراض دهغـه لـه خپرېدو وروسته زيات نه زيات د دوو اوونيو مودې په ترڅ کې دشـکايتونو کمېسيون ته وړانـدې کـړي. دغـه

استعمال شده برای کانديـد مجلـس سـاير شـاروالی هـا اعـاده می گردد.

(۵) کميسيون مکلف است، پول پيش شرط کانديـدانی را کـه فيصـدی آرای قـانونی منـدرج فقـرهٔ (۴) ايـن مـاده را بدسـت نيـاورده انـد، بـه حسـاب واردات دولـت تحويـل بانـک نمايد.

فهرست کانديدان

مادهٔ هفتاد و چهارم:

(۱) کميسيون مکلف است، بعـد از ختم دوره کانديدی، به اسرع وقـت فهرست ابتدائی کانديدان را به نشـر برساند.

(۲) اشخاصی کـه در مورد فهرست ابتدائی کانديدان اعتراض داشته باشند، می تواننـد اعتـراض خـويش را در خـلال مدت حد اکثر دو هفته بعد از نشـر آن بـه کميسـيون شـکايات ارائـه نماينـد. ايـن اعتراضـات

اعتراضونه د اړوندې کړنلارې مطابق تررسيدګۍ لاندې نيول کېږي او په دې برخه کې د شکايتونو د مرکزي کمېسيون تصميم نهايي (وروستنی) دی.

(۳) د کانديدانو وروستنی نوملړ د شکايتونو د مرکزي کمېسيون له خوا د ټولو اعتراضونو له رسيدګۍ وروسته، د کمېسيون له خوا خپرېږي، دغه نوملړ د تغيير وړ نه دی.

(۴) کمېسيون مکلف دی، د ټاکنو د ترسره کېدو په ورځ د نوماندانو وروستنی نوملړ د رأيې ورکونې په مرکزونو کې نصب کړي.

له نوماندۍ څخه انصراف

پنځه اويايمه ماده:

(۱) که چېرې نوماند له خپلې نوماندۍ څخه منصرف شي، مکلف دی په ټاکنيز تقويم کې له ټاکلې نېټې دمخه، موضوع په ليکلې توګه کمېسيون ته خبر ورکړي.

(۲) که چېرې نوماند په ټاکنيز تقويم کې له ټاکلې نېټې وروسته، له خپلې

مطابق طرزالعمل مربوط مورد رسيدگی قرار گرفته و تصميم کميسيون مرکزی شکايات در زمينه نهائی می‌باشد.

(۳) فهرست نهايی کانديدان بعد از رسيدگی به تمام اعتراضات توسط کميسيون مرکزی شکايات از جانب کميسيون به نشر می رسد، اين فهرست غير قابل تغيير است.

(۴) کميسيون مکلف است، در روز برگزاری انتخابات فهرست نهايی کانديدان را در مراکز رأی دهی نصب نمايد.

انصراف از کانديدی

مادهٔ هفتاد و پنجم:

(۱)هرگاه کانديد از کانديدی خود منصرف شود، مکلف است قبل از تاريخ معينه در تقويم انتخاباتی، موضوع را کتباً به کميسيون اطلاع دهد.

(۲) هرگاه کانديد بعد از تاريخ معينه در تقويم انتخاباتی، از کانديدی خود

نوماندی څخه انصراف یا وفات شي یا د هغهٔ نوم د شکایتونو د کمېسیون له خوا د نوماندانو له نوملړ څخه حذف شي، د رأیو دشمېرلو په وخت کې، په هغهٔ پورې اړوندې رأیې د محاسبې وړ نه دي.

(۳) یوازې د هغه کاندید د دمخه شرط پیسې د اعادې وړ دي چې د ټاکنیز تقویم مطابق انصراف وکړي او یا وفات شي.

د ټاکنیزو مبارزو موده

شپږاویایمه ماده:

(۱) د نوماندانو لپاره د ټاکنیزو مبارزو موده په لاندې ترتیب سره ټاکل کېږي:

۱- د جمهوري ریاست ټاکنې ٦۰ورځې.

۲- د ولسي جرګې ټاکنې۲۰ ورځې.

۳- د ولایتي شورئ ټاکنې ۲۰ ورځې.

۴- د ولسوالۍ شورئ ټاکنې ۱۵ ورځې.

انصراف یا وفات نماید، یا اسم وی از طرف کمیسیون شکایات از فهرست کاندیدان حذف گردد، حین شمارش آراء، آرای مربوط به وی قابل محاسبه نمی باشد.

(۳) صرف پول پیش شرط کاندیدی که مطابق تقویم انتخاباتی انصراف کند و یا وفات شود، قابل اعاده می باشد.

میعاد مبارزات انتخاباتی

مادهٔ هفتاد و ششم:

(۱) میعاد مبارزات انتخاباتی برای کاندیدان به ترتیب ذیل تعیین می گردد:

۱- انتخابات ریاست جمهوری ٦۰ روز.

۲- انتخابات ولسی جرگه ۲۰ روز.

۳- انتخابات شورای ولایتی۲۰ روز.

۴- انتخابات شورای ولسوالی ۱۵ روز.

۵- د کلي شورئ ټاکنې ۷ ورځې.
۶- د ښاروال او ښاروالیو د مجلسونو ټاکنې ۲۰ ورځې.
(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوې موده د ټاکنو دورځې له پیل څخه (۴۸) ساعته دمخه، پای ته رسېږی.
(۳) د ټاکنیزو مبارزو ډول په ځانګړې کړنلاره کې تنظیمېږي.

د ټاکنیزو لګښتونو حدود

اووه اویایمه ماده:

(۱) د جمهوري ریاست، ولسي جرګې، ولایتي، ولسوالۍ او کلي شوراګانو، ښاروال او د ښاروالۍ د مجالسو د څوکیو د نوماندانو د لګښتونو حدود د رأیې ورکونې د شرطونو لرونکو د شمېر، د اړوندې ټاکنیزې حوزې جغرافیایي مساحت او موقعیت ته په کتو سره د هغه کړنلارې مطابق چې د کمېسیون له خوا وضع کېږي، مشخصېږي.
(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې ددرج شوو ټاکنیزو څوکیو نوماندان مکلف

۵- انتخابات شورای قریه ۷ روز.
۶-انتخابات شاروال و مجالس شاروالی ها ۲۰ روز.
(۲) مدت مندرج فقرهٔ (۱) این ماده (۴۸) ساعت قبل از آغاز روز انتخابات، ختم می شود.
(۳) طرز مبارزات انتخاباتی توسط طرزالعمل جداگانه تنظیم می گردد.

حدود مصارف انتخاباتی

مادهٔ هفتاد و هفتم:

(۱) حدود مصارف کاندیدان کرسی های ریاست جمهوری، ولسی جرگه، شوراهای ولایتی، ولسوالی و قریه، شاروالی و مجالس شاروالی به تناسب اشخاص واجد شرایط رأی دهی، مساحت و موقعیت جغرافیائی حوزهٔ انتخاباتی مربوطه، مطابق طرزالعملی که از طرف کمیسیون وضع می گردد، مشخص می شود.
(۲) کاندیدان کرسی های انتخابی مندرج فقرهٔ (۱) این ماده مکلف اند،

دي، په ټاکنيزو مبارزو کې د تمويل له سرچينو، د خپلو لګښتونو د حدودو او مواردو څخه کمېسيون ته کره رپوټ وړاندې کړي.

(۳) ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي نوماندان نه شي کولای له بهرنيو اتباعو يا دولتونو او يا په افغانستان کې مېشتو د بهرنيو هېوادونو له سياسي نمايندګيو څخه مالي او تخنيکي مرستې ومني يا يې ترلاسه کړي.

(۴) رسنۍ که څه غږيزې، انځوريزې، چاپي او الکترونيکي دي، مکلفې دي، له هغو پيسو څخه چې د ټاکنيزو مبارزو په وخت کې يې ددې مادې په (۱) فقره کې له درج شوو نوماندانو څخه اخلي، کمېسيون ته رپوټ وړاندې کړي.

دنوماندانو د موخو خپرول او نشر

اته اويايمه ماده:

(۱) د ټاکنيزو مبارزو په بهيرکې، تلوېزيون، راديو، ورځپاڼې، جريدې او نورې ټوليزې رسنۍ کولای شي د نوماندانو مرامنامې، نظريې او موخې د

از منابع تمويل، حدود و موارد مصارف خويش در مبارزات انتخاباتی به کميسيون گزارش دقيق ارائه نمايند.

(۳) کانديدان مندرج فقرۀ (۱) اين ماده نمی توانند از اتباع يا دول خارجی و يا نمايندگی های سياسی کشور های خارجی مقيم افغانستان مساعدت های مالی را قبول يا دريافت نمايند.

(۴) رسانه ها اعم از صوتی، تصويری، چاپی و الکترونيکی مکلف اند، از مبالغی که حين مبارزات انتخاباتی از کانديدان مندرج فقرۀ (۱) اين ماده اخذ می کنند، به کميسيون گزارش ارائه نمايند.

پخش و نشر اهداف کانديدان

مادۀ هفتاد و هشتم:

(۱) در جريان مبارزات انتخاباتی، تلويزيون، راديو، روزنامه ها، جرايد و ساير رسانه های همگانی می توانند مرامنامه ها، نظريات و اهداف

کمېسیون له خــوا د وضــع شــوې کړنلارې مطابق، په منصفانه او ناپلوۍ توګه خپرې او نشر کړي.

(۲) دولتي ټولیزي رسنۍ مکلفې دي، د نوماندانو نظریې، موخې او مرامنامې د کمېسیون د کړنلارې په پام کې نیولو سره په منصفانه او نا پلوۍ توګه خپرې او نشر کړي.

(۳) ټولیزې رسنۍ مکلفې دي، د ټاکنو د ورځې له پیل څخــه (۴۸) ســاعته دمخه په ټاکنیزو مبارزو پورې د اړوندو فعــالیتونو خپــرول او نشــرول ودروي.

(۴) د ټاکنیزو مبارزو دول اود مــالي چارو څرنګوالی یې، د جلا کړنلارې په واسطه تنظیمېږي.

د تبلیغاتي موادو لرې کول

نه اویایمه ماده:

کمېسیون، د ټاکنو له ورځــې څخــه (۴۸) ساعته دمخه د تبلیغاتي موادو د لرې کولو لپاره چې د رأیې ورکونې په سل متری کې نندارې ته ایښودل شوي

کاندیدان را مطابق طرزالعمل وضــع شده توسط کمیسیون، طور منصفانه و بیطرفانه پخش و نشر نمایند.

(۲) رسانه های همگانی دولتی مکلف اند نظریــات، اهــداف و مرامنامــهٔ کاندیدان را با نظرداشت طرزالعمــل کمیسیون، طورمنصــفانه و بیطرفانــه پخش و نشر نمایند.

(۳) رسانه های همگانی مکلف انــد، (۴۸) ســـاعت قبـــل از آغـــاز روز انتخابـــات، پخـــش و نشـــر فعالیـــت هـــای مربـــوط بـــه مبارزات انتخاباتی را متوقف سازند.

(۴) چگونگی امور مــالی مبــارزات انتخابــاتی و ارائــه گــزارش آن در طرزالعمل جداگانه تنظیم می گردد.

بر داشتن مواد تبلیغاتی

مادهٔ هفتاد و نهم:

کمیسیون، (۴۸) ساعت قبل از روز انتخابات جهت برداشتن مواد تبلیغاتی که در صد متری مراکز رأی دهی بــه نمایش گذاشته شده باشــد، دســتور

وي، دستور ورکوي.

د رأیې ورکونې په مرکزونوکې د وسلې د لېږدولو منع

اتیایمه ماده:

هېڅ شخص نه شي کولای ناریه یا جارحه وسله د رأیې ورکونې په مرکزونو او د هغو په ماحول کې وګرځوي. امنیتي مسئولین د کمېسیون له کړنلارې سره په مطابقت کې له دې امرڅخه مستثني دي.

د رأیې ساتنه

یو اتیایمه ماده:

کمېسیون مکلف دی، د رأیې له پاڼې، صندوق او نورو ټاکنیزو موادو څخه له ناوړې ګټې اخیستنې څخه د مخنیوي په منظور د رأیې ورکونې له ورځې دمخه او وروسته هغه تدبیرونه چې د څارونکي او کتونکي په حضُورکې د هغو بسته بندي، مُهر، په نبنه کول، د ترلو ډول، لېږدول، ساتنه او د هغو د پرانیستلو څرنګوالی پکې شامل دي، د جلا کړنلارې مطابق ونیسي.

می دهد.

منع حمل سلاح در مراکز رأی دهی

مادهٔ هشتادم:

هیچ شخص نمی تواند، سلاح ناریه یا جارحه را در مراکز رأی دهی و ماحول آنها حمل نماید. مسئولین امنیتی در مطابقت به طرزالعمل کمیسیون از این امر مستثنی می باشند.

حفاظت رأی

مادهٔ هشتاد و یکم:

کمیسیون مکلف است، به منظور جلوگیری از سوء استفاده از ورق رأی، صندوق و سایر مواد انتخاباتی قبل و بعد از روز رأی دهی، تدابیری را که شامل بسته بندی، مهر، علامه گذاری، طرز بستن، انتقال، نگهداری و چگونگی باز نمودن آن در حضورداشت ناظرین و مشاهدین می-باشد، مطابق طرزالعمل جداگانه اتخاذ نماید.

د رأيې ورکونې پاڼه

دوه اتيايمه ماده:

(۱) کمېسيون، د ټاکنيز تقويم مطابق د رأيې ورکونې د پاڼو يا بل هغه ورته سند چې د کمېسيون په واسطه مشخصېږي، په برابرولو لاس پورې کوي.

(۲) د رأيې ورکونې پاڼه د ځانګړو نښنو لرونکې ده چې د کمېسيون له خوا ټاکل کېږي.

(۳) د رأيې ورکونې د پاڼې ډول او شمېر او د هغې نور مشخصات د کمېسيون له خوا په داسې ډول ټاکل کېږي چې رأيه ورکوونکی وکړای شي، خپله رأيه د نظر وړ نوماند ته په اسانۍ او له تېروتنې پرته استعمال کړي.

(۴) د رأيې ورکونې په پاڼه کې د نوماندانو او د هغوی د تصويرونو د ځای ترتيبول او تشخيصول او نوماندانو ته د ټاکنيزو نښانونو وېش، د قرعې (پچې) په واسطه د کمېسيون له خوا تنظيمېږي.

(۵) کمېسيون د نوماند د ځانګړنو د

ورق رأی

مادهٔ هشتاد و دوم:

(۱) کميسيون، مطابق به تقويم انتخاباتی به تهيهٔ اوراق رأی دهی يا سند مماثل ديگری که توسط کميسيون مشخص می گردد، اقدام می نمايد.

(۲) ورق رأی دهی دارای علامات خاص بوده که از طرف کميسيون تعيين می گردد.

(۳) شکل و تعداد ورق رأی دهی و ساير مشخصات آن توسط کميسيون طوری تعيين می گردد که رأی دهنده بتواند، رأی خويش را به کانديد مورد نظر به سهولت و بدون اشتباه استعمال نمايد.

(۴) ترتيب و تشخيص جايگاه کانديدان و تصوير آنها در ورق رأی دهی و توزيع نشانه های انتخاباتی برای کانديدان توسط قرعه از طرف کميسيون تنظيم می گردد.

(۵) کميسيون مهلت تصحيح

تصحیح مهلت په ټاکنیز تقویم کې ټاکي.

د څارونکي او کتونکي حقوق او مکلفیت

دري اتیایمه ماده:

(۱) کورنی څارونکی او کتونکی د لاندې حقوقو لرونکی دی:

۱- له کمېسیون څخه د اعتبارلیک ترلاسه کول.

۲- د ټاکنو په بهیر، د رأیې ورکونې په مرکزونو او ځایونو او د رأیو په شمېرنه کې حضُور.

۳- د اړوندې کړنلارې مطابق، معلوماتو ته لاس رسی.

۴- د ټاکنیزې سرغړونې او جرم د لیدل کېدو په صورت کې اړوندې مرجع ته د څارونکي له خوا د اعتراض یا شکایت وړاندې کول.

۵- د کتونکي په واسطه د ټاکنو له بهیرڅخه د رپوټ برابرول.

(۲) نړیوال څارونکي او کتونکي د ټاکنو د بهیر په اړه معلوماتو ته د

مشخصات کاندید را در تقویم انتخاباتی تعیین می نماید.

حقوق و مکلفیت ناظر و مشاهد

مادۀ هشتاد و سوم:

(۱) ناظر و مشاهد داخلی دارای حقوق ذیل می باشند:

۱- کسب اعتبار نامه از کمیسیون.

۲- حضور در روند انتخابات، مراکز و محلات رأی دهی و شمارش آراء.

۳- دسترسی به معلومات مطابق طرزالعمل مربوط.

۴- تقدیم اعتراض یا شکایت از طرف ناظر به مرجع مربوط در صورت مشاهدۀ تخلف و جرم انتخاباتی.

۵- تهیۀ گزارش از روند انتخابات توسط مشاهد.

(۲) مشاهدین و ناظرین بین المللی حق دسترسی به معلومات در مورد روند

لاسرسي د حق لرونکي دي.
(۳) نړیوال څارونکي او کتونکي کولای شي، په ټاکلي موده کې د ټاکنو د بهير په اړه په ناپلوۍ سره رپوټ برابر او هغه کمېسيون، حکومت، د ملګرو ملتونو نمايندګۍ دفتر او رسنيو ته وړاندې کړي او د شکايتونو کمېسيون ته د اعتراض او شکايت د حق لرونکي دي.
(۴) څارونکی او کتونکی د لاندې مکلفيتونو لرونکي دي:
۱- ددې قانون، نورو نافذه تقنيني سندونو او اړوندو کړنلارو د حکمونو په پام کې نيول.
۲- دکتونکي (مشاهد) په واسطه د رپوټ دبرابرولو او د څارونکي (ناظر) له خوا دشکايت د درجولو په وخت کې د واقعيت د اصل په پام کې نيول.
۳- له پروپاګند او د جنجال له جوړولو څخه ډډه کول.
۴- په اړوندو کړنلارو کې د نورو اټکل شوو مواردو په پام کې نيول.
(۵) که چېرې د رأيو د شمېرلو په وخت کې ناظر او مشاهد حاضر نه

انتخابات را دارا می باشند.
(۳) مشاهدین و ناظرین بین المللی می توانند در موعد معینه از روند انتخابات طور بی طرفانه گزارش تهیه و آن را به کمیسیون، حکومت، نمایندگی دفتر ملل متحد و رسانه ها ارائه نمایند و حق اعتراض و شکایت را به کمیسیون شکایات دارا می باشند.
(۴) ناظر و مشاهد دارای مکلفیت های ذیل می باشند:
۱- رعایت احکام این قانون، سایراسناد تقنینی نافذه و طرزالعمل های مربوط.
۲- رعایت اصل واقعیت حین تهیهٔ گزارش توسط مشاهد و درج شکایت توسط ناظر.
۳- خود داری از شایعه پراگنی و ایجاد تشنج.
۴- رعایت سایر موارد پیشبینی شده در طرزالعمل های مربوطه.
(۵) هرگاه ناظر و مشاهد حین شمارش آراء حاضر نباشند، مسئول

وي، د رأيې ورکونې د مرکز مسئول دې د رأيو په شمېرلو لاس پورې کړي، د ناظر او مشاهد نه حضـور دې پـه ژورنال کې ثبت کړي.

(٦) هېڅ شخص حق نلري چې ناظر او مشاهد د رأيې ورکونې او د رأيـو د شمېرلو له ځای څخه وباسي، خـو دا چې د رأيو شمېرلو صورت موندلی وي او د رأيو صندوقونه مهر او لاک شوي وي.

د رأيې ورکونې موده

څلور اتيايمه ماده:

(۱) د ټاکنو د تقويم مطـابق د رأيـې ورکونې پيل او پای د کمېسيون له خوا ټاکل کېږي.

(۲) د رأيې ورکونې د محـل رئـيس مکلف دی، د ټاکل شوي ساعت له پای ته رسېدو وروسته، د رأيې ورکوونکو د کتار (صف) آخر په نښه او هغوی ته د رأيې د استعمال اجازه ورکړي.

(۳) د رأيې ورکـونې څرنګـوالی د کمېسيون له کړنلارې سره په مطابقت

مرکـز رأی دهـی بـه شـمارش آراء اقدام نمـوده، عـدم حضـور ناظـر و مشاهـد را در ژورنال ثبت نماید.

(٦) هیچ شخص حق ندارد، نـاظر و مشاهد را از محل رأی دهی و شمارش آراء خارج نماید، مگر اینکه شمارش آراء صورت گرفته و صندوق هـای رأی مهـر و لاک گردیـده باشد.

میعاد رأی دهی

مادۀ هشتاد و چهارم:

(۱) آغاز و ختم رأی دهی مطابق به تقویم انتخابات، از طرف کمیسـیون تعیین می گردد.

(۲) رئیس محـل رأی دهی مکلف است، بعد از پایان یافتن ساعت تعیین شده، آخر صـف رأی دهنـدگان را نشانی و به آنها اجازۀ استعمال رأی را بدهد.

(۳) نحوه رأی دهی در مطابقت بـه طرزالعمـل کمیسـیون صـورت

کې صورت مومي.

(۴) کمېسيون کولای شي د اړتيا په صورت کې، د رأيې ورکونې موده په يوه يا څو مرکزونو او يا حوزه کې زيات نه زيات تر دوو ساعتونو پورې يا د هغو کسانو د رأيې ورکونې تر پای پورې چې د رأيې ورکولو په تمه د رأيې ورکوونکو په کتار کې دي، تمديد کړي.

(۵) په ټاکنيزو محلونو يا مرکزونو کې د شورش، تشدد، طوفان، سېلاب يا نورو نه اټکل کېدونکو (غيرمترقبه) پېښو د پېښېدو په صورت کې چې د رأيې ورکونې بهير ناشونی يا سخت کړي، د رأيې ورکونې د مرکز رئيس مکلف دی رأيه ورکونه ودروي او په لنډ وخت کې د کمېسيون د لارښوونې غوښتونکی شي.

(٦) که چېرې په هر دليل له هغه جملې څخه د رأيې ورکولو د پاڼو د خلاصېدلو په صورت کې، د رأيې ورکولو بهير ودرېږي، د کمېسيون کارکوونکي او مسئول امنيتي چارواکي

می گيرد.

(۴) کميسيون می تواند در صورت ضرورت، ميعاد رأی دهی را در يک يا چندين مرکز و يا حوزه، حد اکثر الی دو ساعت يا تا زمان ختم رأی دادن کسانی که در صف رأی دهندگان در انتظار رأی دادن هستند، تمديد نمايد.

(۵) در صورت وقوع شورش، تشدد، طوفان، سيلاب يا ساير حوادث غير مترقبه در محلات و مراکز انتخاباتی که جريان رأی دهی را ناممکن يا دشوار سازد، رئيس مرکز رأيدهی مکلف است رأی دهی را متوقف و به اسرع وقت طالب هدايت از کميسيون گردد.

(٦) هرگاه بنا به هر دليلی از جمله تمام شدن اوراق رأی دهی، جريان رأی دهی متوقف شود، کارکنان کميسيون و مقامات امنيتی مسئول نمی توانند ناظرين و مشاهدين

نشي کولای د صندوقونو لــه ســره کتونکي او څارونکي لرې کړي.

د رأيو شمېرنه

پنځه اتيايمه ماده:

(۱) د رأيو شميرنه د رأيي ورکولو په محل کې او د څارونکو په حضور کې صورت مومي.

(۲) کمېسيون د رأيو شمېرنې لومړنی، قسمي او ابتــدايي پــايلې د محــل، مرکـــز او حـــوزې پــــه تفکيـــک اعلانوي.

(۳) د رأيې ورکونې د مرکز مســئول مکلف دی، د رأيو شمېرنې د پــايلو فورمې لږ تر لږه په پنځو نقلونو کې په لاندې ډول ترتيب کړي:

۱- د هغو اصل په ساتنيزو خريطو کې کمېسيون ته لېږي.

۲- د هغو يو نقل د رأيې ورکونې په صندوق کې ږدي.

۳- د هغو يو نقل د رأيو د شمېرنې په مرکز کې نصبوي.

۴- د هغو يــو نقــل د شــکايتونو د

را از صـــــندوق هــــای رأی دهی دور نمایند.

شمارش آراء

مادۀ هشتاد و پنجم:

(۱) شمارش آراء در محل رأی دهی و در حضـــور نـــاظرین صـــورت می گیرد.

(۲) کمیسیون نتایج اولیه، قســمی و ابتدایی شمارش آراء را بــا تفکیــک محل، مرکز و حوزۀ انتخاباتی اعــلام می نماید.

(۳) مسئول مرکز رأی دهی مکلــف است، فورمه های نتایج شمارش آراء را حداقل در پنج نقل طور ذیل ترتیب و اجراآت نماید:

۱- اصــل آن را در خریطــه هــای محافظتی به کمیسیون می فرستد.

۲- یک نقل آن را در داخل صندوق رأی دهی می گذارد.

۳- یک نقل آن را در مرکز شمارش آراء نصب می نماید.

۴-یک نقل آن را به کمیسیون ولایتی

کمېسيون ولايتي دفتر ته سپاري.
۵- د هغو يو نقل هغه نوماند ته چې په هغه محل کې يې تر ټولو ډېرې رأيــې ترلاسه کړې دي، ورکوي.
(۴) د شکايتونو ولايتــي کمېســيون مکلف دی، د غوښتنې په صورت کې د پايلو د فورمو کاپي د اړوندې حوزې د نوماندانو يا د هغوی د څــارونکو او کتونکو لاسرسي ته کېږدي.
(۵) د رأيــې شــمېرنې ډول د جــلا کړنلارې په واسطه تنظيمېږي.

قرنطين

شپږاتيايمه ماده:

(۱) کمېسيون مکلف دی، د مؤجــه شکايت يا د رأيې د پــاڼې لرونکــو صــندوقونو پــه اړه د تقلــب يــا مشهودو علائمو د شتون په صورت کې نومــوړي صــندوقونه قـــرنطين کړي.
(۲) کمېسيون مکلــف دی، قــرنطين شوي صندوقونه د څارونکو، کتونکو، رسنيو او د نوماندانو د استازو په حضُور

شکايات تسليم می نمايد.
۵- يک نقل آن را به نــامزدی کــه بيشترين آراء را در آن محل کســب نموده است، می دهد.
(۴) کميسيون ولايتی شکايات مکلف است، در صــورت تقاضــا، کــاپی فورمه های نتــايج را بــه دســترس کانديدان حوزۀ مربوط يا ناظرين آنها و مشاهدين قراردهد.
(۵) نحوۀ شمارش آراء در طرزالعمل جداگانه تنظيم می گردد.

قرنطين

مادۀ هشتاد و ششم:

(۱) کميسيون مکلــف اســت، در صورت موجوديت شکايت مؤجه يــا علائم مشهود مبنی بر ارتکاب تخلف يا جرم در رابطه به صندوق های حاوی ورق رأی، صندوق های مــذکور را قرنطين نمايد.
(۲) کميســيون مکلـــف اســـت، صندوق های قرنطين شده را درحضور ناظرين، مشــاهدين، رســانه هــا و

کې بررسي کـــړي. قـــرنطين شـــوي صندوقونه له بررسۍ وروسته د رأيو د شمېرنې په بهيرکې شاملېږي او يـــا د مؤجهودلايلو له مخې له شمېرنې څخه ابستل کېږي.

(۳) څارونکي او نوماند کولای شي د قرنطين شـــوي صـــندوق پـــه اړه د کمېسيون د تصميم له ابلاغ وروسته تر (۲۴) ساعتونو پورې شکايت وکړي. د شکايتونو کمېسيون مکلف دی د (۴۸) ساعتونو مودې په ترڅ کې شکايت ته رسيدګي وکړي او د مؤجهو دلايلو پر بنسټ وروستنی تصميم ونيسي.

(۴) کمېسيون مکلف دی، د قـــرنطين شوي صندوق د بررسۍ ډول، د رأيو د شمېرنې يا نه شمېرنې مـــوارد او پـــه قرنطين پورې نورې اړوندې چارې په کړنلاره کې توضيح کړي.

دپايلو اعلانول

اووه اتيايمه ماده:

(۱) په هغه حالت کې چې د ټاکنو د شمېرلو بهير د اعتراض وړ وګرځـــي،

نماينده های کانديدان بررسی نمايـــد. صندوق های قرنطين شـــده بعـــد از بررسی شامل روند شمارش آراء شده و يا بنا بر دلايل مؤجه از شمارش خارج می گردد.

(۳) ناظر وکانديد می تواند الی (۲۴) ساعت بعد از ابلاغ تصميم کميسيون در رابطه به صندوق قـــرنطين شـــده، شکايت نمايد. کميســـيون شـــکايات مکلف است در خلال (۴۸) ساعت به شکايت رسيدگی نموده و بنا بر دلايل مؤجـــه تصـــميم نهـــايی اتخـــاذ نمايد.

(۴) کميسيون مکلف است، نحـــوۀ بررسی صندوق قرنطين شده، مـــوارد شمارش يا عدم شمارش آراء و ســـاير امور مربوط به قرنطين را در طرزالعمل توضيح نمايد.

اعلام نتايج

مادۀ هشتاد و هفتم:

(۱) کميسيون يا کميسيون شکايات حسب احوال می توانند در مواردی که

کمېسیون او د شکایتونو کمېسیون کولای شي له احوالو سره سم د وروستیو پایلو تر تصدیق مخکې، په ټاکنیزه حوزه کې د رأیې ورکولو د ټولو پاڼو یا یې د یوې برخې دبیا شمېرلو دستور صادر کړي.

(۲) په ځینو ټاکنیزو حوزو او یا د رأیې ورکونې په مرکزونو کې د خلکو د ګډون ټیټه کچه د ټاکنو د عمومي توب او د آزادۍ د اصولو د زیانمنېدو په معنيٰ نه دي.

(۳) کمېسیون مکلف دی، وروسته تر دې چې د رأیو شمېرنه بشپړه شي او د رأیو د ورکونې او د رأیو د شمېرنې په اړه ټول شکایتونه، دشکایتونود کمېسیون له خوا وڅېړل شي، د ټاکنو وروستۍ پایلې اعلام او خپرې کړي.

(۴) په یوه صندوق کې په یوازې توګه د یوه نوماند په ګټه له (۸۰) سلنې څخه زیاتې رأیې د درغلۍ دلیل نه شي کېدای. خو دا چې د درغلۍ په اړه د مؤجهو دلایلو او شواهدو اعتراض شتون ولري.

روند شمارش آراء، مورد اعتراض قرار گیرد، قبل از اعلام نتایج نهایی، دستور شمارش مجدد تمام اوراق رأی دهی و یا بخشی از آن را در حوزهٔ انتخاباتی صادر نمایند.

(۲) میزان پائین اشتراک مردم در برخی حوزه های انتخاباتی و یا مراکز رأی دهی به معنی خدشه دار شدن اصول آزاد و عمومی بودن انتخابات نمی باشد.

(۳) کمیسیون مکلف است، بعد از آنکه شمارش آراء تکمیل و کلیه شکایات در ارتباط به رأی دهی و شمارش آراء توسط کمیسیون شکایات مورد رسیدگی قرار گرفت، نتایج نهائی انتخابات را اعلام و نشر نماید.

(۴) اختصاص بیش از (۸۰) درصد آراء در یک صندوق به نفع یک کاندید به تنهائی دلیل ارتکاب جرم شده نمی تواند. مگر اینکه اعتراض با دلایل و شواهد مؤجه مبنی بر ارتکاب جرم موجود باشد.

(۵) د ټاکنو وروستنۍ پایلې چې ددې قانون د حکمونو مطابق واصله اعتراضونو او شکایتونو ته تر رسیدګۍ وروسته اعلانېږي، د بدلون وړ ندي.

ټاکنیزې وثیقې

اته اتیایمه ماده:

کمېسیون مکلف دی، د ټاکنو د وروستیو پایلو تر اعلان وروسته، جمهور رئیس، ولسي جرګې غړو، مشرانو جرګې انتخابي غړو، د ولایتي شوراګانو غړو، د ولسوالیو شوراګانو غړو، د کلي شوراګانو غړو، ښاروالانو او د ښاروالیو د مجلسونو غړو لپاره ټاکنیزې وثیقې صادرې او ورکړي.

د رپوټ وړاندې کول

نه اتیایمه ماده:

کمېسیون مکلف دی، د ټاکنو له ترسره کېدو مخکې او وروسته د ټاکنو له ټول بهیر او د ټاکنو له ابتدایي او وروستیو پایلو څخه د ټولیزو رسنیو له لارې خلکو ته رپوټ وړاندې کړي.

(۵) نتایج نهایی انتخابات که بعد از رسیدگی به اعتراضات و شکایات واصله مطابق احکام این قانون اعلام می گردد، قابل تغییرنمی باشد.

وثایق انتخاباتی

مادۀ هشتاد و هشتم:

کمیسیون مکلف است، بعد از اعلام نتایج نهائی انتخابات، برای رئیس جمهور، اعضای ولسی جرگه، اعضای انتخابی مشرانو جرگه، اعضای شورا های ولایتی، اعضای شوراهای ولسوالی، اعضای شوراهای قریه، شاروال ها و اعضای مجالس شاروالی ها وثیقه انتخاباتی صادر و تفویض نماید.

ارایه گزارش

مادۀ هشتاد و نهم:

کمیسیون مکلف است، از تمام روند انتخابات قبل و بعد از برگزاری انتخابات و اعلام نتایج ابتدائی و نهائی انتخابات از طریق رسانه های همگانی به مردم گزارش ارایه نماید.

پنځلسم فصل

ټاکنيزو اعتراضونو او شکايتونو ته رسيدګي

ټاکنيز اعتراض او شکايت ته د رسيدګۍ ډول

نوي يمه ماده:

(۱)د شکايتونو مرکزي او ولايتي کمېسيونونه کولای شي، هغه موضوع ګانې چې د دوی د واک په محدوده کې دي، د اعتراض يا شکايت د شتون په صورت کې يا د هغوی له شتون پرته تر رسيدګۍ لاندې ونيسي.

(۲) اعتراض او شکايت ته د رسيدګۍ ډول د هغه کړنلارې مطابق چې د شکايتونو د مرکزي کمېسيون له خوا وضع کېږي، صورت مومي.

د اعتراض او شکايت درج او ثبت

يو نوي يمه ماده:

(۱) اشخاص، سياسي ګوندونه او نور بنستونه کولای شي، د نوماندانو د ابتدايي نوم لړ تر خپرېدو وروسته د (۲)

فصل پانزدهم

رسيدگی به اعتراضات و شكايات انتخاباتی

طرز رسيدگی به اعتراض و شكايت انتخاباتی

مادۀ نودم:

(۱) كميسيون مركزی شكايات و كميسيون های ولايتی آن می توانند موضوعاتی را كه در محدوده صلاحيت آنها قرار دارد در صورت موجوديت شكايت يا اعتراض ويا بدون موجوديت آنها، مورد رسيدگی قرار دهند.

(۲) طرز رسيدگی به اعتراض و شكايت مطابق طرزالعملی كه از طرف كميسيون مركزی شكايات وضع می شود، صورت می گيرد.

درج و ثبت اعتراض و شكايت

مادۀ نود و يكم:

(۱) اشخاص، احزاب سياسی و ساير نهادها می توانند، در خلال مدت (۲) روز كاری بعد از نشر فهرست ابتدايی

کاري ورځو موديې په ترڅ کې، د هغوی د شرايطو د نه درلودلو په اړه اعتراض درج کړي.

(۲) نوماند او يا دهغه استازی کولای شي، د رأيې ورکولو او رأيې شمېرلو پر مهال او يا د ټاکنو د ترسره کېدو له ورځې وروسته د (۲) کاري ورځو موديې په ترڅ کې په مرکز او ولايتونوکې، شکايت درج کړي.

(۳) د شکايتونو ولايتي کمېسيونونه مکلف دي، داعتراضونو او شکايتونو د ثبت او درج د وخت له پايته رسيدو وروسته د(۱۵) ورځو موديې په ترڅ کې ددغو شکايتونو په اړه د خپلو بررسيو پايلې وروستنی او خپرې کړي.

(۴) که چېرې شاکي يا معترض نوماند د شکايتونو د ولايتي کمېسيون پر پرېکړه قناعت ونه لري، کولای شي د تصميم له ابلاغ وروسته د (۳) کاري ورځو موديې په ترڅ کې، پخپله يا د خپل واکمن استازي په وسيله د شکايتونو په مرکزي کمېسيون کې په ليکلي ډول اعتراض درج کړي.

کانديدان، در رابطه به عدم واجد شرايط بودن آنان اعتراض درج نمايند.

(۲) کانديد يا نماينده آن می تواند حين رأی دهی و شمارش آراء و يا درخلال مدت (۲) روز کاری بعد از روز برگزاری انتخابات، در مرکز و ولايات، شکايت درج نمايد.

(۳) کميسيون های ولايتی شکايات مکلف اند، در خلال مدت (۱۵) روزکاری بعد از ختم زمان ثبت و درج شکايات و اعتراضات، نتايج بررسی های خويش را نهايی و نشر نمايند.

(۴) هرگاه کانديد شاکی يا معترض به تصميم کميسيون ولايتی شکايات قناعت نداشته باشد در خلال مدت (۳) روزکاری، بعد از نشر تصميم، ميتواند شخصاً و يا توسط نماينده با صلاحيت خويش طورکتبی در کميسيون مرکزی شکايات، اعتراض درج نمايد.

(۵) د شکایتونو مرکزي کمېسیون مکلف دی، د ولایتي کمېسیونونو پر پرېکړو باندې د اعتراض موارد د اسنادو او مدارکو له مخې بیا بررسي کړي، وروستنی تصمیم ونیسي.

(٦) د شکایتونو مرکزي کمېسیون نشي کولای، د راغلو شکایتونو او د ولایتي کمېسیونونو پر تصمیمونو باندې د اعتراض د مواردو بررسي،له (۱۵) کاري ورځو څخه زیات وځندوي.

له وروستني نوم لړ څخه د نوماندانو حذفول

دوه نوي يمه ماده:

د شکایتونو مرکزي یا ولایتي کمېسیون په هغه صورت کې نوماند د نوماندانو له وروستني نوم لړ څخه حذف کولای شي چې د کره سندونو له مخې ثابته شي چې ددې قانون د حکمونو سره سم د نوماند کېدلو د شرطونو لرونکی نه دی.

(۵) کمیسیون مرکزی شکایات مکلف است، موارد اعتراض بر تصامیم کمیسیون های ولایتی شکایات را به رویت اسناد و مدارک، بررسی مجدد نموده، تصمیم نهایی را اتخاذ نماید.

(٦) کمیسیون مرکزی شکایات نمی تواند، بررسی شکایات وارده و موارد اعتراض برتصامیم کمیسیون های ولایتی شکایات را بیشتر از (۱۵) روز کاری، به تأخیر اندازد.

حذف کاندیدان از فهرست نهایی

مادۀ نود و دوم:

کمیسیون مرکزی یا ولایتی شکایات در صورتی کاندید را از فهرست نهایی کاندیدان حذف کرده می تواند که به رویت اسناد معتبر ثابت گردد که مطابق احکام این قانون واجد شرایط کاندید شدن نبوده است.

د شکایتونو د مرکزي کمېسیون تصمیم

دري نوي یمه ماده:

ټاکنیزو اعتراضونو او شکایتونو ته د رسیدګۍ په هکله د شکایتونو د مرکزي کمېسیون تصمیمونه، وروستني دي.

د رایې باطلول

څلور نوي یمه ماده:

(۱) د رأیې ورکولو په یوه محل یا مرکز کې د نوماند رأیې په لاندې مواردو کې د اړوندې لایحې مطابق په بشپړه توګه باطلې ګڼل کېږي:

۱- له زور څخه ګټه اخیستل چې د رأی ورکوونکي یا ټاکنیزکارکوونکي د آزادۍ د سلبېدو یا سخت ټپي کېدو لامل شي.

۲ – په هغه صورت کې چې نوماند یا د هغه لومړی درجه اقارب ټاکنیز توکي او صندوقونه له زور څخه په ګټې اخیستنې سره په داسې ډول تصرف کړي چې نور ونشي کولای له هغو څخه ګټه پورته کړي.

تصمیم کمیسیون مرکزی شکایات

مادۀ نود و سوم:

تصمیم کمیسیون مرکزی شکایات در رابطه به رسیدگی به اعتراضات و شکایات انتخاباتی، نهایی می باشد.

ابطال رأی

مادۀ نود و چهارم:

(۱) آرای کاندید در یک محل یا مرکز رأی دهی در موارد ذیل مطابق لایحۀ مربوط طور کامل باطل می گردد:

۱- استفاده از زور که باعث سلب آزادی یا مجروحیت شدید رأی دهنده یا کارکن انتخاباتی گردد.

۲- درصورتی که کاندید و یا اقارب درجه اول وی مواد و صندوق های انتخاباتی را با استفاده از زور بگونه ای تصرف کند که سایرین نتوانند از آن استفاده نمایند.

۳- د منفعت د ترلاسه کولو یا د ټاکنو د بهیر د ګډوډولو په خاطر له ناریه یا جارحه وسلې څخه ګټه اخیستل.
۴- د رشوت د ورکولو یا اخیستلو په اړه د اثباتیه مدارکو شتون.
۵ – د کارت د څښتنانو په نه شـــتون کې په ډله ییز ډول د اشخاصو د رأیې ورکونې له کارتونو څخه ګټه اخیستل.
(۲) د شـــکایتونو کمېســـیون نشـــي کولای، د ابطال اړونـــد لایحـــې لـــه تصویب دمخه، د نوماند رأیې په یـــوه محل یا مرکز کې باطلې کړي.
(۳) د دې مادې د (۱) فقرې حکمونه، د رأیې ورکولو په عین محل یا مرکـــز کې د نورو نوماندانو د رأیو د باطلېدو باعث نه ګرځي.
(۴) که چېرې د رأیې ورکونې د یوه مرکز د رأیې ورکونې پاڼې په نوم لـــړ کې د شاملو رأیې ورکوونکو له شمېر څخه زیاتې وي، د هغو مرکز ټولې رأیې باطلې دي. پدې صورت کې کمېسیون په هغه مرکز کې ټاکنې بیا ترسره کوي.
(۵) په یوه ټاکنیزه حوزه کې د ټاکنو د

۳- استفاده از سلاح ناریه یا جارحه به خاطر کسب منفعت یا مختل ســـاختن مراحل انتخابات.
۴- موجودیت مدارک اثباتیه مبنی بر پرداخت و دریافت رشوت.
۵- استفاده از کارت های رأی دهی اشخاص بطور دسته جمعی در غیـــاب صاحبان کارت.
(۲) کمیسیون شکایات نمی تواند، قبل از تصویب لایحـــۀ مربـــوط به ابطال، آرای کاندید را در یک محل یا مرکز باطل نماید.
(۳) احکام مندرج فقرۀ (۱) این ماده باعث ابطال آرای ســـایر کاندیـــدان، در عین مرکز یـــا محـــل رأی دهـــی نمی گردد.
(۴) هرگاه اوراق رأی یـــک مرکـــز رأی دهـــی، بیشـــتر از تعـــداد رأی دهندگان شامل فهرست آن باشد، تمام آرای آن مرکز باطل است. در ایـــن صـــورت کمیســـیون، انتخابـــات را درآن مرکز مجدداً برگزار می نماید.
(۵) در صورت خدشه دار شدن اصول

عادلانه والي، پټ والي او مستقيم والي د اصولو د زيان منېدو په صورت کې، د شکايتونو مرکزي کمېسيون کولای شي د هغې حوزې ټاکنې باطلې اعلان کړي. پدې صورت کې کمېسيون په ياده حوزه کې د اووو ورځو مودې په ترڅ کې بيا ټاکنې ترسره کوي.

ټاکنيزو شکايتونو ته د رسيدګۍ مرجع

پنځه نوي يمه ماده:

د شکايتونو ولايتي کمېسيون، ټاکنيز شکايت يا اعتراض ته د رسيدګۍ لومړنۍ مرجع ده. په استثنايي حالاتو کې د شکايتونو مرکزي کمېسيون کولای شي، د ټاکنيزو شکايتونو او اعتراضونو د بررسۍ لومړنۍ مرجع وي.

تخطي

شپږ نوي يمه ماده:

(۱) تخطي په هغو اعمالو کې شاملېږي چې د رأيې ورکوونکي، نوماند، د ټاکنو کارکوونکي، څارونکي، کتونکي، رسنۍ او د ټاکنو په بهير کې د نورو

عادلانه بودن، سری بودن ومستقیم بودن انتخابات در یک حوزهٔ انتخاباتی، کمیسیون مرکزی شکایات می تواند انتخابات آن حوزه را باطل اعلام نماید. در اینصورت کمیسیون در خلال مدت هفت روز انتخابات مجدد را در حوزه مذکور برگزار می نماید.

مرجع رسیدگی به شکایات انتخاباتی

مادهٔ نود و پنجم:

کمیسیون ولایتی شکایات ، مرجع اولیهٔ رسیدگی به شکایت یا اعتراض انتخاباتی می باشد. در حالات استثنایی، کمیسیون مرکزی شکایات می تواند مرجع اولیهٔ بررسی شکایات یا اعتراضات انتخاباتی باشد.

تخطی

مادهٔ نود و ششم:

(۱) تخطی شامل اعمالی می گردد که غیر قصدی و سهواً از طرف رأی دهنده، کاندید، کارکن انتخابات، ناظر، مشاهد، رسانه و سایر شاملین در

شاملینو له خوا غیر قصدي او سهواً واقع کېږي.

(۲) د کمېسیون، د شکایتونو د مرکزي او ولایتي کمېسیونونو له خوا ټاکنیزې تخطۍ د هغو نوعیت ته په پام سره د اړوندې کړنلارې مطابق رسیدګي کېږي.

(۳) د رسنیزو تخطۍ ته د رسنیو د کمېټې لخوا رسېدګۍ صورت مومي.

تخطۍ او سرغړونې ته رسیدګي او د جرمونو پېژندل

اووه نوي یمه ماده

(۱) په دې قانون کې درج د تخطۍ او سرغړونې مواردو ته رسیدګي د شکایتونو د کمېسیون له دندو څخه دي.

(۲) د شکایتونو کمېسیون، د ټاکنو د بهیر اړوند جرمونه بررسي، پېژني او تشخیصوي، د هغوی مرتکبین د عدلي تعقیب لپاره واکمنې مرجع ته ورپېژني.

روند انتخابات واقع می گردد.

(۲) تخطی های انتخاباتی از طرف کمیسیون و کمیسیون های مرکزی و ولایتی شکایات با در نظر داشت نوعیت آن مطابق طرزالعمل مربوط رسیدگی می شود.

(۳) رسیدگی به تخطی رسانه یی توسط کمیتهٔ رسانه ها صورت می گیرد.

رسیدگی به تخطی، تخلف و شناسایی جرایم

مادهٔ نود و هفتم:

(۱) رسیدگی به موارد تخطی و تخلف مندرج این قانون از وظایف کمیسیون شکایات می باشد.

(۲) کمیسیون شکایات، جرایم مرتبط به روند انتخابات را بررسی، شناسایی و تشخیص نموده، مرتکبین آنرا غرض تعقیب عدلی به مرجع ذیصلاح معرفی می نماید.

ټاکنیزه سرغړونه او تأدیب

اته نوي یمه ماده:

(۱) لاندې اعمال ټاکنیزه سرغړونه ګڼل کېږي:

۱- د رأیې ورکوونکو په نوم لړ کې له یوه ځل څخه زیات د نوم لیکل.

۲- د رأیې ورکونې په مرکزونو کې د نوماندانو له اړوند سمبول او نورو علایمو څخه ګټه اخیستل.

۳- په تبلیغاتي موادو کې د کمېسیون او دولتي ادارو له اړوند سمبول او نورو علایمو څخه ګټه اخیستل.

۴- د سرغړونې ارتکاب ته د اشخاصو هڅول او تحریکول.

۵- د ټاکنیزو مبارزو له مالي چارو څخه په موقع د رپوټ نه وړاندې کول او یا د ناسم رپوټ وړاندې کول.

٦- د نورو نوماندانو د تبلیغاتي موادو له منځه وړل.

۷- معلوماتو ته د لاسرسي مخنیوی او ژورنالیستانو ته د ټاکنیزو پېښو په رپوټ جوړولو کې د ناقانونه محدودیت

تخلف انتخاباتی و تأدیب

مادۀ نود و هشتم:

(۱) اعمال ذیل، تخلف انتخاباتی شمرده می شود:

۱- ثبت نام بیش از یکبار در فهرست رأی دهندگان.

۲- استفاده از سمبول و سایر علایم مربوط به کاندیدان در مراکز رأی دهی.

۳- استفاده ازسمبول و سایر علایم مربوط به کمیسیون و ادارات دولتی در مواد تبلیغاتی.

۴- تحریک یا وادار نمودن اشخاص به ارتکاب تخلف.

۵- عدم ارائه به موقع گزارش و یا ارائه گزارش نادرست از امور مالی مبارزات انتخاباتی.

٦- از بین بردن مواد تبلیغاتی کاندیدان دیگر.

۷- ممانعت از دسترسی به معلومات و ایجاد محدودیت غیرقانونی برای ژورنالیستان از تهیه گزارش رویدادهای

رامنځته کول.

۸- پر ټاکنو باندې د څارنې ملي او بین المللي څارونکو او کتونکو مخنیوی.

۹- په نوم لیکنه یا د رأیې ورکوونکو د نوم لړ په برابرولو کې مخنیوی.

۱۰- له ټاکلې مودې مخکې یا وروسته د ټاکنیزو مبارزو په لاره اچول.

۱۱- د ټاکنیزو مبارزو لپاره ددې قانون په اووه اویایمه ماده کې د درج شوې کړنلارې له ټاکل شوي حد څخه زیات لګښتونه کول.

۱۲- د رأیې ورکونې په مرکزونوکې د سلاح لېږدول.

۱۳- د دولت د کارکوونکي په واسطه د نوماند په ګټه یا ضرر د هر ډول تبلیغاتو کول.

۱۴- د اړوندې کړنلارې او لایحو مغایر د ټاکنیزو کارکوونکو استخدام.

۱۵- له مؤجه عذر پرته له ټاکل شوي وخت څخه مخکې د رأیې ورکونې د محل تړل.

۱۶- د هغو ښځینه محلونو په استثنأ

انتخاباتی.

۸- ممانعت ناظرین و مشاهدین ملی و بین المللی از نظارت بر انتخابات.

۹- ممانعت در ثبت نام یا تهیه فهرست رأی دهندگان.

۱۰- راه اندازی مبارزات انتخاباتی قبل یا بعد از موعد معین.

۱۱- مصارف بیش از حد معینه طرزالعمل مندرج مادهٔ هفتاد وهفتم این قانون برای مبارزات انتخاباتی.

۱۲- حمل سلاح در مراکز رأی دهی.

۱۳- انجام هر نوع تبلیغات به نفع و یا ضرر کاندید توسط کارکن دولت.

۱۴- استخدام کارکنان انتخاباتی مغایر طرزالعمل و لوایح مربوط.

۱۵- بسته کردن محل رأی دهی قبل از وقت معینه آن بدون عذر مؤجه.

۱۶- ممانعت رسانه ها و ناظرین از

چې د مسئولینو په اجازې مشروط دي، د رأیې ورکونې له جریان څخه لـه عکاسی او فلم اخیستلو څخه د رسنیو او څارونکو مخنیوی.

۱۷- د ټاکنیزو کارکوونکو له خوا یوه مشخص نوماند ته د رأیې ورکولو لپاره د رأیې ورکوونکو هڅول.

۱۸- له شخص څخه د رأیې ورکولو په وخت کې د فلم اخیستل او عکاسي په داسې ډول چې د رأیې پټوالی اغیزمن کړي.

۱۹- اړوندو کړنلارو او لایحو ته له پاملرنې پرته د رأیې ورکولو د مرکز بدلول.

۲۰- د رأیې ورکولو په وخت کې د رأیې ورکوونکي یا ټاکنیز کارکوونکي له خوا د ګوتې نه رنګول.

۲۱- له سن کښته اشخاصو له رأیـې ورکولو څخه نه مخنیوی.

۲۲- د نوماندانو څـارونکو تـه د شکایت د فورم له ورکولو څخـه ډډه کول.

۲۳- په یوه ټاکنه کې له هغه زیات چې

عکاسی و فلـم بـرداری از جریـان رأی دهی به استثنای محلات زنانه که مشـروط بـه اجـازه مسـئولین می باشد.

۱۷- تشویق رأی دهندگان برای رأی دهی به کاندید مشـخص از جانـب کارکنان انتخاباتی.

۱۸- فلم برداری و عکاسی از شخص حین رأی دهی به گونهٔ کـه سـری بـودن رأی را خدشـه دار نماید.

۱۹- تغییر مرکز رأی دهـی بـدون درنظرداشت طرزالعمل ها و لـوایح مربوط.

۲۰- رنگ نکردن انگشت حین رأی دهی از طرف رأی دهنده یا کـارکن انتخاباتی.

۲۱- عدم جلوگیری از رأی دهـی اشخاص زیر سن.

۲۲- امتنـاع از دادن فـورم شـکایت بـه نـاظرین کاندیدان.

۲۳- رأی دهی بیش از آنچه کـه در

په قانون کې اټکل شوي وي رایه ورکول.

۲۴- د نوماند کېدو د شرطونو په هکله کمېسیون او د شکایتونو کمېسیون ته د نوماند د غیر واقعي معلوماتو وړاندې کول.

۲۵- په ټاکلي وخت له مؤجه عذر څخه پرته د کمېسیون د کارکوونکو په واسطه د رأیې ورکونې د مرکزونو نه پرانیستل.

۲۶- له مؤجه عذر څخه پرته د کمېسیون د کارکوونکو لـه خوا د حساسو او د اړتیا وړ ټاکنیزو موادو له لېږد څخه ډډه کول.

۲۷- د رأیې ورکونې په مرکز کې د پایلو د فورم نه ترتیب، نه نصب او نه وېش.

۲۸- د کمېسیون د مؤظفو کارکوونکو په واسطه د پایلو په فورم او نورو ټاکنیزو سندونو کې نه لاسلیک او مهر.

۲۹- د نوماندانو او د هغوی د څارونکو د اعتراضونو او شکایتونو له

قانون پیشبینی شده باشد در یک انتخابات.

۲۴- ارائه معلومات غیر واقعی کاندید در مورد شرایط کاندید شدن به کمیسیون، و کمیسیون شکایات.

۲۵- باز نکردن مراکز رأی دهی توسط کارکنان کمیسیون در وقت معین بدون عذر مؤجه.

۲۶- امتناع از انتقال مواد حساس و مورد نیاز انتخاباتی از طرف کارکنان کمیسیون بدون عذر مؤجه.

۲۷- عدم ترتیب، نصب و توزیع فورم نتایج در مرکز رأی دهی.

۲۸- عدم امضاء و مهر در فورم نتایج و سایر اسناد انتخاباتی توسط کارکنان مؤظف کمیسیون.

۲۹- ممانعت یا امتناع از ثبت اعتراضات و شکایات کاندیدان یا

ثبت څخه مخنيوی يا ډډه کول.

۳۰- د رأيې ورکونې په يوه محل يــا مرکز کې د ټاکنو د بهير ځنډول.

۳۱- په ټاکنيزو مبارزو کې له دولتي شتمنی، آسانتياوو او سرچينو څخه ګټه اخيستل.

۳۲- په قانون او کړنلارو کې درج په ټاکل شوې موده کــې شــکايتونو او اعتراضونو ته نه رسيدګي چې د ټاکنو د پروسې د مختل کېدو لامل شي.

۳۳- د رأيې ورکوونکو د فهرســـت اړوندو سندونو تغيير، بدلون يا له منځه وړل.

۳۴- د نوماندانو، څارونکو، کتونکو، رسنيو او ټاکنيزو کارکوونکو د کړنو (رفتار) د اصولو نقضول.

۳۵- د کمېســـيون، د شـــکايتونو د کمېسيون او د رســـنيو د کمېټــې د کړنلارو او لايحو نه رعايت.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو سرغړونو مرتکبين، له احوالو سره سم، په لاندې ډول تأديبېږي:

۱- په (۱) جزء کــې د درج شـــوې

ناظرين آنها.

۳۰- معطل قراردادن روند انتخابات در يک محل يا مرکز رأی دهی.

۳۱- استفاده از دارائی، تسهيلات و منـــــابع دولتـــــی در مبـــــارزات انتخاباتی.

۳۲- عدم رسيد گی به شـــکايات و اعتراضات در مدت معينهٔ مندرج قانون و طرزالعمل ها که موجب مختل شدن پروسه انتخابات گردد.

۳۳- تغيير، تبديل يا از بين بردن اسناد مربـــــوط بـــــه فهرســــــت رأی دهندگان.

۳۴- نقض اصول رفتار کانديـــدان، ناظرين، مشاهدين، رسانه ها و کارکنان انتخابات.

۳۵- عدم رعايت طرزالعمـــل هـــا و لوايح کميسيون، کميسيون شکايات و کميتهٔ رسانه ها.

(۲) مرتکبين تخلفات مندرج فقرهٔ (۱) اين ماده، حسب احوال، طـــور ذيـــل تأديب می گردند:

۱- مرتکب تخلف مندرج جزء (۱)

سرغړونې مرتکب، له احوالو سره سم، له (۱۲۰۰۰) دوولسو زرو څخه تر (۵۰۰۰۰) پنځوسو زرو افغانیو پورې په ورکړه مکلف دی.

۲- په (۲ او ۳) اجزاوو کې د درج شوو سرغړونو مرتکب، له احوالو سره سم، له (۵۰۰۰) پنځو زرو څخه تر (۵۰۰۰۰) پنځوسو زرو افغانیو پورې په ورکړه مکلف دی.

۳- په (۴) جزء کې د درج شوې سرغړونې مرتکب، له احوالو سره سم، له (۴۰۰۰۰) څلوېښتو زرو څخه تر (۸۰۰۰۰) اتیا زرو افغانیو پورې په ورکړه مکلف دی او د اړوند نوماند ټولې رأيې د رأيې ورکونې په اړوندو محلاتو او مرکزونو کې، باطلېږي.

۴- په (۵، ٦، ۷، ۸ او ۹) اجزاوو کې د درج شوو سرغړونو مرتکب، له احوالو سره سم، له (۱۰۰۰۰) لسو زرو څخه تر (۳۰۰۰۰) دېرشو زرو افغانیو پورې په ورکړه مکلف دی.

۵- په (۱۰) جزء کې د درج شوي جرم مرتکب، په دې قانون کې له درج

حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۱۲۰۰۰) دوازده هزار الی مبلغ (۵۰۰۰۰) پنجاه هزار افغانی.

۲- مرتکب تخلفات مندرج اجزای (۲و۳) حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۵۰۰۰) پنج هزار الی مبلغ (۵۰۰۰۰) پنجاه هزار افغانی.

۳- مرتکب تخلف مندرج جزء (۴) حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۴۰۰۰۰) چهل هزار الی مبلغ (۸۰۰۰۰) هشتاد هزار افغانی و تمام آرای کاندید مربوط در محلات و مراکز رأی دهی ذیربط باطل می گردد.

۴- مرتکب تخلفات مندرج اجزای (۵، ٦، ۷، ۸ و ۹) حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۱۰۰۰۰) ده هزار الی مبلغ (۳۰۰۰۰) سی هزار افغانی.

۵- مرتکب تخلف مندرج جزء (۱۰) علاوه بر محروم شدن از حقوق مندرج

شوو حقوقو پر محرومېدو برسېره، له احوالو سره سم، له (۵۰۰۰۰) پنځوسو زرو څخه تر (۱۰۰۰۰۰) سلو زرو افغانيو پورې په ورکړه مکلف دی.

٦- په (۱۱) جزء کې د درج شوې سرغړونې مرتکب، د ټاکنيزو مبارزو لپاره، له ټاکل شوي حد څخه د زياتو لګښتونو د لس سلنې معادل په ورکړې مکلف دی.

۷- په (۱۲ او ۱۳) اجزاووکې د درج شوې سرغړونې مرتکب، د (۱۰۰۰۰) لسو زرو افغانيو په ورکړه مکلف دی.

۸ – په (۱۴) جزء کې د درج شوې سرغړونې مرتکب، له احوالو سره سم، له (۱۰۰۰۰) لسو زرو څخه تر (۲۰۰۰۰) شلو زرو افغانيو پورې په ورکړه مکلف دی.

۹- په (۱۵ او ۱٦) اجزاوو کې د درج شوو سرغړونو مرتکب، له احوالو سره سم، له (۱۰۰۰۰) لسو زرو څخه تر (۵۰۰۰۰) پنځوسو زرو افغانيو پورې په ورکړه مکلف دی او له دندې

این قانون حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۵۰۰۰۰) پنجاه هزار الی مبلغ (۱۰۰۰۰۰) یکصد هزار افغانی.

٦- مرتکب تخلف مندرج جزء (۱۱) مکلف به پرداخت معادل ده فیصد مصارف بیش از حد معینه برای مبارزات انتخاباتی.

۷- مرتکب تخلفات مندرج اجزای (۱۲ و ۱۳) مکلف به پرداخت مبلغ (۱۰۰۰۰) ده هزار افغانی.

۸- مرتکب تخلف مندرج جزء (۱۴) حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۱۰۰۰۰) ده هزار الی مبلغ (۲۰۰۰۰) بیست هزار افغانی.

۹- مرتکب تخلفات مندرج اجزای (۱۵ و۱٦) حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۱۰۰۰۰) ده هزار الی مبلغ (۵۰۰۰۰) پنجاه هزار افغانی و انفصال شخص از

ځخه د شخص په لرې کولو(انفصال).

۱۰- په (۱۷ او ۱۸) اجزاوو کې د درج شوو سرغړونو مرتکب، له احوالو سره سم، له (۵۰۰۰) پنځو زرو ځخه تر (۱۰۰۰۰) لسو زرو افغانیو پورې په ورکړه مکلف دی.

۱۱- په (۱۹ ، ۲۰، ۲۱، ۲۲ او ۲۳) اجزاوو کې د درج شوو سرغړونو مرتکب، له احوالو سره سم، له (۵۰۰۰۰) پنځوسو زرو ځخه تر (۱۰۰۰۰۰) سلو زرو افغانیو پورې په ورکړه مکلف دی.

۱۲- په (۲۴) جزء کې د درج شوې سرغړونې مرتکب، ددې قانون له درج شوو حقوقو ځخه پر محرومېدو برسېره، له احوالو سره سم، له (۱۰۰۰۰) لسو زرو ځخه تر (۵۰۰۰۰) پنځوسو زرو افغانیو پورې په ورکړه مکلف دی.

۱۳- په (۲۵، ۲٦، ۲۷، ۲۸او ۲۹)، جزونو کې د درج شوو سرغړونو مرتکب، له دندې ځخه پر لرې کېدو برسېره، له احوالو سره سم، له (۵۰۰۰۰) پنځوسو زرو ځخه تر

وظیفه.

۱۰- مرتکب تخلفات مندرج اجزای (۱۷ و۱۸) حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۵۰۰۰) پنج هزار الی مبلغ (۱۰۰۰۰) ده هزار افغانی .

۱۱- مرتکب تخلفات مندرج اجزای (۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲و ۲۳) حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۵۰۰۰۰) پنجاه هزار الی مبلغ (۱۰۰۰۰۰) یکصد هزار افغانی.

۱۲- مرتکب تخلف مندرج جزء (۲۴) علاوه بر محروم شدن از حقوق مندرج این قانون، حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۱۰۰۰۰) ده هزار الی مبلغ (۵۰۰۰۰) پنجاه هزار افغانی.

۱۳- مرتکب تخلفات مندرج اجزای (۲۵، ۲٦، ۲۷، ۲۸و۲۹) علاوه بر انفصال از وظیفه، حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۵۰۰۰۰) پنجاه هزار الی مبلغ

(۱۰۰۰۰۰) سلو زرو افغانيو پورې په وركړه مكلف دى.

۱۴- په (۳۰) جزء كې د درج شوې سرغړونې مرتكب، له احوالو سره سم، له (۱۰۰۰۰) لسو زرو څخه تر (۳۰۰۰۰) دېرشو زرو افغانيو پورې په وركړه مكلف دى.

۱۵- په (۳۱ او ۳۲) جزونو كې د درج شوو سرغړونو مرتكب، له احوالو سره سم، له (۵۰۰۰۰) پنځوسو زرو څخه تر (۸۰۰۰۰) اتياوو زرو افغانيو پورې په وركړه مكلف دى.

۱٦- په (۳۳) جزء كې د درج شوې سرغړونې مرتكب، له احوالو سره سم، له (۵۰۰۰۰) پنځوسو زرو څخه تر (۱۰۰۰۰۰) سلو زرو افغانيو پورې په وركړه مكلف دى.

۱۷- په (۳۴) جزء كې د درج شوې سرغړونې مرتكب، پدې قانون كې له درج شوو حقوقو څخه د محروميدو برسيره، له احوالو سره سم، له (۱۰۰۰۰) لسو زرو څخه تر (۵۰۰۰۰) پنځوسو زرو پورې افغانيو

(۱۰۰۰۰۰) يكصد هزار افغانى.

۱۴- مرتكب تخلف مندرج جزء (۳۰) حسب احوال مكلف به پرداخت مبلغ (۱۰۰۰۰) ده هزار الى مبلغ (۳۰۰۰۰) سى هزار افغانى.

۱۵- مرتكب تخلف مندرج اجزاى (۳۱ و۳۲) حسب احوال مكلف به پرداخت مبلغ (۵۰۰۰۰) پنجاه هزار الى مبلغ (۸۰۰۰۰) هشتاد هزار افغانى.

۱٦- مرتكب تخلف مندرج جزء (۳۳) حسب احوال مكلف به پرداخت مبلغ (۵۰۰۰۰) پنجاه هزار الى مبلغ (۱۰۰۰۰۰) يكصد هزار افغانى.

۱۷- مرتكب تخلف مندرج جزء (۳۴)، علاوه بر محروم شدن از حقوق مندرج اين قانون، حسب احوال مكلف به پرداخت مبلغ (۱۰۰۰۰) ده هزارالى مبلغ (۵۰۰۰۰) پنجاه هزار

په ورکړه مکلف دی.

۱۸- په (۳۵) جزءکې د درج شوې سرغړونې مرتکب، ټاکنيز کارکوونکی له دندې څخه پر لرې کېدو برسېره، رأيې ورکوونکی او نوماند په دې قانون کې له درج شوو حقوقو څخه پر محرومېدو برسېره، له احوالو سره سم، له (۵۰۰۰) پنځو زرو څخه تر (۱۵۰۰۰) پنځلسو زرو افغانيو پورې په ورکړه مکلف دی.

(۳) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوی تخلف د تحريک، تهديد، ترغيب يا هڅونې له امله صورت موندلی وي، په سرغړونه کې معاونت ګڼل کېږي، مرتکب، اصلي فاعل ته د اټکل شوې عين نغدي جريمې په ورکړه مکلف دی.

(۴) کمېسيون کولای شي د پيسو بدلونونو او تورم ته په پام سره، د نغدي جريمو په مبالغو او ددې قانون په نورو مبالغو کې زياتوالی يا کموالی حکومت ته وړانديز کړي.

افغانی.

۱۸- مرتکب تخلف مندرج جزء (۳۵)، کارکن انتخاباتی علاوه بر انفصال از وظيفه، رأی دهنده و کانديد علاوه بر محروم شدن از حقوق مندرج اين قانون، حسب احوال مکلف به پرداخت مبلغ (۵۰۰۰) پنج هزار الی مبلغ (۱۵۰۰۰) پانزده هزار افغانی.

(۳) هرگاه تخلف مندرج فقره (۱) اين ماده به اثر تحريک، تهديد، ترغيب يا تشويق صورت گرفته باشد، معاونت در تخلف پنداشته شده، مرتکب مکلف به پرداخت عين جريمه نقدی پيشبينی شده برای فاعل اصلی می باشد.

(۴) کميسيون می تواند بادرنظرداشت نوسانات و تورم پولی، در مبالغ جرايم نقدی و ساير مبالغ مندرج اين قانون افزايش يا کاهش را به حکومت پيشنهاد نمايد.

ټاکنيز جرمونه او د هغو جزاګانې

نهه نوي يمه ماده:

(۱) لاندې اعمال ټاکنيز جرمونه ګڼل کېږي:

۱- د نوماند په ګټه يا ضرر د رأيې ورکوونکي، نوماند او يا څارونکي او کتونکي د ډارولو يا تر اغېزې لاندې راوستلو په منظور، له نظامي څه د ملي اردو، ملي پوليسو او ملي امنيت له وسايلو او علايمو څخه ناوړه ګټه اخيستل.

۲- د ټاکنو په پړاوونو کې د نفوذ د اعمالولو په منظور د رشوت اخيستل يا ورکول.

۳- د رأيې ورکوونکي، نوماند، څارونکي، کتونکي، رسنيو او ټاکنيزو کارکوونکو په وړاندې تهديد، تخويف، د حرمت هتک او د فشار اعمال.

۴- د حقيقتونو د پټولو په منظور د پايلو د فورم او يا د رأيې ورکونې د پاڼو پټول.

۵- د قانون د حکم خلاف د ټاکنيزو

جرايم انتخاباتی و مجازات آن

مادۀ نود و نهم:

(۱)اعمال ذيل جرايم انتخاباتی شمرده می شود:

۱- سوءاستفاده از وسايل و علايم نظامی اعم از اردوی ملی، پوليس ملی و امنيت ملی به منظور ترسانيدن و يا تحت تأثير قرار دادن رأی دهنده، کانديد و يا ناظر و مشاهد به نفع و يا ضرر کانديد.

۲- اخذ و يا پرداخت رشوت به منظور اعمال نفوذ در مراحل انتخابات.

۳- تهديد، تخويف، هتک حرمت و اعمال فشار عليه رأی دهنده، کانديد، ناظر، مشاهد، رسانه ها و کارکنان انتخابات.

۴- پنهان کردن فورم نتايج و يا اوراق رأی دهی به منظور کتمان حقايق.

۵- جابجايی، انتقال يا تصرف در

سندونو ځای پر ځای کول، لیږدول، یا تصرف.

٦- له ناقانونه سرچینو څخه د مالي وجوهو ترلاسه کول.

۷- له بهرنیو اتباعو او دولتونو او یا په افغانستان کې مېشت د بهرنیو هېوادونو له سیاسي نمایندګیو څخه د نغدي یا جنسي مالي مرستو ترلاسه کول یا قبلول.

۸- په صندوق کې له کارول شوو رأیو سره د پایلو په فورمونو کې د بدلون راوستل په داسې ډول چې له یو بل سره سمون ونلري.

۹- له قانوني جواز پرته د پایلو د جمع بندۍ د مرکزونو د نرم افزار او سخت افزار په سیستمونو کې لاسوهنه.

۱۰- تشدد یا تاوتریخوالي او یا د امنیتي وضعې خرابول چې د ټاکنو د بهیر د اخلال لامل شي.

۱۱- د رأیې ورکونې د سندونو او پاڼو او یا د ټاکنیزو حساسو موادو غلا کول او یا له منځه وړل.

۱۲- د نوماندانو په نوم لړ کې په تزویر

اسناد انتخاباتی خلاف حکم قانون.

٦- دریافت وجوه مالی از منابع غیرقانونی.

۷- دریافت یا قبول مساعدت های مالی نقدی یا جنسی از اتباع و دول خارجی و یا نمایندگی های سیاسی کشورهای خارجی مقیم افغانستان.

۸- وارد کردن تغییر در فورم های نتایج با آرای استعمال شده در صندوق طوری که باهم مطابقت نداشته باشند.

۹- مداخله در سیستم های نرم افزار و سخت افزار مراکز جمع بندی نتایج بدون مجوز قانونی.

۱۰- تشدد یا خشونت و یا برهم زدن وضع امنیتی که منجر به اخلال جریان انتخابات گردد.

۱۱- سرقت و یا از بین بردن اسناد و اوراق رأی دهی و یا مواد حساس انتخاباتی.

۱۲- ثبت نام با اسناد تزویرشده در

شوو سندونو باندې نوم ليکنه.

۱۳- په تزوير شوي سند سره د رأيې کارول.

۱۴- د رأيې ورکوونکي شخص په غياب کې د رأيې کارول.

۱۵- د رأيو پېر او پلور.

۱٦- د نوماند په ګټه يا ضرر د ټاکنيزو سندونو له دې ډلې د ثبت د کتاب، د پايلو د ثبت فورمونه او د رأيې ورکونې د پاڼو تغيير يا بدلون.

۱۷- د نوماند په ګټه يا ضرر د ټاکنو په بهير کې د رأيو کمول يا زياتول.

۱۸- د حقيقتونو د پټولو په منظور د درج شوي اعتراض او شکايت پټول او يا په موقع سره د هغو د پړاوونو نه ترسره کول.

۱۹- د رأيې ورکونې په محل کې د سرغړونې له ليدنې څخه د کمېسيون د کارکوونکي کتمان يا د اطلاع نه ورکول.

۲۰- د حقيقتونو د پټولو په منظور د رأيې ورکونې او د رأيې شمېرنې د

فهرست کانديدان.

۱۳- استعمال رأی با سند تزوير شده.

۱۴- استعمال رأی درغياب شخص رأی دهنده .

۱۵- خريد و فروش آراء.

۱٦- تغيير يا تبديل اسناد انتخاباتی اعم از کتاب ثبت، فورم های ثبت نتايج و اوراق رأی دهی به نفع يا ضرر کانديد.

۱۷ - کم کردن و يا زياد کردن آراء درجريان انتخابات به نفع يا ضرر کانديد.

۱۸- پنهان کردن و يا عدم طی مراحل به موقع اعتراض و شکايت درج شده به منظور کتمان حقايق.

۱۹- کتمان يا عدم اطلاع کارکن کميسيون از مشاهدهٔ تخلف در محل رأی دهی.

۲۰- ممانعت از حضور ناظر، مشاهد يا رسانه ها در

پروسې په بهیــر کــې د څــارونکي، کتونکي یا رسنیو له حضــور څخــه مخنیوی.

(۲) ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوو ټاکنیزو جرمونو مــرتکبین، پــه لاندې ډول په مجازاتو محکومېږي:

۱- په (۱) جزء کې د درج شــوي جرم مرتکب، په قصیر حبس چې لــه دریو میاشتو څخه لږ نه وي.

۲- په (۲ او ۳) اجزاوو کې د درج شوو جرمونو مرتکب، په دې قانون کې له درج شوو حقوقو څخه پر محرومېدو برسېره، د پنځو کلونو لپاره، د قصیر حبس په اکثر حد.

۳- په (۴) جز کې د درج شوي جرم مرتکب تر دوو کلونو پورې په متوسط حبس.

۴- په (۵، ٦، ۷ او ۸) اجزاوو کې د درج شوو جرمونو مرتکب، تر دریو کلونو پورې په متوسط حبس.

۵- په (۹) جزء کې د درج شوي جرم مرتکب، په هغه حبس چې لــه یــوې میاشتې څخه لږ او له یوه کاله زیــات

جریان پروسه رأی دهــی و شــمارش آراء بـــه منظـــور کتمـــان حقایق.

(۲) مرتکبین جرایم انتخاباتی مندرج فقرهٔ (۱) این ماده طور ذیل به مجازات محکوم می گردند:

۱- مرتکب جرم مندرج جزء (۱) به حبس قصیری که از سه مــاه کمتــر نباشد.

۲- مرتکب جرایم منــدرج اجــزای (۲و۳) علاوه بــر محــروم شــدن از حقــوق منــدرج ایــن قــانون برای مدت پنج سال، بــه حــداکثر حبس قصیر.

۳- مرتکب جــرم منــدرج جــزء (۴) بــه حــبس متوســط الــی دوسال.

۴- مرتکب جرایم مندرج اجزای (۵، ٦، ۷ و۸) به حبس متوسط الی ســه سال.

۵- مرتکب جــرم منــدرج جــزء (۹) به حبس که از یک مــاه کمتــر و از یـــک ســـال بیشـــتر

نه وي.

٦- په (۱۰) جزء کې د درج شوي جرم مرتکب، له دوو کلونو په زيات حبس.

۷- په (۱۱) جزء کې د درج شوي جرم مرتکب، د متوسط حبس په اکثر حد.

۸- په (۱۲، ۱۳ او ۱۴) اجزاوو کې د درج شوو جرمونو مرتکب، پدې قانون کې له درج شوو حقوقو څخه د محرومېدو برسيره په قصير حبس.

۹- په (۱۵) جزء کې د درج شوي جرم مرتکب، تر دريو کلونو پورې په متوسط حبس.

۱۰- په (۱٦ او ۱۷) اجزاوو کې د درج شوو جرمونو مرتکب، له دريو کلونو څخه زيات په متوسط حبس.

۱۱- په (۱۸) جزء کې د درج شوي جرم مرتکب، په قصير حبس چې له دريو مياشتو څخه لږ نه وي.

۱۲- په (۱۹ او ۲۰) اجزاوو کې د درج شوو جرمونو مرتکب، تر دريو کلونو پورې په متوسط حبس.

نباشد.

٦- مرتکب جرم مندرج جزء (۱۰) به حبس بيش از دوسال.

۷- مرتکب جرم مندرج جزء (۱۱) به حداکثر حبس متوسط.

۸- مرتکب جرايم مندرج اجزای (۱۲، ۱۳ و۱۴) علاوه بر محروم شدن از حقوق مندرج اين قانون، به حبس قصير.

۹- مرتکب جرم مندرج جزء (۱۵) به حبس متوسط الی سه سال.

۱۰- مرتکب جرايم مندرج اجزای (۱٦و ۱۷) به حبس متوسط بيش از سه سال.

۱۱- مرتکب جرم مندرج جزء (۱۸) به حبس قصيری که از سه ماه کمتر نباشد.

۱۲- مرتکب جرايم مندرج اجزای (۱۹و ۲۰) به حبس متوسط الی سه سال.

(۳)که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج شوي جـرايم د تحريـک، تهديد، ترغيب يا هڅونې له امله صورت موندلی وي، د هغو مرتکب د جـرم د فاعل په عين جزاګانو محکومېږي.
(۴) پدې قانون کې درج شوي نغدي جرمونه او جزاګانې د کمېسيون لـه لارې ابلاغ او د قـانون د تنفيـذ د مراجعو په واسطه پلې کېږي.

شپاړسم فصل

عمومي رأيو ته مراجعه

عمومي رأيوته د مراجعې ډول

سلمه ماده:

(۱) جمهور رئيس کولای شي په مهمو ملي سياسي، ټـولنيزو يـا اقتصـادي موضوع ګانو کې د افغانستان د خلکو عمومي رأيو ته مراجعه وکړي.
(۲) که چېرې جمهور رئيس عمـومي رأيو ته د مراجعې په هکلـه تصـميم ونيسي، موضوع عمومي رأيو تـه لـه مراجعې څخه لږترلـږه درې مياشـتې دمخه، کمېسيون ته راجع کېږي.

(۳)هرگاه جرايم مندرج فقرۀ (۱) اين ماده به اثر تحريک، تهديد، ترغيب يا تشويق صورت گرفته باشد، مرتکب آن به عين مجازات فاعل جرم محکـوم می شود.
(۴)جرايم نقدی و مجـازات هـای مندرج اين قانون از طريق کميسـيون ابلاغ و توسط مراجع تنفيـذ قـانون تطبيق می گردد.

فصل شانزدهم

مراجعه به آرای عمومی

طرز مراجعه به آرای عمومی

مادۀ صدم:

(۱) رئيس جمهـور مـی توانـد در موضوعات مهم ملی سياسی، اجتماعی يا اقتصادی به آرای عمـومی مـردم افغانستان مراجعه نمايد.
(۲) هرگاه رئيس جمهـور در مـورد مراجعه به آرای عمومی تصميم اتخاذ نمايد، موضوع حداقل سه ماه قبل از مراجعه به آرای عمومی، به کميسيون راجع می‌گردد.

د تدابیرو نیول او عمومي رأیو ته د مراجعې د ترسره کېدو ډول

یو سلو یوه یمه ماده:

(۱) کمېسیون مکلف دی، په ټـاکلې موده کې عمومي رأیو ته د مراجعـې موضوع ته په پام سره لازم تدبیرونـه ونیسي.

(۲)عمومي رأیو ته د مراجعې د ترسره کېدو ډول د هغې موضوع ته په پـام سره په جلا کړنلاره کې تنظیمېږي.

عمومي رأیو ته د مراجعې څخـه څارنه

یوسلو دوه یمه ماده:

عمومي رأیو ته مراجعه په ټول هېواد کې په یوه ورځ دایرېږي او د ترسـره کېدو له بهیر څخـه یـې د سیاسـي ګوندونو، مدني بنسټونو، آزادو رسنیو او بین المللي سازمانونو څـارونکي او کتونکي څارنه کوي.

اتخاذ تدابیر و طـرز برگـزاری مراجعه به آرای عمومی

مادۀ یکصد و یکم:

(۱) کمیسیون مکلف است، در مدت معینه با در نظرداشت موضوع مراجعه به آرای عمومی، تدابیر لازم را اتخاذ نماید.

(۲) طرز برگزاری مراجعه بـه آرای عمومی با در نظرداشت موضوع آن در طرزالعمل جداگانه تنظیم می گردد.

نظـارت از مراجعـه بـه آرای عمومی

مادۀ یکصد و دوم:

مراجعـه بـه آرای عمـومی در سراسرکشور در یک روز دایر شده و از رونـد برگـزاری آن نـاظرین و مشاهدین احزاب سیاسی، نهادهـای مدنی، رسانه های آزاد و سازمان های بین المللی نظارت می نمایند.

اووه لسم فصل

متفرقه حکمونه

فرعي ټاکنې

يو سلو درېيمه ماده:

(۱) که چېرې د ولسي جرګې، ولایتي شورئ، ولسوالۍ شورئ، کلي شورئ او د ښاروالۍ مجلس له غړو څخه يو ووژل شي، ددې قانون د حکمونو مطابق د پاتې مودې لپاره د اړوندې ټاکنيزې حوزې په سطحه ټاکنې ترسره کېږي، په دې شرط چې د ټاکنيز بنسټ د کاري دورې پای ته لږ تر لږه يو کال پاتې وي.

(۲) که چېرې ښاروال ووژل شي، ټاکنې د اړوندې ټاکنيزې حوزې په سطحه ترسره کېږي.

د ټاکنو شاته اچول او ځنډول

يو سلو څلورمه ماده:

(۱) که چېرې امنيتي وضعه، طبيعي پېښې او آفتونه يا دې ورته حالت، د ټاکنو په ترسره کېدو کې د نمايندګۍ

فصل هفدهم

احکام متفرقه

انتخابات فرعی

مادۀ یکصد و سوم:

(۱) هرگاه یکی از اعضای ولسی جرگه، شورای ولایتی، شورای ولسوالی، شورای قریه و مجلس شاروالی به قتل برسد، انتخابات درسطح حوزۀ انتخاباتی مربوط برای میعاد باقیمانده، مطابق احکام این قانون تدویر می گردد، مشروط بر این که حداقل یک سال به ختم دورۀ کاری نهاد انتخابی باقی مانده باشد.

(۲) هرگاه شاروال به قتل برسد، انتخابات در سطح حوزۀ انتخاباتی مربوط مطابق احکام این قانون برگزار می شود.

تعویق و تعلیق انتخابات

مادۀ یکصد و چهارم:

(۱) هرگاه اوضاع امنیتی، حوادث و آفات طبیعی یا حالت مماثل، اصل نمایندگی عمومی و عادلانه را در تدویر

عمومي او عادلانه اصل ناشونی کړي يا داچې د ټاکنو د پړاوونو مشروعيت ته زيان ورسوي، ټاکنې د کمېسيون پــه وړانديز او د امنيت شورې د رئيس او غړو، د ملي شورې د دواړو مجلسونو د رئيسانو، د سترې محکمې د رئيس او د افغانستان د اساسي قانون پر تطبيق د څارنې د خپلواک کمېسيون د رئـيس څخه جوړې کمېټې په تأييد له ټاکــل شوې نېټې څخه تر څلور مياشتو پورې شاته اچول کېږي.

(۲) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج وضعيت او حالتونه د څلورو مياشتو د مودې په بهير کې رفع نشي، کمېټه کولای شي نومــوړې مــوده د څلورو نورو مياشتو لپاره تمديد کړي.

(۳) ددې مادې په (۱) فقره کې د درج شوې کمېټې تصميم د هغو د غــړو د رأيو په اکثريت نيول کېږي.

(۴) که چېرې ددې مادې په (۱) فقره کې درج حالتونه يوې يا څو ټــاکنيزو حوزو ته منحصر وي، کمېټه کــولای شي په هماغه حوزه کې د ټاکنو ترسره

انتخابات غير ممکن سازد و يا اينکه به مشروعيت مراحل انتخابــات صــدمه رساند، انتخابات به پيشنهاد کميسيون و تائيد کميته ای متشــکل از رئــيس واعضــای شــورای امنيــت ملــی، رؤسای مجلســين شــورای ملــی، رئــيس ســتره محکمــه و رئــيس کميسيون مستقل نظارت بــر تطبيــق قانون اساسی افغانستان از تاريخ معينه الــی مــدت چهارمــاه تعويــق می گردد.

(۲) هرگاه اوضاع و حالات منــدرج فقرۀ (۱) اين ماده طی مدت چهار ماه رفع نگردد، کميته می توانــد مــدت مذکور را برای چهارماه ديگرتمديــد نمايد.

(۳) تصميم کميته مندرج فقرۀ (۱) اين ماده به اکثريت آرای اعضای آن اتخاذ می شود.

(۴) هرگاه حالات مندرج فقرۀ (۱) اين ماده منحصر به يک يا چنــد حــوزۀ انتخاباتی باشد، کميتــه مــی توانــد برگزاری انتخابات را در همان حوزه

کېدل د حالاتو تر رفع او د وضعيت تر ښه کېدو پورې وځنډوي.

(۵) که چېرې په يوه ټاکنيزه حوزه کې ټاکنې ناقصې تشخيص شي، کمېسيون کولای شي په نوموړې حوزه کې د ټاکنو د بيا ترسره کېدو امر صادر کړي.

(٦) که چېرې ټاکنې شاته واچول شي يا وځنډېږي، په دې قانون کې درج شوي ټاکنيز مقامونه د ټاکنو تر ترسره کېدو او د هغو د پايلو تر اعلان پورې خپل کار ته دوام ورکوي.

ژمن ليک (تعهدنامه)

يو سلو پنځمه ماده:

نوماندان، ګوندونه او د سياسي ګوندونو ائتلاف، رسنۍ، څارونکي او کتونکي مکلف دي چې د کمېسيون له خوا برابر شوی ژمن ليک لاسليک کړي.

د امنيت تأمينول

يو سلو شپږمه ماده:

د کمېسيون، د شکايتونو د مرکزي او

الی رفع آن حالات و بهبود اوضاع تعليق نمايد.

(۵) هرگاه انتخابات در يک حوزهٔ انتخاباتی ناقص تشخيص شود، کميسيون می تواند امر برگزاری مجدد انتخابات را در حوزهٔ مذکور صادر نمايد.

(٦) هرگاه انتخابات تعويق يا تعليق گردد، اعضای عهده های انتخابی مندرج اين قانون الی برگزاری انتخابات و اعلام نتايج آن به کار خويش ادامه می دهند.

تعهد نامه

مادهٔ يکصد و پنجم :

کانديدان، احزاب و ائتلاف احزاب سياسی، رسانه ها، ناظرين و مشاهدين مکلف اند، تعهدنامهٔ تهيه شده از جانب کميسيون را امضاء نمايند.

تأمين امنيت

مادهٔ يکصد و ششم:

وزارت امور داخله و ساير مراجع

ولايتي كمېسيونونو د غړو او د هغوی د اړوندو دفترونو د امنيت د ټينګښت او ساتنې په منظور د کورنيو چارو وزارت او نورې اړوندې امنيتي مراجع لازم تدابير ترلاس لاندې نيسي.

نشريه، نښان او مهر

يو سلو اوومه ماده:

کمېسيون او د شکايتونو مرکزي کمېسيون د ځانګړې نشريې، نښان او مهر لرونکي دي.

د لايحو، کړنلارو او لارښـودونو وضع او خپرول

يو سلو اتمه ماده:

(۱) کمېسيون او د شکايتونو مرکزي کمېسيون مکلف دي، ددې قانون د حکمونو د ښه تطبيق په منظور بيلې لايحې،کړنلارې او لارښودونه وضع او خپارهٔ کړي.

(۲)کمېسيون او د شکايتونو مرکزي کمېسيون مکلف دي، په دې قانون کې درج شوې لايحې،کړنلارې او لارښودونه د ټاکنو د ترسره کېدو لـه

ذيربط امنيتی به منظور تأمين امنيت و حفاظت اعضای کميسيون، کميسيون های مرکزی و ولايتی شکايات و دفاتر مربوط آنها تدابير لازم را اتخاذ می نمايند.

نشريه، نشان و مهر

مادهٔ يکصد و هفتم:

کميسيون و کميسيون مرکزی شکايات دارای نشريه، نشان و مهر مخصوص می باشند.

وضع و نشرلوايح، طرزالعمل ها و رهنمودها

مادهٔ يکصد و هشتم:

(۱) کميسيون و کميسيون مرکزی شکايات مکلف اند، به منظور تطبيق بهتراحکام اين قانون، لوايح، طرزالعمل ها و رهنمود های جداگانه را وضع و نشر نمايند.

(۲) کميسيون و کميسيون مرکزی شکايات مکلف اند، لوايح، طرزالعمل ها و رهنمود های مندرج اين قانون را حداقل (۹۰) روز قبل

ورځې څخه لږترلږه (۹۰) ورځـــې د مخه خپاره کړي.

انفاذ

يو سلو نهمه ماده:

دغه قانون د توشېح له نېټې څخه نافذ او په رسمي جريده کې دې خپور شي او ددغه په نافذېدو سره د ۱۳۹۴ هــ.ش کال په (۱۲۰۷) ګڼه رسمي جريده کې خپور شوي د ټاکنو قانون او د ټاکنو د خپلـــواک کمېســـيون او د ټـــاکنيزو شکايتونو د کمېسيون د تشکيل، دندو او واکونو قانون او د هغو نور مغـــاير حکمونه ملغي کېږي.

از روز برگـــزاری انتخابـــات نشـــر نمايند.

انفاذ

مادۀ يکصد و نهم:

اين قانون از تاريخ توشيح، نافذ و در جريدۀ رسمی نشر گردد و با انفاذ آن، قـــــانون انتخابـــــات و قـــــانون تشکيل، وظايف و صـــلاحيت هـــای کميسيون مستقل انتخابات و کميسيون شکايات انتخاباتی منتشرۀ جريدۀ رسمی شماره (۱۲۰۷) سال ۱۳۹۴هــ. ش و ســـاير احکـــام مغـــاير آن ملغـــی می گردد.

اشتراک سالانه:

در مرکـــــز و ولایـــــات :   (۹۰۰) افغـــــانی

بـــرای مـــامورین دولـــت: بـــا ۲۵ فیصـــد تخفیـــف

برای متعلمین و محصلین با ارائه تصـــدیق، نصـــف قیمـــت

برای کتاب فروشی ها با ۱۰ فیصد تخفیف از قیمت روی جلد

خـــارج از کشـــور: (۲۰۰) دالـــر امریکـــائی

ISLAMIC REPUBLIC
OF
AFGHANISTAN
MINISTRY OF JUSTICE

OFFICIAL GAZETTE

Election Law

Date:25th SEPTEMBER .2016
ISSUE NO :(1226)